

مرگ بر امپریالیسم
امریکا
دشمن اصلی خلق ما

کد

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

سال دوم - چهارشنبه ۵ آذرماه ۱۳۵۹

((اثریت))

شماره ۸۶ ۲۴ صفحه ۳۰ ریال

به یاری آوارگان جنگ بشتابیم

★ پیکار دلیرانه خلق، دشمن را نوید ساخته

اخبار رسیده از تمامی جبهه‌ها حاکی از پیروزی خلق بر نیروهای رژیم - تجاوزگر و جنایتکار صدام است.

پایداری مردم و فداکاری و دلاوری‌های پاسداران، سربازان، درجه‌داران و افسران میهن پرست، دشمن را در تمامی جبهه‌ها منهزم کرده و با شکست‌های جدی روبرو ساخته است. در جبهه آبادان به میزان چشم‌گیری کوشش دشمن بقیه در صفحه ۳

آقای رئیس جمهور!

به خاطر استقلال و آزادی

لیبرال‌ها باید افشاء و طرد شوند

همانگونه که در سرمقاله پیشین گفتیم، همه نیروهای ترقیخواه و دمکرات و برخی عناصر و محافل ضدامپریالیست خط امام که خواستار رعایت قانون اساسی و خواستار آزادی‌های سیاسی و اجتماعی مردم هستند، این روزها از آزادی‌های سیاسی حرف می‌زنند و خواستار مبارزه علیه انحصار طلبی سیاسی می‌شوند و هم لیبرال‌هایی که بنا به ماهیت طبقاتیشان مخالف آزادی و استقلال ایران هستند، این روزها از آزادی و رعایت قانون اساسی و غیره دم می‌زنند و گفتیم که قطعاً آنان که خواستار آزادی و استقلال ایرانند، مقصود و منظورشان از آزادی کاملاً مغایر است با مقصود و منظور لیبرال‌ها که خواستار سازش با امپریالیسم هستند.

ما در سرمقاله پیشین نشان دادیم که آزادی مردم و آزادی لیبرال‌ها زمین تا آسمان با هم فرق دارد و یکی ناقض دیگری است.

اما آنچه امروز برای میلیون‌ها هم‌میهن آگاه و مبارز ما و برای بسیاری نیروهای ترقیخواه مطرح شده آن است که این آزادیخواهی رئیس‌جمهور از کدام مقوله است؟

بنی‌صدر پیش از انتخاب به مقام ریاست جمهوری چهره‌ای از خود در مردم ترسیم می‌کرد متفاوت با چهره‌های بازرگان و قطب‌زاده و امثال آنها و آنچه سبب شد مردم وی را از بازرگان و شرکاء جدا کنند، از قطب‌زاده‌ای که در سراسر ایران تنها ۴۰ هزار رای برای ریاست جمهوری آورد، بقیه در صفحه ۲

خون رفقای ما سرزمین کارگران و زحمتکشان را گلگون تر کرده است

پیکار پرخروش خلق علیه تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم جنایتکار صدام، صبح پیروزمند زحمتکشان را نوید می‌دهد.

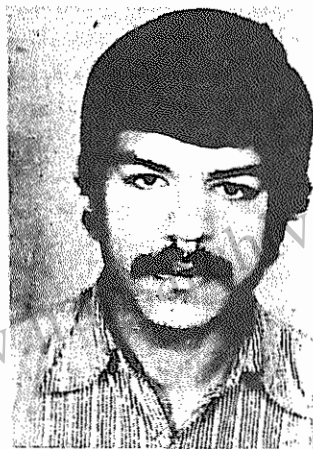
در پیکار عظیمی که جریان دارد، فدائیان خلق استوار و بی‌تزلزل در راه آرمان شگوهمند طبقه کارگر جانهای گرانقدری را وثیقه پیمان خونینشان با خلق می‌کنند.

در این شماره یاد فدائیان خلق، رفقا:

★ اکبر فخور ★ رحیم مقیطی ★ جمشید پرچی زاده
★ جواد گنجی ★ غلامعباس بخرد ★ سهیلا مستعان زاده

را که در سنگرهای پیکار با تجاوزگران به شهادت رسیده‌اند گرامی می‌داریم.

از آنان می‌آموزیم که همچنان در راه خلق فداکار و در برابر دشمنان خلق تسلیم‌ناپذیر باشیم. در صفحه ۱۶



★ فدائی شهید

رفیق اکبر فخور

تاخیر در حل مسأله امت آمیز و عادلانه کردستان

همچنان فاجعه می‌آفریند

در صفحه ۱۲

صلح

پس از دفع تجاوز

در صفحه ۲۳

در این شماره:

جوانان زحمتکش ارمنه:
باتنار خون خود در جبهه‌های جنگ
وحدت خلقهای ایران را مستحکم‌تر سازیم
در صفحه ۱۲

جنبش کارگری ایران
۴۰ تعمیرکار شرکت واحد به جبهه اعزام شدند
در صفحه ۱۸

★ اخراج کارگران مبارز
اقدامی نفاق افکنانه و ضد انقلابی است
در صفحه ۱۸

جنبش دهقانی ایران
گزارشی از مبارزات زحمتکشان منطقه لارستان علیه خوانین
در سنگر عشایر، نه تسلیم، نه سازش،
نبرد با آمریکا، نبرد با خوانین
در صفحه ۱۹
اصرار در اخراج معلمان آگاه و مبارز خدمت به ضد انقلاب است. در صفحه ۲۰

انقلاب جهانی
حماسه مقاومت در لنینگراد:
آگاهی، اتحاد،
سازماندهی
در صفحه ۸ (فصل دوم)



چه کسانی از
اطلاعیه دادستانی انقلاب آبادان
خشنود شدند؟
در صفحه ۱۱

زحمتکشان منطقه سجانی:

«مسئولین بسیج عشایری باید از بین زحمتکشان
انتخاب شوند نه از میان سرمایه‌داران لیبرال»
در صفحه ۷



در صفحه ۴

متحد شویم!

تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم عراق را درهم کوبیم!

بقیه از صفحه ۱

آقای رئیس جمهور!

... جدا کنند و در میان کاندیداهای رسمیت یافته ریاست جمهوری، او را نزدیک با یازده میلیون رای به ریاست جمهوری برگزینند، همین بود. بنی صدر در مقایسه با بازرگان و شرکاء خود را فردی مدافع استقلال ایران و آزادی مردم معرفی می‌کرد، خود را چهره‌ای شناسانده بود مخالف دار و دسته بازرگان و شرکاء، مخالف کسانی که ثمرات انقلاب و تداوم آن را در معرض مخاطرات جدی قرار داده و در بحبوحه تلاش برای سازش با امپریالیسم امریکا از مقاماتی که به ناحق در اشغال داشتند به زیر کشیده شده بودند.

بنی صدر در آستانه انتخابات ریاست جمهوری در مصاحبه‌ای با دانشجویان مسلمان دانشگاه تهران و انجمن‌های اسلامی که پرسیده بودند نظر شما راجع به دولت قبلی (دولت بازرگان) چیست، چنین می‌گوید:

"دولت قبلی وقتی ما در اروپا بودیم داوطلب برای نخست‌وزیری بود. من به آقا گفتم می‌شود انقلاب بچش مرده به دنیا بیاید، می‌تواند زنده به دنیا بیاید. گفت آقا شما خیلی بدبین هستید. گفتم خیر آقا، انقلاب، انقلاب است و مقتضیات انقلاب هم مقتضیات انقلاب. در عمل معلوم شد که همینطور است. دولت قبلی (دولت بازرگان) دولتی بود که می‌خواست نظام پیشین را حفظ کند و آن را اصلاح کند و بنابراین نمی‌فهمید اصلا انقلاب چیست و چگونه انجام شده است. گفتم این آدمی که شما در نظر گرفتید مثل این است که بچه انقلاب شما مرده به دنیا بیاید و به شکست نیز انجامید که مصائبش برای ما بسیا رغم‌انگیز است. همین الان در همه‌جای کشور گرفتاری داریم " بنا براین من با دولت بازرگان " از پاریس مخالف بودم "

در میان کاندیداهای ریاست جمهوری که صلاحیتشان از جانب وزارت کشور تأیید شده بود، بنی صدر با سخنانی این چنین و با تکیه بر حل دشواری‌های اقتصادی مردم، جل مسئله گرانی و بیکاری و با شعار آزادی سیاسی، بحث آزاد و غیره برای توده‌های مردم ایران پذیرفتنی‌تر از سایرین می‌نمود و میلیونها مردمی که از نخست وزیر "محبوب"، بازرگان و جاسوسانی چون امیرانتظام، شعبده‌بازانی چون قطب‌زاده و امثالهم که دست در هم برای نابودی انقلاب و سازش با امپریالیسم تلاش کرده و مورد نفرت مردم بودند، بنی صدر را با این امید انتخاب کردند که او راهی جدا و درست‌تر بگوئیم راهی مخالف با بازرگان و شرکاء برگزینند. راهی که گرانی و بیکاری تحمیل شده بر مردم زحمتکش را کاهش دهد، یعنی راهی که در تقابل با سرمایه‌داران لیبرال و با بازرگان و شرکاء که نمایندگان آنان هستند، باشد، راهی که آزادی در آن معنای مخالف معنای آزادی بازرگان و امیرانتظام و قطب‌زاده داشته باشد، راهی که بر مبارزه با پایگاه امپریالیسم یعنی سرمایه‌داران وابسته و نمایندگان لیبرال آنها که می‌خواستند و همواره می‌خواهند با امپریالیسم سازش کنند، تأکید داشته باشد و خلاصه راهی مخالف راه بازرگان که یک‌ماه پس از انقلاب بدون آنکه از خون شهدای خلق شرم کند و در دفاع از عقاید ارتجاعی خود می‌گفت:

"در چارچوب نظام موجود، یعنی مشروطه منهای سلطنت خیلی کارها کرده‌ایم"

(مصاحبه با روزنامه‌ها - ۲۴ اسفند ۵۷)

مردم با توجه به سخنان بنی صدر، نوشته‌های او و شعارهای او و مقایسه آن با سیاست‌های دولت سازشکار و ضدانقلابی بازرگان، گفتند که در میان کاندیداهای موجود ریاست جمهوری، این شخص به خواسته‌های ما نزدیک‌تر است و بدین ترتیب بنی صدر شد رئیس جمهور.

پرداختن به عملکرد رئیس جمهور از انتخابات تا کنون، هرچند ضروری است و باید بدان بپردازیم، اما جای آن در این چند سطر نیست. در اینجا فقط

برخی سئوالاتی را که این روزها برای میلیونها ایرانی مطرح است، تکرار می‌کنیم:

آیا برآستی بنی صدر علیه سازشکاران لیبرال که به انقلاب ما خیانت کرده و همواره درصددند به آن خیانت کنند، از انتخابات ریاست جمهوری به بعد مبارزه کرده است؟ آیا برآستی به چنین مبارزه‌ای که پیش از انتخابات قولش را داده بود، پای بند است؟ آیا هنوز بر سر قول‌هایی که یازده میلیون رای دهنده را برای انتخاب او به پای صندوق‌ها کشاند، هست؟ آیا او این قول‌ها را از سر صداقت به مردم داده بود و یا از روی مصلحت و صرفا برای آنکه رئیس جمهور بشود؟ آیا..... آیا.....

واقعیت آن است که بنی صدر مدتها است از مسائل و مشکلات اقتصادی توده‌ها زیاد حرف نمی‌زند، از حمله و افشای سازشکارانی مثل بازرگان، قطب‌زاده و امثال آنها که بازهم می‌خواهند سیاست سازش با امپریالیسم را به پیش برند بکلی خودداری می‌کند و از آزادی‌ها هم به شیوه‌ای حرف می‌زند که مردم نمی‌توانند فرق آن را با آزادی‌هایی که روزنامه "میزان" و بطورکلی بازرگان و شرکاء از آن دم می‌زنند تمیز دهند و... و این را می‌دانیم که بازرگان و شرکاء برای جلوگیری از تعمیق مبارزات ضد امپریالیستی، "آزادیخواهی" دروغین خود را وسیله‌ای کرده‌اند برای غلبه بر جناح‌های ضد امپریالیست جمهوری اسلامی.

رئیس جمهور برخلاف قولی که به مردم به‌ویژه دهقانان ترکمن داده بود، هرگز پرونده ترور توماج و هم‌زمانش را که در بازداشت به شهادت رسیدند، دنبال نکرد، کوچکترین اعتراضی به اعدام دکتر نریمسا و اعدام‌های وحشیانه‌ای مثل آن نکرده است. توقیف روزنامه‌های ترقیخواه اعتراض وی را بر نمی‌انگیزد. به بازداشت و محاکمه عناصر ترقیخواه و دمکرات هیچ اعتراضی نمی‌کند و بالاخره جعل و سانسور و افترا علیه ما و دیگر نیروهای ترقیخواه که چه در رادیو - تلویزیون و چه در روزنامه‌های رسمی دولتی، دیگر به صورت امری معمول درآمده، هرگز سبب نشده است که رئیس جمهور را به مخالفت وادارد و در دفاع خود از آزادی‌ها از اینهمه موارد متعدد حتی یکبار نام ببرد، اما آقای رئیس جمهور به محض بازداشت قطب‌زاده بی‌درنگ به اعتراض برمی‌خیزد و بی‌هیچ‌تردیدی از روزنامه "میزان" (ارگان رسمی نمایندگان سرمایه‌داران لیبرال) دفاع می‌کند بی آنکه توضیح دهد که موضع او در مقابل خط این روزنامه که مدافع طبقه سرمایه‌دار و مدافع سازش با امپریالیسم امریکاست، چیست؟

انقلاب اسلامی روزنامه آقای رئیس جمهور که پیش از انتخابات موضع مخالف بازرگان و شرکاء را داشت اینک مدتهاست که حتی از گل‌نازک‌تر به بازرگان و شرکاء نگفته اما تا بخواهی علیه کمونیست‌ها و علیه نیروهای ضد امپریالیست تبلیغ کرده است بدون آنکه برخلاف ادعای آزادیخواهی و مبارزه با انحصارطلبی حتی یکبار هم که شده دیدگاه‌ها و اعتراضات بسیاری از نیروهای انقلابی به‌ویژه انقلابیون کمونیست را به چاپ رسانده باشد و اخبار و گزارشات و حقایق مربوط به انقلابیون کمونیست را برای خوانندگان منعکس کرده باشد.

آقای رئیس جمهور درقبال سیاست خارجی نیز در هر فرصتی تمایز میان دشمنان انقلاب ایران یعنی امپریالیستهای امریکا، اروپا و ژاپن را با دولت‌های ترقیخواه جهان که دوستان انقلاب ایرانند و اتخاذ سیاست درست و اصولی در قبال آنها ضامن تداوم مبارزه ضد امپریالیستی و ضامن استقلال میهن ماست درهم می‌ریزد و این به تظہیر چهره امپریالیسم به ویژه امپریالیستهای اروپائی و ژاپنی " که خارج از دایره " دو ابرقدرت " رئیس جمهور هستند، منجر می‌شود. وقتی رئیس جمهور دم بدم با تکرار اصطلاح ضدعلمی و گمراه کننده " دو ابرقدرت " که اختراع محافل ارتجاعی طرفدار امپریالیسم است، امکان استقرار روابط عادلانه با دولت‌های اروپای غربی و ژاپن را تبلیغ می‌کند، این کار او عملا به مفهوم تبلیغ دوستی با امپریالیسم جهانی منهای امپریالیسم امریکاست که صدالبته می‌دانیم دوستی با هر قدرت امپریالیستی به دوستی با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا منجر می‌شود.

این دیدگاه‌های رئیس جمهور که به‌ویژه در روزنامه انقلاب اسلامی منجلی می‌شود، چیز تازه‌ای نیست بسیاری از جنبش‌های کشورهای زیرسلطه که با این دیدگاه برای استقلال و آزادی مبارزه کرده‌اند، سرانجام دردناکشان اینک تجارب و درسهای بزرگی به مردم ما داده است و از این رو نیروهای ترقیخواه و توده‌های مبارز و آگاه ما هرگز از این راه نخواهند رفت و هم از این‌روست که هیچ نیروی ترقیخواهی نمی‌تواند و نباید در شکافتن خطرات مرگبار این دیدگاه‌های آقای رئیس جمهور برای مردم لحظه‌ای تأمل و تردید بخود راه دهد.

ما در گذشته با توجه به کلیه آثار، مصاحبه‌ها سخنرانی‌ها و مواضع اعلام شده دکتر ابوالحسن بنی صدر، با توجه به کل نظرات، گرایشات و انحرافات او، میان بنی صدر و لیبرال‌ها که خود را به‌ویژه این‌روزها به او نزدیک می‌دانند، فرق گذاشته‌ایم و هنوز هم با وجود حرکت‌های اخیر بنی صدر، به چنین فرقی قائل هستیم.

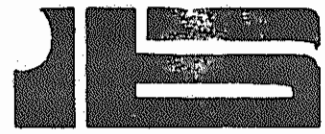
ما همواره دوستی بنی صدر را با بازرگان و شرکاء مورد سخت‌ترین انتقادات قرار داده‌ایم و امروز که برخورد‌های بنی صدر را با این سازشکاران آشتی‌پذیرتر از همیشه یافته‌ایم، جای آن دارد همراه و همصدا با میلیونها هم‌میهن مبارز و آگاهان از رئیس جمهور بخواییم سیاست خود را در قبال لیبرال‌ها، در قبال مسائل انقلاب و در قبال دفاع از استقلال و آزادی میهن و شیوه پیشبرد مبارزه علیه امپریالیسم و حل مسائل و دشواری‌های زحمتکشان، در قبال دولتی کردن تجارت خارجی، اصلاحات ارضی، بحران مسکن، ایجاد اشتغال، سیاست خارجی، تصفیه ارتش سیاست بازسازی خرابیهای جنگ و غیره به روشنی و دور از بندبازی‌های زیرکانه سیاسی برای مردم توضیح دهد.

ما به رئیس جمهور هشدار می‌دهیم که آنچه در ذهن او می‌گذرد و در آثار و نوشته‌ها و مصاحبه‌های گذشته او آمده است، هرچه باشد وقتی او امروز در برخورد با مسئله آزادی‌ها در کنار بازرگان و شرکاء قرار می‌گیرد، وقتی خود را به دار و دسته دولت موقت بیش از نیروهای ضد امپریالیست و ترقیخواه نزدیک نشان می‌دهد، وقتی او به لیبرال‌ها بال و پر می‌دهد، وقتی مردم فرقی میان نحوه برخورد بنی صدر با مسئله آزادی‌ها با برخورد نویسندگان "میزان" نبینند و بنی صدر هم اصراری در جدا کردن خود از این حضرات نداشته باشد، نتیجه کار معلوم است: تقویت دار و دسته بازرگان و تضعیف نیروهای ضد امپریالیست، نه تقویت انقلاب و تقویت مدافعان استقلال و آزادی ایران.

هرچند بنی صدر برخلاف بازرگان و شرکاء معتقد به آزادی و استقلال ایران است و از همین رو ما هنوز حساب او را از حساب لیبرال‌ها که سیاست‌هایشان مخالف استقلال و آزادی ایران و در خط امریکاست جدا می‌کنیم، اما بنی صدر صرف‌نظر از اعتقاداتش اگر نتواند سیاستی مشخص و روشن در قبال لیبرال‌ها و در قبال نیروهای ضد امپریالیست اتخاذ کند و اگر به شیوه کنونی که فرق خود را با لیبرال‌ها مشخص نمی‌سازد و از آنها دفاع می‌کند، ادامه دهد، قطعاً چنین سیاست یک بام و دو هوایی نمی‌تواند به تقویت لیبرال‌ها و تضعیف نیروهای ضد امپریالیست منجر نشود.

بنی صدر اگر می‌خواهد در خط استقلال و آزادی ایران بماند، نباید اجازه دهد لیبرال‌ها به دور او و امثال او گرد آیند و از او پلکانی برای تقویت سیاست‌های خود و تظہیر خود بسازند بلکه اگر بخواهد به وعده‌هایی که پیش از انتخابات به مردم داده، وفادار بماند، باید خود را با نیروهای ضد امپریالیست جمهوری اسلامی که برخی از محافل آن از ابتدا با انحصارطلبی سیاسی و سرکوب آزادی‌های سیاسی مخالف بوده و برخی نیز زیر فشار واقعیات جنبش بتدریج به خطرات انحصارطلبی سیاسی پی می‌برند، نزدیک و نزدیک‌تر شود. چنین سیاستی است که مورد قبول نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست و میلیونها تن از مردم آگاه و مبارز میهن ما قرار می‌گیرد. در غیر این صورت بنی صدر از نیروهای مدافع استقلال و آزادی ایران دور و به لیبرال‌ها نزدیک‌تر خواهد شد.

گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا



به روستائیان زحمتکش ترکمن صحرا

اکنون قریب دو ماه است که رژیم ضد مردمی صدام جنگی خانمانسوز را بر ما تحمیل کرده است. همه آنهایی که با انقلاب و مبارزات مردم مادشمنی دیرینه دارند، از امپریالیسم آمریکا گرفته تا سرمایه داران و زمین داران بزرگ و نوکران داخلی آنها منتظرند که ما چگونه از پای درمی آئیم و البته آنها فقط صبر و انتظار نمی کشند بلکه با انواع فشارها از قبیل محاصره اقتصادی و کمکهای نظامی به رژیم صدام، از طریق کشورهای مصر، اردن، عربستان و توطئه های گوناگون در داخل کشور، تلاش دارند به منظور خود جامعه عمل ببوشانند. آنها کارخانجات ما را بمباران می کنند، بر روی مردم بی دفاع شهرها آتش گلوله می بارند حتی مدارس و بیمارستانها را نیز به خمپاره می بندند تا شاید ما تسلیم شویم. گویا از یاد بردمانند که بر سر مردم قهرمان ویتنام سالها، میلیونها تن بمباریدند و مزارع برنجشان را با بمبهای شیمیایی ویران کردند ولی دهقانان ویتنامی تفنگ بدوش و بیل به دست ضمن مبارزه ای تا پای جان و کار طاقت فرسا بر روی زمین، بزرگترین دشمن تاریخ بشریت را در برنجزارهای سرزمینشان از پای درآوردند.

روستائیان زحمتکش!

زحمتکشان سراسر ایران زیر فشار گرانی، بیکاری و کمبود مایحتاج زندگی هستند. خوزستان و غرب میهن انقلابی به نبرد مرگ و زندگی با ارتش مهاجم رژیم صدام برخاسته است. دهقانان و دیگر مردم خوزستان در شهرها، روستاها و سنگرها زیر گلوله های خمپاره و توپخانه مهاجمین قرار دارند. آنها نمی توانند زمینهای حاصلخیز خوزستان را تماما زیر کشت ببرند. زمینهای وسیع ترکمن صحرا هم اکنون مایه دلگرمی و امید مردم میهن ما و خانواده های آواره مناطق جنگ زده است.

شما که طی دو سال اخیر پوزه زمین داران بزرگ را به خاک مالیدید و در سال گذشته قریب یک سوم محصول گندم کشور را تامین نمودید، شما که در حال حاضر می توانید و باید همه سنگ اندازیها و کارشکنیها و فشارهای وارده را با اتحاد جمعی خنثی کنید، مسئولیت سنگینی بردوش دارید. کشور ما نیازمند پشت جبهه های قوی برای رزمندگان جان برکف است. پشت جبهه های که در خدمت دفاع از استقلال و آزادی میهن باشد و حلقه محاصره اقتصادی امپریالیستی را درهم بشکنند.

مردم زحمتکش! شوراهای منتخب مردم!

انقلابیون روستا! هواداران همیشه بیدار!

شرایط جنگی ایجاب می کند که:

همچون گذشته در تقویت و تحکیم شوراها بکوشیم و با آنها نهایت همکاری را بنمائیم.

مثل سال قبل زمینها را همچنان شورائی و جمعی کشت کنیم.

تراکتورها را با دقت به کار بیندازیم و در صورت نبودن تراکتور اقدام به تهیه و اجاره آن از طریق ارگانها و عناصر انقلابی بنمائیم.

در گرفتن وام برای تامین نیازمندیهای کشت، فرصت لازم را از دست نداده و به مراکز مربوط مراجعه کنیم.

در تهیه بذر مرغوب و کود اقدام کنیم.

طبیعی است که در ادامه کار، تلاش و مبارزه تان، نیروها، ارگانها و مراکز انقلابی که جانبدار و مدافع توده های مردم هستند، در کنار تان خواهند بود و ضرورت ادامه پشتیبانی از شما با تکیه به نیروی خود شما را درک کرده و از فشارهای وارده دلسرد و مایوس نخواهند شد.

به امید پیروزی نهائی زحمتکشان سراسر ایران

مرگه بر امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)

۱۸ آبان ماه ۱۳۵۹

شده اند، با تمام توان خود تلاش کنند.

۲- دوستان و جاسوسان رژیم صدام و امپریالیسم آمریکا تلاش دارند که با تحقیر آوارگان جنگ، صفوف متحد خلقهای ما را پراکنده سازند تا جبهه انقلاب مردم را به ضعف و شکست کشانند و نیز سیاست غلط و تحقیر - آمیز مدافعین ناآگاه انقلاب را به آنان گوشزد کنند و با انتقاد از سیاست آنان، قدرت یکپارچه خلق را افزون تر سازند. تمام -

هواداران موظفند با هرگونه اقدام نفاق افکنانه و هر آزار و بی حرمتی نسبت به هموطنان ما که در نتیجه جنگ بی خانمان و آواره شده اند، قاطعانه مبارزه کنند. نفاق افکنان و کسانی را که علیه آوارگان اقدام می کنند بیرحمانه افشاء کنند و قاطعانه از آوارگان جنگ حمایت به عمل آورند. تمامی توطئه های دشمنان انقلاب مردم را در این زمینه باید با هشیاری خنثی سازیم.

۳- قطعا افراد ستون پنجم دشمن و همه نیروهای ضد انقلاب تلاش خواهند کرد در میان صدها هزار زحمتکش آواره شده از جنگ، با تبلیغ علیه انقلاب و ایجاد بدبینی در مردمی که بیش از همه و مستقیما از جنگ زیان دیده اند، به تضعیف روحیه پایداری و مقاومت آنان بپردازند، هواداران موظفند با شناسائی افراد ستون پنجم دشمن و معرفی آنها به ارگانهای حکومتی از اعمال ضد انقلابی آنها جلوگیری کنند.

۴- هواداران باید در جهت خنثی کردن تبلیغات رادیوها و محافل امپریالیستی که می کوشند به آوارگان جنگ القاء کنند که شرمت انقلاب برای آنان خانه بدوشی و ... فراهم آورده است، به فعالیت های آگاهگرانه بپردازند.

۵- مشکلات و نیازهای آوارگان جنگ را به "کار" گزارش دهند. درک این نکته اهمیت فراوانی دارد. وظیفه انقلابی و مبرم تمام کادرها، اعضا و هواداران سازمان است که ما را از مشکلات و مطالبات آوارگان جنگ آگاه سازند و با تنظیم و ارسال اخبار و گزارشات مربوط به آنان در انعکاس خواستها و مطالبات آنان فعالانه بکوشند.

شکست خود به جنگ ادامه دهد که در این صورت سیر شکست سخت تری خواهد خورد.

نکته ای که هر روز اهمیت بیشتری می یابد مسئله مردم جنگ زده و مهاجران مناطق تحت اشغال و محاصره است اکثریت قابل توجه این توده جنگ زده را اعراب خونین شهر، آبادان، اطراف اهواز سوسنگرد و شوش تشکیل می دهند که در شرایط معمولی به اندازه کافی دچار فلاکت بوده اند و اینک با خطر فلاکت مضاعف روبرو شده اند محل استقرار آنها عمدتا بخشها و شهرهای کوچک پشت جبهه است. اکنون در اصفهان، شیراز، دشت شادگان، ماهشهر، ویس و رامین، ملائانی، رامهرمز و سریندر انبوهی از آوارگان گرد آمده اند.

جانبداری و حمایت بی چون و چرا آوارگان جنگ اینک یک وظیفه مبرم انقلابی است. دولت جمهوری اسلامی ایران باید برنامه عاجلی برای آوارگان جنگ تدوین و به اجرا درآورد. تاسیس اردوگاهها و اختصاص دادن مساجد و اماکن عمومی برای جنگ زدگان، تهیه غذای گرم برای آنان و سازماندهی تغذیه عمومی رایگان و یاکم قیمت از جمله اقداماتی است که باید بی درنگ به اجرا درآید.

ستون پنجم دشمن، لیبرالها و جاسوسان امپریالیسم و تمامی کسانی که با انقلاب مردم ایران دشمناند و خواهان تحکیم سلطه امپریالیسم در ایران و منطقه هستند، بدون تردید از فرصت مناسبی که برای تضعیف روحیه مردم فراهم شده است غافل نخواهند ماند و تلاشهای ضد انقلابی خود را افزایش خواهند داد. وظیفه تمامی نیروهای انقلابی است که با ایمان به پیروزی خلق و پیشرفت انقلاب در جهت حل مشکلات و مصائب ناشی از تعمیق مبارزه علیه امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا از هیچگونه فداکاری دریغ نورزند.

بر این اساس هواداران سازمان موظفند: ۱- در امر اسکان آوارگان جنگ، توزیع غذا و پوشاک، سوخت و دارو در میان این هموطنان ما که در اثر جنگ تحمیلی امپریالیسم آواره

بقیه از صفحه ۱

بیماری

برای محاصره، شکست خورد و تهاجمات آن درهم شکسته شد و نیروهای رژیم جنایتکار و تجاوزگر صدام طبق اخبار خبرگزاریها حالت دفاعی به خود گرفته اند.

در جبهه سوسنگرد، یورش وحشیانه نیروهای صدام در نتیجه مقاومت قهرمانانه مردم و نیروهای مسلح که از انقلاب و جمهوری اسلامی دفاع می کنند، بار دیگر با شکست مواجه شد و مجبور به عقب نشینی گردید.

در غرب میهن نیز خبرهای واصله حاکی از پیروزیهای کوچک و بزرگ مردم و نیروهای مسلح بوده است. در تمامی این اخبار ارتقاء سطح رزمندگی و سازماندهی نیروهای مدافع انقلاب و وحدت فرماندهی عملیات آنان گزارش شده است.

پایداری خلق می رود که شکست تازه ای برای امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار صدام به ارمغان آورد و دسایس و توطئه هایش را که جنگ تجاوزکارانه و جنایتکارانه رژیم صدام یک نمونه آن بوده است خنثی و بی اثر سازد.

شکست تجاوز صدام بدون تردید انقلاب ما را استوارتر خواهد ساخت، امپریالیسم و متحدان آن را در منطقه تضعیف خواهد کرد و به گسترش مبارزات خلقهای منطقه در نبرد با رژیم های ارتجاعی منطقه یاری خواهد رساند، موقعیت نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست عراق را تحکیم خواهد کرد و پایه های رژیم دیکتاتوری صدام و دار و دسته آن را سست خواهد کرد.

با اینهمه جنگ ادامه خواهد یافت. چه اکنون آشکارا صدام که در هدفهای اولیه خود با شکست روبرو شده علیرغم عوام فریبیهای صلح طلبانه اش، برای خروج خود از بن بست، بناچار خواهان تداوم جنگ است. تلاش مذبحانه برای اشغال مجدد سوسنگرد و استفاده از گازهای شیمیایی، نشان دهنده چگونگی سیر جنگ است. رژیم صدام اکنون مجبور است یا به شکست تن دردهد یا برای جلوگیری از

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند

در کرانه‌های خونین کارون حماسه‌آمیزترین مقاومت‌ها

از یادداشت‌های فدائیان خلق
در سنگرهای خونین جنوب

جاری است



وضع جبهه مانند دریا حالت جزر و مد را دارد. در برابر هجوم دشمن در آن سوی کرخه، حماسه - آمیزترین مقاومت‌ها جاری است. گاه در سرتاسر شب صدای آتش توپخانه در فضا می‌پیچد. صبح روز بعد دوباره آرامش قبل از طوفان جبهه را فرا می‌گیرد و باز و باز حماسه‌ها تکرار می‌شوند.

"اینک می‌توانم رزمنده‌ای را ببینم که چند گلابیل قرمز را به دست گرفته و به سراغ رفیقش که ترکش خمپاره خورده است می‌رود. قدم‌های سنگین و شمرده‌اش را دنبال می‌کنم.

وقتی روی تخت جای رفیق خود را خالی دید، گل از دستش افتاد.

دستهایش تنگ را جستجو می‌کرد!

و چندان با شکه است جنگیدن با ایمان، ایمان به پیروزی محتوم خلقهای تحت ستم بر امپریالیسم جهانی و ما یقین داریم که چنین ایمانی در این نقطه از جهان نیز یگبار دیگر امتحان خود را سرافرازانه در برابر غارتگریهای لجام‌گسیخته‌پس خواهد داد."

فاصله‌ای ندارد، زیاد دور نشویم، آهسته و سنگین حرکت می‌کنیم. دوباره صدای رگبار بلند می‌شود. دراز می‌کشیم. چیسری نمی‌گذرد که یک تانکر حامل آب سر می‌رسد و می‌پرسد: "از کدام راه باید رفت پالایشگاه؟"

معتل نمی‌کنیم و سوار می‌شویم

"مین گیت" بسته. از ولکه پتروشیمی باید رفت

بسوی پالایشگاه می‌رویم. از دروازه که وارد می‌شویم بخار گرمی پوستمان را می‌سوزاند. انبار کالا در حال سوختن است. کارگران با نور و سنجابی وصف‌ناپذیر در حرکتند و شعله‌های نیرومند آتش، دیوانه‌وار به هم می‌پیچد و انبار را در کلافی از شعله، خاکستر می‌سازد.

کارگران پیشرو، پرچمدار مبارزه برای استقلال و آزادی

قبل از ظهر است. بر فضای شهر ستون‌های عظیم دود در حرکت است و خورشید بی‌رمق پائیز، گاه و بیگاه خود را در میان گذر دوده‌های پراکنده، نشان می‌دهد. از صبح تاکنون صدای مهیب انفجار از چهار سوی شهر به گوش می‌رسد. عبور مداوم رزمندگان دلیر شهر، لحظه‌ای در خیابان‌ها قطع نمی‌شود و هر از گاهی کسی از صحنه‌های دور پیکار باز می‌گردد و در میان انبوه چهره‌های نگران اما امیدواری که بر دورش حلقه می‌زنند، به ذکر وقایع می‌پردازد. یا یکی از رفقای کارگر در حال سرکشی به سنگرهای محلات هستیم که رادیو اعلام می‌کند "از نفتگرانی که دوره آتش نشان دیده‌اند تقاضا می‌شود که خود را سریعاً معرفی نمایند" پس از شنیدن خبر سراسیمه به پالایشگاه می‌رویم.

از "مصدق" راه می‌افتیم تا ه چه سریع‌تر خود را برانیم. ماشین کمیاب است و تهیه آن بسیار مشکل. با شتاب بسیار خود را از راه

بریم" به فلکه "الفی" می‌رسانیم. تا دروازه، دیگر راهی نیست. صدای شلیک گلوله فضا را انباشته است. سرفلکه دو پاسدار ماشین را متوقف می‌کنند. دود سیاه از نقطه‌ای دور به سوی آسمان راه کشیده است. پاسدار جوان می‌پرسد: "کجا؟"

"پالایشگاه" می‌خواهیم خود را به واحد آتش نشانی معرفی کنیم.

"راه بسته است، نمی‌شود رفت"

"کارمان فوری است باید برویم"

در حال صحبت، صدای صغیر گلوله را می‌شنویم که هوای گرفته و خفه بالای سرمان را می‌شکافد و به دیواری می‌نشیند. همه دراز می‌کشیم، پاسدار جوان در حالیکه سعی می‌کند نگرانی آمیخته به نفرتش از جنگ، او را در صحبت کردن عصبانی ننماید، می‌گوید: "خواهش می‌کنم اصرار نکنید و برگردید"

بلند می‌شویم و در حالی که سعی می‌کنیم از محل که با دروازه پالایشگاه چندان

سوی سیلندرهای گاز می‌رویم تا آنها را از آتش دور کنیم. صدای رگبار مسلسل‌ها لحظه‌ای قطع نمی‌شود. چهره‌مان از گرمی آتش می‌سوزد. همه می‌دانند که ما "کارگر پیشرو" ایم. ما نیز می‌دانیم برای آنکه حقیقتاً کارگر پیشرو باشیم، باید پیشاپیش همه کارگران مبارزه کنیم.

مشغول جا بجا کردن سیلندرها هستیم که ناگهان صدای مهیب انفجار در پشت سرمان ما را در جای خود می‌خکوب می‌کند. آر. پی. جی ۷۰ محل سکونت کارگرانی را که مشغول اطفای حریق هستند، زده است. صدای آژیر آمبولانس که بلافاصله بسوی محل حادثه می‌رود، بر شدت دلهره‌مان می‌افزاید. به زودی می‌فهمیم که کسی کشته نشده است کارگران زخمی را از محل دور می‌کنند. در حالیکه روی زمین دراز کشیده‌ام، یکی از رفقا را می‌بیسیم که گوش‌هایش را گرفته و بسوی شیرآب می‌دود. او را موفق

می‌کنم. می‌گوید: "گوش‌هایم نمی‌شنود"

با اویسوی شیرآب می‌روم از دور قامت تیره کارگران که در میان دریایی از شعله در حال جست و خیز هستند، مویرگی است. در چشمان بسیاری از رفقا اشک حلقه بسته است.

یکی از کارگران شتاب‌زده می‌گوید: "قیرخانه را زده‌اند"

و این خبر بدی است. همه می‌دانند که قیرخانه را به‌زودی نمی‌توان مهار کرد. با چند تن از رفقا عازم قیرخانه می‌شویم. هماهنگی وجود ندارد و امکاناتمان نیز کم است. رفیق فریدون اولین نفر بود. او ناراحتی قلبی دارد. باید رفت و شلنگ را از او گرفت. اما عشق وی به مبارزه مانع از این امر است. هرچه اصرار می‌کنم، نمی‌پذیرد. صدای رگبار را که می‌شنوم، او را با خود به روی زمین دراز می‌کنم. اما او شلنگ را رها

بقیه در صفحه ۵

سلاح کردن توده‌ها ضامن پیروزی خلقهای ماست

در کرانه‌های خونین کارون حماسه آمیزترین...



بقیه از صفحه ۴

می‌کند. هوا آرام، آرام تاریک می‌شود. آشکارا روشن است که دیگر کاری از دست کسی ساخته نیست. محل اصابت گلوله نشان می‌دهد که نیروهای اهریمنی دشمن محل استقرار ما را شناخته‌اند به آرامی عقب می‌نشینیم و به سوی درب ورودی انبار کالا می‌رویم. هوا کاملاً تاریک شده است و شعله‌های نارنجی آتش، فضا را کاملاً گرم و روشن ساخته است با خودم فکر می‌کنم چرا مدیریت پالایشگاه همان‌هایی که با شوزهای کارگری همیشه مخالفت کرده‌اند کوچکترین اقدامی برای نجات ثروت‌های مردم نمی‌کنند؟ چرا در صحنه رزم نیستند؟ کارگران پیر و جوان در حال مبارزه‌اند. کسی حاضر به ترک محل کار خود نیست. اما هرچه چشم بیاندازی، از مدیران خبری نیست...

می‌داد که ارتش صد مردمی عراق در پس هر سکوت سنگین خود، حمله ددمشانه‌ای را تدارک می‌بیند. از جهت تاکتیک نظامی، بنا به اعتراف یک افسر اسیر عراقی، متجاوزین رژیم صدام کوشش دارند که آبادان را تحت محاصره کامل خود درآورده و کلیه راه‌های مرتبط به شهر را قطع نمایند تا بدین ترتیب با در تنگنا قرار دادن مردم شهر، مقاومت آنها را درهم شکنند متجاوزین عراقی با در دست داشتن مناطقی به شکل "ال" به موارات ارون رود، خونین شهر) از روز ۳۱ شهریور ماه با آغاز تهاجم ناگهانی، رژیم صدمردمی صدام از پشت نخلستان‌های ارون‌کنکار، با خمپاره، خمسه‌خمنده و توپ‌های دور زن خود، شهر آبادان را در منطقه‌ای بطول خسروآباد - فرودگاه یعنی تقریباً تمام منطقه‌ای که طول آبادان را در بر می‌گیرد و دارای مناطق مسکونی و تاسیسات صنعتی و نظامی

"از یادداشت‌های یک رفیق کارگر فدائی"

تاکتیک

متجاوزین عراق و محاصره آبادان

آبادان قلب پرتیش جنبش کارگری ایران همچنان دلاورانه می‌رزم. نقاط مسکونی شهر هر روز آماج حملات ددمشانه خمپاره، خمسه خمسه و توپهای دور-زن ارتش رژیم جنایتکار صدام واقع می‌شود. پاسداران، پرسنل میهن پرست و انقلابی، نیروهای مردمی، پیکار شجاعانه خود را ادامه داده و هر روز بیش از پیش عرصه را بر متجاوزین عراقی تنگتر می‌کنند. حماسه‌های مقاومتی که آفریده می‌شود، مقاومت دلیرانه استالینگراد، تل زعتر و... را در خاطره‌ها زنده می‌کند.

گاهی اتفاق می‌افتد که شهر طی چند روز نسبت به روزهای قبل کمتر مورد حمله جنایتکارانه رژیم صدام واقع می‌شود اما اینک هر رزمنده دلیری در آبادان بخوبی

را اشغال نماید.

پس از درهم کوبیده شدن تجاوز اولیه ارتش جنایتکار عراق به کوی ذوالفقاری و ضربات شدیدی که به قوای انسانی و اداوات رزهی و وسایل نقلیه آنها وارد آمد. اساعالگران که قصد دخول به شهر از طریق رودخانه بهمیشیر در انتهای کوی ذوالفقاری را داشتند، به امید رسیدن قوای کمکی از "مارد" در حالیکه گروه‌هایی از آنها فرماندهان خود را از دست داده بودند، بالاچار مدتی از شدت حملات سنگین خود از آن سوی بهمیشیر به شهر کاستند اما پاسداران،

نیروهای بسیج مستضعفین اعزامی از اصفهان و نیروهای مردمی با حملات پارتیزانی خود، به قوای پراکنده عراقی فرصت سازماندهی مجدد نداده با پیشروی به آن سوی بهمیشیر و شیخون به قلب بقایای قوای غیرمنسجم دشمن آنها را تار و مار کرده و امید فرماندهان ضد خلقی ارتش جنایتکار صدام را که در فکر ایجاد پل شاور در منطقه "سده" و خیابان ۱۵ بودند، به یاس تبدیل نمودند. تقویت محور جاده آبادان - ماهشهر و جبهه ایستگاه ۷ از لحاظ سلاح سنگین کمک قابل توجهی به درهم کوبیدن محاصره اولیه آبادان نمود.

با شکست مقطعی طرح مزبور متجاوزین عراقی برای تکمیل محاصره آبادان، آنها بخشی از نیروهای‌شان را که پس از وارد آمدن ضربات کاری در نخلستان‌های پشت رودخانه بهمیشیر پراکنده

بودند به عقب‌نشینی وادار نموده و به منظور وارد آوردن ضربه به مقاومت دلاورانه پاسداران، ارتشیان میهن پرست، مردم مسلح و اعضاء و هواداران جان بر کف سازمان، حملات سنگین توپخانه‌های خود را از پشت نخلستان‌های ارون‌رود و خونین شهر به آبادان شدیدتر نموده و با موشک به مواضع نظامی تاسیسات صنعتی و مناطق مسکونی حمله می‌آورد. آنها به هر قیمت قصد اشغال آبادان فرمان را دارند، غافل از اینکه با ادامه سیاست‌های تجاوزکارانه خود، گورکنان خود را به وجود می‌آورند.

"از یادداشت‌های یک رفیق فدائی در جبهه آبادان"

حمله موشکی عراق و مقاومت خلق

به‌وسله اتوبوسی گل‌اندود شده که محض نموه یک شنشه سالم هم نداشت به شهر آمدیم. آنچه که در وهله اول به چشم می‌خورد، فعالیت نسبتاً عادی مردم بود. مغازه‌ها باز و جنب و جوش بی‌خیال رهگذرها خبر از روحیه خستگی-ناپذیر مردم دزفول داشت. مناطقی را که هدف حمله موشکی قرار گرفته بودند دیدم. به‌نظر آمد این صحنه‌ها در هر کجا که

امیرالاسم امریکا حضور دارد تکرار می‌شود. در وینام، فلسطین، لبنان و...

هرچند بود حکم خمپاره‌ها و توپ بود و موشک‌های شش‌هرار کلوگرمی!

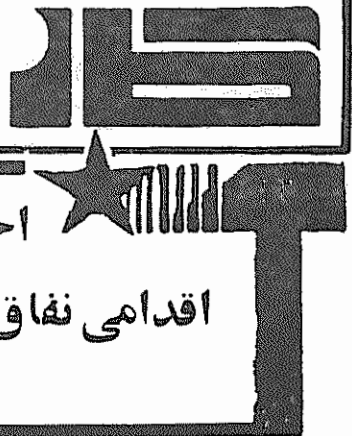
به نفع برونوی عشیرهای دمس را می‌گرفت و به رکاب ز...

و سرنوشت موج توده مردم از آن پیرمرد مفلوک تا آن کودکی که فارغ از همه جا در نیش کوجه‌شان بازی می‌کرد، فقط و فقط به صورت یک بد شامسی نحسی که از دل آسمان مانند اجل معلق زیر پایشان خالی می‌شد رفم می‌خورد.

هر انفجاری که رح می‌داد، بیگری بر رمی می‌افتاد و آن وقت روده‌ها بود که از شکم دریده از ترکش خمپاره بیرون می‌زد و مغز از جمجمه متلاشی شده بیرون می‌ریخت.

این مصیبت دائم تکرار می‌شد. هر روز که آنجا بودم، هر روز...

جنگ از یک وضعیت نظامی خارج شده بود و به صورت کثیف‌ترین آدمکشی خیابانی در می‌آمد. مردم صورت با خشم فروخورده مظلومانه در برابر این جنایات تحمل و پایداری می‌کردند. شاید خیلی از مهاجرین و آتیه‌ای که پول و پله‌ای داشتند، مهلکه را پس دیده و فلنگ را بسته بوده و در رفته بودند ولی برای مردم شهر که هفت پشتشان در آنجا زندگی کرده و کفن یوسانده‌اند، مهاجرت به این سادگی امکان نداشت. یک راننده تاکسی برای من تعریف می‌کرد بقیه در صفحه ۱۷



جنبش کارگری ایران

۴۰ تعمیرکار شرکت واحد به جبهه اعزام شدند

در صفحه ۱۸

اخراج کارگران مبارز
اقدامی نفاق افکنانه و ضد انقلابی است

در صفحه ۱۸

کارشکنی و توطئه لیبرال ها در راه آهن

وجود دارد، در عمل هنوز استفاده‌ای از آن نشده است. علاوه بر امکانات تولیدی کارگاه‌های راه‌آهن، برخی ادوات مهم دیگر در کارخانجات ایران قابل تامین است. مثلا کفش ترمز مورد نیاز راه آهن در کارخانه‌های ماشین سازی تبریز و اراک تولید می‌شود. ۲- به ابتکارات انقلابی کارگران تاکنون توجه لازم نشده است. در شرایط کنونی که بیشتر لکوموتیوها و واگن‌های راه‌آهن با اشکالات فنی کم‌اهمیتی از کار افتاده‌اند، کارگران توان و شایستگی آن را دارند که با طرح‌ها و ابتکارات خلاقه خود در زمینه تهیه انواع لوازم یدکی و تعمیر و بازسازی وسایل مورد نیاز، غالب خرابیهای لکوموتیوها و واگن‌ها را ترمیم کنند. مدیریت بخش‌های مختلف راه‌آهن نه تنها استعداد و خلاقیت کارگران را با مسامحه‌کاری‌ها و کارشکنی‌هایش به هرز می‌برد بلکه آرزوی بازسازی و احیای سیستم‌های اداری منحل پیشین را نیز هنوز از سر بیرون نکرده است.

راه‌آهن سراسری ایران به دلیل اهمیت فوق‌العاده‌ای که در حیات اقتصادی میهنمان دارد یکی از هدف‌های عمده ضد انقلاب و مدیران لیبرال است. در وضعیت جنگی کنونی نقش راه‌آهن در حمل و نقل امکانات نظامی و مواد مورد نیاز کارخانه‌ها، مردم و... بر هیچکس پوشیده نیست. به همین دلیل است که امروز مدیران لیبرال بیش از هر زمانی دامنه توطئه‌هایشان را گسترش داده‌اند. آنها می‌خواهند ثابت کنند که هیچ راهی جز سازش با امپریالیسم وجود ندارد. کارشکنی‌های پنهان و آشکار این مدیران در راه‌آهن موجب شده است که تاکنون: ۱- بخش مهمی از امکانات تولیدی راه‌آهن بلااستفاده مانده و یا حداقل بهره‌برداری از آنها صورت گرفته است. بعنوان مثال: ریخته‌گری یکی از کارگاه‌های مهم راه آهن است که دارای کوره ذوب بلند و کوتاه و آزمایشگاه فلزشناسی، دستگاه عکسبرداری از جوش، اشعه ایکس و غیره می‌باشد. با وجود نیاز فوق‌العاده‌ای که به این کارگاه

نمایشگاه ضد امپریالیستی در کارخانه پتروکمیکال اصفهان

نمایش قیلم‌های انقلابی و مستند می‌تواند در بهتر شناساندن چهره واقعی و ماهیت ارتجاعی امپریالیسم و متحدانش از موثرترین شیوه‌های افشای دشمن و آموزش توده‌ها باشد. ولی همچنان که آن کارگر جوان در انتقاد از نمایشگاه کارخانه پتروکمیکال مندرک شد، این نمایشگاه‌ها می‌تواند و باید با افزودن تصاویری با مضمون نقش کارگران و زحمتکشان در ساختمان جامعه‌های نوین و آزاد و مستقل غنی شود. تصاویری با این مضامین که چگونه کارگران و پیتنام در زیر بمباران‌های مداوم هواپیماهای امریکائی با تمام قوا و با فداکاری و ایثار انقلابی، تداوم تولید را به منظور تامین نیازهای جبهه و پشت جبهه تضمین می‌نمودند و یا کارگران و زحمتکشان کوبا در شرایط محاصره اقتصادی از جانب امپریالیسم امریکا با کار و تلاش شبانه روزی در کارخانجات و مزارع نسکر، حماسه می‌آفریدند و دهها نمونه دیگر، خود گویاترین و آموزنده‌ترین تصاویر از مبارزات انقلابی و تاریخساز طبقه کارگر برای پی‌ریزی جامعه‌ای مستقل آزاد و دمکراتیک است.

تصاویر به یاد مبارزات پرشور مردم در روزهای قبل از انقلاب افتاده بود می‌گفت: " این عکس‌ها خیلی خوب است. برای آنکه به یاد آن دوران از مبارزات خود باشیم باید همیشه اینجا بمانند." کارگر جوان و پرشوری پس از دیدن نمایشگاه ضمن تأیید محتوای آن، گفت: " اینها را که از قیام به بعد هم دیده‌ایم و تلویزیون هم این جور عکس‌ها را گاهگاهی نشان می‌دهد. باید چیزهای تازه و ابتکاری به نمایش گذاشت. باید چیزهایی باشد که به مردم راه ساختن یک زندگی جدید و آزاد و مستقل را یاد بدهد." برگزاری این قیلم‌نمایشگاه‌ها در کارخانجات و مراکز تجمع توده‌ای، بواسطه تاثیر مثبت و موثری که در ارتقا آگاهی و بسیج ضد امپریالیستی کارگران و زحمتکشان دارد، دارای اهمیت بسیاری است. در شرایط حساس کنونی که انقلاب و استقلال میهنمان در معرض تجاوز رژیم مرتجع عراق و امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا است و سرمایه‌داران لیبرال با تمام قوا می‌کوشند راه سازش با امپریالیسم را هموار کنند، برگزاری این نمایشگاه‌ها و در صورت امکان

در کارخانه تولید مواد شیمیائی و رنگ ایران (پتروکمیکال) اخیرا یک نمایشگاه ضد امپریالیستی توسط عده‌ای از کارگران این کارخانه دائر شده بود که با استقبال وسیع کارگران مواجه شد. این نمایشگاه که به مدت سه روز از تاریخ ۲۵ آبان ۵۹ و بطور شبانه‌روزی (در سه شیفت کارخانه) دائر بود، شامل تصاویری از مبارزات پرشکوه خلقهای قهرمان ویتنام، کوبا، آفریقای جنوبی، شیلی و ایران علی‌ضدانقلاب جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا بود. در زیر نمونه‌هایی از چگونگی برخورد کارگران با این نمایشگاه را ذکر می‌کنیم. یکی از کارگران مبارز و مسلمان که خود نیز به برپائی نمایشگاه یاری رسانده بود وقتی که متوجه شد نمایشگاه تنها برای سه روز دائر است، با تاراحتی گفت: " باید اینها برای همیشه اینجا باشد تا ما در مواقع فراغت آنها را تماشا کنیم." کارگر مکانیک دیگری ضمن ابراز خشنودی از برگزاری نمایشگاه ضد امپریالیستی با اشاره به عکس‌های مربوط به روزهای پائین کشیدن مجسمه‌های شاه جنایتکارگفت: " عجب روزهایی بود." وی که تحت تاثیر این

به یاری آوارگان جنگ بشناییم!

وظیفه انقلابی و مبرم تمام کادرها، اعضاء و هواداران سازمان است که سازمان را از مشکلات و مطالبات آوارگان جنگ آگاه سازند و با تنظیم و ارسال اخبار و گزارشات مربوط به آنان در انعکاس خواستها و مطالبات آنان فعالانه بکوشند.

مراه و مددجویان میهن انقلابیمان جهت دفاع و بازسازی از انقلاب و دست آوردهای آن در کمیته‌های گوناگون دفاع از انقلاب (نظامی، فنی، امداد و آتش نشانی) متشکل شویم.

کارگران پیشرو کربلایه
۵۹/۸/۲۷

پر توان باد جنبش طبقه کارگر

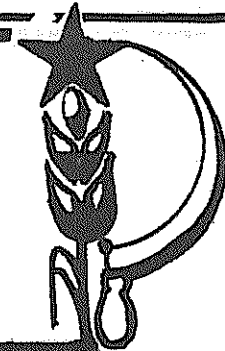
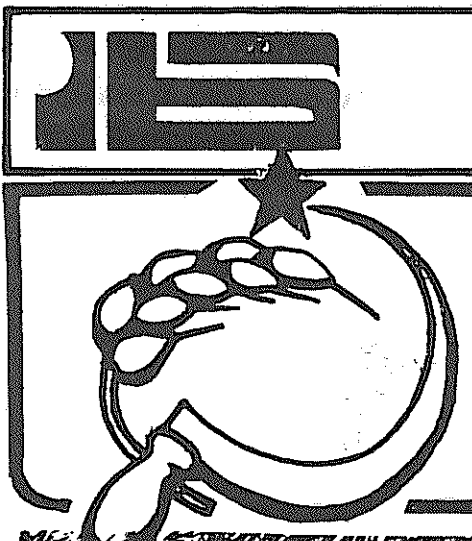
پیش از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

جنبش دهقانی ایران

گزارشی از مبارزات زحمتکشان منطقه فارس علیه خوانین :

در سنگر عشایر، نه تسلیم، نه سازش، نبرد با آمریکا، نبرد با خوانین

در صفحه ۱۹



زحمتکشان منطقه سنجانی :

«مسئولین بسیج عشایری باید از بین زحمتکشان انتخاب شوند نه از میان سرمایه داران لیبرال»



مسئولین جمهوری اسلامی چندی پیش مسئولیت بسیج عشایری در منطقه کرمانشاهان را برعهده کریم سنجابی گذاشتند. به همراه این عمل چند تن از فئودالها و سران عشایر منطقه از جمله برادر دکتر سنجابی را نیز که به خواست روستائیان زحمتکش دستگیر، محاکمه و به زندان محکوم شده بود، از زندان آزاد نمودند.

سپردن امر بسیج عشایر منطقه به لیبرال گهنگه کاری چون کریم سنجابی خشم فراوان مردم منطقه را برانگیخت. زحمتکشان روستا بخصوص از اینکه می دیدند دشمنان قسم خورده آنها و انقلابشان یعنی فئودالهای مزدور نیز از زندان آزاد شده اند، به جوش و خروش درآمدند.

در این رابطه جمعی از زحمتکشان سنجابی رنج نامه ای منتشر کرده اند که بیانگر آلام روستائیان منطقه است قسمت هایی از آن را در زیر می آوریم :

روستائیان زحمتکش در ابتدای "رنج نامه" می گویند :

"... ای داد از دست استکبار، استثمار، ظلمت و سیاهی! به فقر و نداری و فلاکت و بدبختی مان بنگرید به چهره های آفتاب سوخته و به دست های پینه بسته مان نگاه کنید، آیا ما کوخ نشینان

واقعی نیستیم؟ چه بگوئیم، چگونه بار سنگین غم زمان را بیلین داریم؟ چگونه هزاران شهید گلگون کفن خلقتان را از یاد ببریم که شعارشان استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی بود که در آن مستضعفان، عدل و برابری را می دیدند. ای وای از دست توطئه چینان خائن، چه کسی باور دارد مالکان سنجابی بعد از آن همه راهپیمایی و اعتراض بعد از آن همه شکایت، بعد از آن همه ظلم و جنایت، بعد از آن همه محکمه عدل اسلامی، از زندان آزاد شوند و هزاران سلاح در اختیار آنها گذاشته شود که به اصطلاح استقلالمان را حفظ کنند؟ باور کردنی نیست، چگونه ممکن است حافظان فقر و بدبختی و کفر و ستم حامی انقلاب گردند؟ و از میهن دفاع نمایند؟ تا بحال چه کسی دیده آنهایی که از انقلاب ضربه دیده اند مدافع انقلاب گردند؟

رنج نامه چنین ادامه پیدا می کند :

"... چرا برادران پاسدارمان، جهادمان، هیئت هفت نفره زمین و علمای راستین اسلام لب فرو بسته اند؟ مگر زمین داران بزرگ و مالکان پایگاه آمریکا در روستا نیستند؟ مگر پالیزبان با کمک مالکان منطقه و سران عشایر آن همه نیرو را در منطقه قلخانی و

گوران گرد نیاورده است؟ مگر نه این است که مالکان و زمین داران بزرگ تنها به غارت و چپاول دسترنج زحمتکشان فکر می کنند؟"

سرانجام زحمتکشان سنجابی خواست واقعی خود را چنین به گوش همزمانشان در سراسر ایران می رسانند :

"ما جمعی از مردم منطقه سنجابی فریاد اعتراض خود را به گوش مردم قهرمان ایران و مقامات مسئول می رسانیم و مردم منطقه کرمانشاهان را به عواقب فاجعه بار این مسئله آگاه می کنیم .

ما زیر بار مالکان و زمین داران غارتگری که سرپرستی بسیج عشایری را به دست گرفته ولی خود با باند مزدور پالیزبان ساخت و پاخت دارند، نخواهیم رفت و انتظار داریم که نهادهای انقلابی چون سپاه پاسداران و جهاد و علمای راستین اسلام در این راه ما را یاری دهند ما می خواهیم که مسئولین بسیج عشایری در منطقه از بین زحمتکشان میهن پرست و فداکار و آگاه انتخاب گردند تا تمام زحمتکشان روستائی و عشایر منطقه سلاح به دست گرفته و از جان و مال و میهن خویش دفاع نموده و پوزه مزدوران پالیزبان - بختیار و رژیم جنایتکار و ضد مردمی صدام را به خاک مالیم

با تأمین سوخت واحدهای برنج پاک کنی "شمال" قدرت دفاعی میهن انقلابی را تقویت کنیم

فصل پاک کردن محصول شالیزارها در شمال میهنمان فرا رسیده است. کشاورزان زحمتکش شمال برآنند تا امر پاک کردن محصولاتشان را هرچه سریع تر و کامل تر پیش ببرند. شالیکاران شمال با حفظ و حراست محصولاتشان وظیفه انقلابی خود را در امر تقویت پشت جبهه خلق در جنگ تجاوزکارانه رژیم صدام حسین بیش از پیش ایفا می نمایند.

همه ساله در چنین مواقعی دهها واحد برنج پاک کنی به امر پاک کردن محصولات شالیزارها مشغول می شوند. امسال در شرایط جنگ تحمیلی مسئله تأمین سوخت مورد نیاز این واحدها، از جمله مسائل مهم مناطق روستائی شمال میهن است. انجام موفقیت آمیز پاک کردن محصول برنج، می تواند بخش بزرگی از نیازمندی های غذایی کارگران و زحمتکشان میهن را برآورده سازد. این خود گام مثبتی

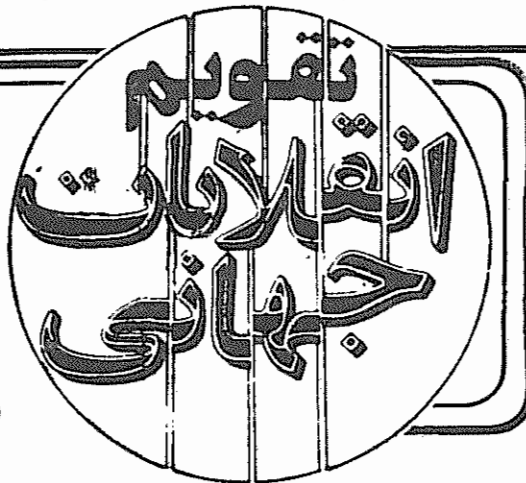
است که جبهه مقاومت علیه تجاوز نظامی و تحریم اقتصادی امپریالیسم را هرچه مستحکم تر می سازد. کشورزنان زحمتکش شمال میهن از دولت جمهوری اسلامی می خواهند که تأمین کامل سوخت مورد نیاز واحدهای برنج پاک کنی را در دستور روز خود قرار دهد. تأمین سوخت واحدهای برنج پاک کنی با توجه به موقعیت کشاورزی منطقه از درجه اول اهمیت برخوردار است. باید طی یک برنامه ریزی مشخص سوخت به اندازه کافی و بطور مرتب در اختیار این واحدها قرار گیرد. سهل انگاری و بی برنامه گی در این زمینه ضربات جدی بر تأمین آذوقه مورد نیاز کارگران و زحمتکشان میهن وارد می آورد. این امر مسلماً به نفع تقویت و تحکیم دفاع عادلانه خلق ما در برابر تجاوزات امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا و دولت مرتجع صدام حسین تمام نخواهد شد.

از زمین های برادران مصوری زمین داران بزرگ منطقه را مصادره نماید. این زمینها بین روستائیان کم زمین و بی زمین تقسیم شده است. زحمتکشان روستای ده موسی علی رغم حمایت دادگستری و ژاندارمری منطقه از زمین داران بزرگ تاکنون با

"ده موسی در غرب تهاوند واقع شده است. زحمتکشان این روستا در فروردین ماه ۵۹ شورای ده را تشکیل دادند. از اقدامات انقلابی شورا مصادره بخشی از اراضی زمین داران بزرگ منطقه است. شورا تا کنون توانسته است حدود ۲۰ هکتار

زحمتکشان «ده موسی» (نهایند) پیگیرانه با زمینداران بزرگ مبارزه می کنند

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



از تجربیات مبارزاتی

خلق های جهان درس بگیریم

در این شماره نیز به منظور بهره گیری هرچه بیشتر از تجارب تاریخی، تصویرگر گوشه هایی از حماسه غرورآفرین نبرد لنینگراد هستیم.

این تجارب و این صفحات را به رزمندگان دلیر جبهه های مقاومت جنوب و غرب میهنمان تقدیم می کنیم:

راه زندگی، راهی که بر روی

یخ های دریاچه «لادوگا»

احداث شد

در حالیکه مردم لنینگراد به کار طاقت فرسا در شرایط سخت ادامه می دادند دولت شوروی و مردم سایر سواحل شوروی در فکرهای این شهر از محاصره و آسان تر ساختن شرایط سخت آنها بودند. توصیف اقداماتی را که مردم و دولت شوروی برای یاری رساندن به اهالی محاصره شده لنینگراد انجام دادند، از زبان مرتسکف می شنویم.

"وضع مردم لنینگراد بطرز غیرقابل تصویری بد بود اما آنها از آنجا که می دانستند خلق پشت سر آنها بوده و هر کار ممکن را برای کاستن از بار مشقات آنها انجام می دهد، این آزمایشها را با شجاعت تحمل نمودند. از تمام نقاط اتحاد شوروی واگن های غذا، سوخت، مهمات و بنزین به لنینگراد فرستاده می شد. از سبیری و تاشکند، از مورمانسک و شرق دور، هدایای گرانبها و همچنین میوه، گندم، نفت و تنباکو ماهی و گوشت همراه درودهای گرم کارگران آن مناطق به سوی لنینگراد سرازیر بود. اما این سیل آذوقه با رسیدن به دریاچه لادوگا متوقف می شد. پس از آن برنامه متهورانهای ترتیب داده شد که بر طبق آن می بایست یک راه اتومبیل رو بر روی یخهای دریاچه احداث شود. بعدا مردم لنینگراد این شریان حیاتی را "راه زندگی" نام نهادند. اولین کسانی که جرات کردند از روی دریاچه که هنوز پوشش یخی آن چندان محکم نبود، عبور کنند، گشتی ها بودند. آنها راه یخی آینده را علامت گذاری کردند و محل های گرم شدن و کمکهای اولیه را مشخص نمودند. اولین وسایل نقلیه در ۲۲ نوامبر از این راه عبور کردند اما تا موقعی که این راه به شریان حیاتی تبدیل شود، مدتی گذشت و بعد از آن کاروان لاینقطعی از کامیون های حامل آذوقه در این راه به حرکت درآمد. ابتدا ضخامت یخ چنان کم بود که تحمل وزن سنگین کامیون های باردار را نداشت و آنها یا در آب فرو می رفتند و یا در گودال ها گیر می افتادند. پس از اولین شخته زمستانی، یک دوره هوای ملایم فرا رسید و در نتیجه یخ دریاچه ضخیم تر شد. گودال ها، توده های برف و دهانه هایی که در نتیجه بمبها و گلوله های توپ در پوشش یخین دریاچه به وجود آمده بود، مانع حرکت کاروان های کامیون ها می شد. بالاخره جاده تا فاصله ۷-۵ کیلومتری جبهه رسید. اما بتدریج اوضاع بهتر شد. هر روز بر میزان

حماسه مقاومت در لنینگراد:

آگاهی، اتحاد،

سازماندهی

(قسمت دوم)

متوقف نشد بلکه نیروی دانشمندان رشته های مختلف در جهت خدمت به تامین نیازهای جبهه های جنگ سازماندهی شد. نویسندگان، شاعران، هنرمندان تئاتر با اجرای برنامه های انقلابی برای مردم شهرهای تحت محاصره، برای رزمندگان جبهه میهنی، نیازهای معنوی آنها را ارضاء کردند. کارکنان فرهنگی حتی در پناهگاهها نیز از آموزش کودکان غافل نماندند و از هر فرصتی برای ارتقاء سطح فرهنگی و روحیه انقلابی توده ها سود جستند. ک. مرتسکف کار فرهنگی و علمی عظیم نیروهای این جبهه نبرد در لنینگراد را چنین توصیف می کند:

"نویسندگان و هنرمندانی که در شهر ماندند نیز به مبارزه مشترک علیه دشمن یاری نمودند. آنها آثار جدیدی نوشتند و آثار نقاشی جدیدی آفریدند و در میدان های جنگ، در کارخانه ها و در رادیو به اجرا و نمایش این آثار پرداختند. مردم اگرچه در اثر رنج مدام جنگ فرسوده شده بودند، تنها به فکر نان و استراحت نبودند آنها به موسیقی، آواز و شعر نیاز داشتند و آنها را می خواستند. اولگابروگولتز شاعره اهل لنینگراد می گوید: "در آن زمستان اهالی خسته لنینگراد با چنان شور و علاقه ای به اشعار شاعران گوش دادند که به نظر می رسد هرگز با چنان حالتی به این اشعار گوش نداده باشند." سربازان چه لذتی از آوازه ها، نمایش های فکاهی و هجوهای هنرمندان می بردند. بارها و بارها نویسندگان مشهوری مثل الکساندر فادیف، نیکلای تیخونف سونودویشنفسکی و دیگران به دیدار سربازان جبهه لنینگراد می رفتند و شاعران. ورا اینبر، اولگابروگولتز و سولودوروز دستونسکی برای آنها شعر می خواندند.

آذوقه حمل شده به لنینگراد افزوده شد. در ۲۲ دسامبر یک ماه بعد از آنکه استفاده از این راه آغاز شد، ۷۰۰ تن کالا به لنینگراد وارد شد و روز بعد این مقدار به ۸۰۰ تن رسید. این امر مسئولین دفاعی شهر را قادر ساخت تا از ۲۵ دسامبر جیره نان کارگران را به میزان ۱۰۰ گرم و برای بقیه مردم به میزان ۷۵ گرم افزایش دهند. اگرچه جیره جدید از ارضای نیازهای ساکنان رنجور و درمانده شهر ناتوان بود، با این همه همان افزایش جیره، محاصره شدگان را مطمئن ساخت که قحطی به زودی پایان خواهد یافت. در این روز بود که مردم لنینگراد راه جدید را "راه زندگی" نام نهادند. برای تسریع حمل مواد مورد نیاز، مردم لنینگراد از هیچ کوششی برای بهبود حمل و نقل فروگذار نکردند. در اوایل ژانویه، چهار مسیر بر روی دریاچه احداث شد و به فاصله کمی تعداد آنها به شش عدد رسید.

سه مسیر برای وسایل نقلیه ای که آذوقه، مواد دارویی، مهمات و سوخت لنینگراد را تامین می کردند و سه مسیر دیگر بازگشت آنها که زنان، کودکان و سالخوردهگان و مریضان را با خود حمل می کردند. اختصاصی داشت. بنا به تصمیم "کمیته دولتی دفاع" یک راه آهن از وویبواکالوبه کابونا در ساحل دریاچه لادوگا احداث شد و بدین ترتیب از ۱۰ فوریه قطارها می توانستند تا خود ساحل دریاچه حرکت کنند. این امر فاصله ای را که کامیون ها می بایست طی می کردند، به نصف تقلیل داد و مقدار مواد انتقالی را به میزان قابل ملاحظه ای افزایش داد.

در پایان ژانویه، راه یخی به راه ارتباط منظم بدل شد. مقدار مواد حمل شده به لنینگراد چنان افزایش یافت که امکان افزایش جیره برای بار دوم فراهم شد. از ۲۴ ژانویه به بعد کارگران کارخانه ها ۴۰۰ گرم، کارکنان اداری ۳۰۰ گرم و بقیه اهالی از جمله کودکان ۲۵۰ گرم نان دریافت می داشتند. تمام این کارها در نتیجه خدمات کسانی که "راه زندگی" را ساختند و کسانی که آن را تعمیر کرده و مورد استفاده قرار می دادند، ممکن گردید. این رانندگان تعمیرکاران، ماموران ترافیک، راهبانان و پزشکان تمام اینها که هرچند در صحنه جنگ نبودند ولی سرباز محسوب می شدند، بودند که با کوشش شجاعانه شان برنامه وحشیانه دشمنی را که می خواست شهر را از فرط گرسنگی به هلاکت رساند خنثی نمودند.

بر طبق قرار ویژه "کمیته حزبی شهر لنینگراد" ۷۰۰ کمونیست برای کار در "راه زندگی" ماموریت یافتند و تمام کسانی که در طول این راه به انجام وظیفه مشغول شدند به درستی در جرگه پرافتخار قهرمانان مدافع لنینگراد قرار گرفتند. در نتیجه تمام این اقدامات قبل از آنکه گرمای بهاری راه زندگی را بلااستفاده سازد، بیش از ۳۰۰ هزار تن مواد غذایی، مهمات، بنزین و مواد دارویی وارد شهر شد و بیش از نیم میلیون نفر از طریق این راه از شهر خارج شدند.

جبهه دیگر سازماندهی مقاومت ضدفاشیستی در شوروی، جبهه کارکنان فرهنگی و علمی بود. حتی در شهرهایی که تحت محاصره نیروهای فاشیستی قرار داشتند کار علمی و تحقیقاتی

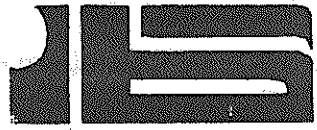
سمفونی «لنینگراد» اثر د. د. شوستاکویچ

فاقوس مرگ فاشیست ها و

نوای پیروزی بشریت مترقی

ن گلاساوا می نویسد:

"دیمیتری شوستاکویچ در زمستان وحشتناک سال ۱۹۴۴ در شهر محاصره شده لنینگراد به سر می برد. وی در روزهایی که این شهر در محاصره دشمنان بود، به هنگام فراغت در کشیک پشت بام خانه، سمفونی هفتم مشهور خود را می نوشت. این سمفونی حمله حمله گرانه فاشیست ها را به کشور شوراهای به جهانیان خبر می داد، فجایع آنها را بازگو می کرد و رنجها و مصائب میلیونها انسان را توصیف می نمود. این سمفونی آتش خشم را در دلها بر می افروخت و اراده انسانها را در کسب پیروزی تقویت می نمود در کنار تصاویر روشنی که وی از زندگی مسالمت آمیز و کار مسرت بخش ارائه می دهد، دود آتش سوزی ها، قیافه سختی کشیده شهر قهرمان، تمایل شجاعانه برای ابراز قهرمانی و فداکاری و مبارزه جلب نظر می کند. صداهای رسا و بریده بقیه در صفحه ۹



به اعتصاب غذاهای طولانی داشته‌اند تا بدین وسیله اعتراض خود را به گوش جهانیان برسانند. این اعتصاب غذاها که گاه روزها و روزها ادامه داشته‌اند، برخی مواقع منجر به شهادت مبارزین شده است. هم‌اکنون هفت مبارز ایرلندی اعتصاب غذای خود را ادامه می‌دهند.

سوریه - یمن

کشورهای عضو جبهه پایداری از شرکت در اجلاس سران عرب امتناع می‌کنند

هفته گذشته سوریه اعلام نمود که خواهان به تعویق افتادن اجلاس سران عرب که قرار بود در تاریخ ۴ آذر تشکیل شود، می‌باشد. به دنبال اعلام سوریه وزرای خارجه این کشورها پس از جلساتی تاریخ ۴ آذر را ابقاء کردند و سوریه اعلام نمود در این صورت از شرکت در اجلاس خودداری خواهد کرد. بد دنبال سوریه، جمهوری دمکراتیک خلق یمن اعلام کرد که موضعی مشابه سوریه داشته و از شرکت در این اجلاس خودداری خواهد کرد.

سایر کشورهای عضو جبهه پایداری (سوریه، جمهوری دمکراتیک خلق یمن، الجزایر و سازمان آزادیبخش فلسطین) نیز بنا بر اظهار مطبوعات سوریه موضعی واحد در این باره اتخاذ کرده‌اند.

تیمور شرقی

سالروز تشکیل جمهوری دمکراتیک تیمور شرقی

در تاریخ ۷ آذرماه ۱۳۵۴، مردم تیمور شرقی (جزیره‌ای نزدیک اندونزی) تحت رهبری جبهه فرتلین (جبهه انقلابی برای استقلال تیمور شرقی) استقلال تیمور شرقی را که تا آن زمان مستعمره پرتغال بود اعلام داشتند و جمهوری دمکراتیک تیمور شرقی را بنا نهادند. دولت ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم سوارتو (اندونزی) به دستور اربابانش که از زبان کیسینجر اعلام کرده بودند که "جمهوری دمکراتیک تیمور شرقی را به رسمیت نخواهند شناخت" به فاصله ۹ روز از اعلام استقلال کشور به تیمور شرقی حمله برده و با قتل عام هزاران میهن پرست انقلابی سلطه خود را بر تیمور شرقی اعمال نمودند.

اکنون ۵ سال پس از اعلام استقلال تیمور شرقی، خلق تیمور شرقی همچنان به مبارزه استقلال طلبانه خود ادامه می‌دهد.

شوروی

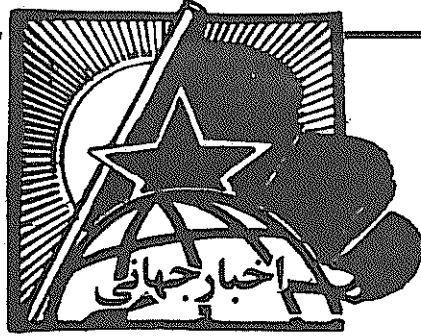
گشایش دومیلیون محل کار جدید در شوروی

کمیته دولتی کار اتحاد جماهیر شوروی اعلام کرد که در سال جاری، در این کشور ۲ میلیون محل کار باز شده است.

در شوروی سوسیالیستی بر اساس تعداد فارغ‌التحصیلان فنی و هنرستان‌های حرفه‌ای که قدم به فعالیت می‌گذارند، محل‌های جدید کار گشوده می‌شود. بیشتر محل‌های کار در مناطق خاوری به ویژه در نقاطی که معادن جدید کشف گردیده‌اند، می‌باشد.

امروزه کمبود نیروی کارگری در شوروی بخصوص در مناطق خاوری مسئله‌ای جدی می‌باشد لیکن کارشناسان اقتصاد سوسیالیستی راه حل اساسی این مشکل را در ارتقاء بازدهی کار بر مبنای ترقیات علمی و فنی جستجو می‌نمایند.

در شوروی سوسیالیستی بالا بردن تولید بر اثر فشار به کارگران و کارمندان مطلقاً ممنوع بوده و افزایش بازده کار از طریق نوسازی دستگاهها و مدرنیزه کردن آنها و بالا بردن تخصص کارگران انجام می‌شود. در این کشور هر ساله بیش از ۶ میلیون نفر تخصص‌های گوناگون را می‌آموزند.



مصر

ضدانقلابیون افغانی از سادات اسلحه می‌گیرند

اخیراً اجلاسی تحت نام سازمان جامعه ملت‌های عرب در قاهره پایتخت مصر تشکیل گردید. مصر و سودان و تنی چند از سران ضدانقلابیون افغانی از جمله شرکت کنندگان این اجلاس بودند. سادات این نوکر حلقه به‌گوش امپریالیسم طی سخنانی ضمن حمایت از ضدانقلابیونی که علیه حکومت مترقی افغانستان می‌جنگند، اعتراف نمود که مصر به دستجات مزدور افغانی کمک نظامی می‌نماید. اعلام حمایت علنی از دستجات ضدانقلابی افغانستان، از یکسو بیانگر نقش خائنه سادات می‌باشد و از سوی دیگر ماهیت وابسته گروه‌های ضدانقلابی افغانی را که با کمک کشورهای نظیر مصر و پاکستان علیه حکومت افغانستان می‌جنگند را بیش از پیش برملا می‌سازد. براساس گزارش خبرگزاری‌های جهان، مستشاران مصری در پایگاه‌های پاکستانی به دستجات ضدانقلابی افغانستان تعلیم می‌دهند.

موزامبیک

دیدار سامورا ماشل از شوروی

هفته گذشته سامورا ماشل رئیس جمهور موزامبیک و رهبر فره‌لیمو از اتحاد شوروی دیدار کرد. ماشل طی نطقی در مسکو روابط همکاری و قرارداد دوستی دو کشور را که در سال ۱۹۷۷ به امضاء رسیده، بزرگترین عامل همکاری دو کشور براساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری نامید.

موزامبیک در سال ۱۹۷۰ پس از سالها مبارزه تحت رهبری جبهه فره‌لیمو توانست استعمارگران پرتغالی را از کشور بیرون رانده و استقلال و آزادی خود را به کف آورده و در مسیر پیشرفت و ترقی قرار گیرد. خلق موزامبیک همواره کمک بی‌دریغ خود را از انقلابیون آفریقائی بخصوص زیمبابوه مضایقه ننموده و سنگری انقلابی در جنوب شرقی آفریقا علیه امپریالیسم است.

ایرلند

تظاهرات عظیم مردم ایرلند در دفاع از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی

بیش از ۲۰ هزار نفر از مردم ایرلند در دوبلین به حمایت از هفت نفر اعضای ارتش جمهوریخواه ایرلند که در زندان‌های استعمارگران انگلیسی دست به اعتصاب غذا زده‌اند، تظاهرات پرشکوهی برپا کردند. تظاهر کنندگان پرچم امپریالیسم انگلیس را به نشانه اعتراض و محکوم نمودن اعمال خشونت بار دولت انگلیس علیه زندانیان سیاسی به آتش کشیدند و در بیانیه‌ای خواستار رفع شرایط بد زندانیان سیاسی شدند.

مبارزین آزادیخواه و استقلال طلب ایرلند که در زندان‌های امپریالیسم انگلیس در شرایط بسیار بدی بسر می‌برند، سنتی دیرینه در دست زدن

بقیه از صفحه ۸

حماسه مقاومت

بریده در مجموعه آهنگ بیشتر و بیشتر و شدیدتر می‌شود و ملودی پیروزی طنین بیشتری پیدا می‌کند و با اطمینان و قاطعیت هرچه تمامتر از میان تم ایلغار فاشیست‌ها که در حال خاموشی است، عرض وجود می‌کند. شوستاکویچ این سمفونی را به پایان رسانید ولی در بهار سال ۱۹۴۲ امکان آن نبود که در لنینگراد به معرض اجرا گذارده شود زیرا برای اجرای این سمفونی یک ارکستر صدنفره مورد نیاز بود. ضمناً برای فراگیری و تمرین یک چنین سمفونی وقت و نیروی زیادی لازم بود.

در آن موقع شهر لنینگراد زیر آتش بمب و توپخانه بسر می‌برد و در چنین شرایطی نه چنان ارکستری پیدا می‌شد و نه وقت و جایی برای تمرین و اجرای آن بود به همین علت سمفونی "لنینگراد" شوستاکویچ برای اولین بار در ماه مارس ۱۹۴۲ در شهر گوبیشف به وسیله ارکستر سمفونیک دولتی که در آن موقع در این شهر بسر می‌برد، اجرا شد. مدتی بعد یکی از بهترین رهبران ارکستردنیا یعنی آرتور توسکانینی که فردی مخالف فاشیسم است، مردم آمریکا را با سمفونی شوستاکویچ آشنا ساخت. قطعاً سمفونی خیلی فوری با یک هواپیمای نظامی به نیویورک ارسال گردید. در همان هنگام اهالی لنینگراد که از یک محاصره طولانی رنج می‌بردند، می‌گوشیدند که قوای خود را تجدید کنند. در میان آنها بودند نوازندگانی که قبل از محاصره موفق نشده بودند شهر را ترک کنند ولی عده آنها قلیل بود و برای آنکه یک ارکستر بزرگ به وجود آید، لازم گردید که عده‌ای از نوازندگان ارتش و نیروی دریائی به شهر منتقل گردند. بدینسان یک ارکستر سمفونیک بزرگ در شهر لنینگراد تشکیل شد.

بمب‌ها از آسمان می‌باریدند. خمپاره‌ها در گوشه و کنار منفجر می‌شدند، خانه‌ها می‌سوختند و ویران می‌شدند، انسان‌هایی که از شدت گرسنگی ضعیف و نحیف شده بودند، به زحمت می‌توانستند خود را از نقطه‌ای به نقطه دیگر برسانند و علی‌رغم کلیه این مشکلات، ارکستر با شوق فراوان سمفونی شوستاکویچ را فرا می‌گرفت و سرانجام صدای این سمفونی برای اولین بار در همان شهری که در روزهای ماه اوت سال ۱۹۴۲ متولد گردیده بود، طنین‌انداز شد. یکی از جرائد خارجی در همان هنگام ضمن بحث درباره سمفونی هفتم نوشت: "کشوری که هنرمندانش در چنین روزهای دشوار به خلق آثاری با زیبایی جاودانه و سرشار از روحیه قوی می‌آفرینند، مغلوب نشدنی است!"

فردتاپیروزی

"کار با علاقه و فداکارانه کارکنان علمی و فنی لنینگراد چنان عظیم است که مبالغه درباره آن امکان ندارد. یک گروه از دانشمندان برجسته شوروی - آدمیسین ی. ی. مشکانینف، ل. ا. اوربلی و ا. ی. کراچکوسکی - کار تحقیقات علمی شهر را دوباره سازماندهی کردند. قرار شد کار تحقیقاتی تنها درباره مسائلی که مستقیماً به جنگ مربوط می‌شد دنبال شود. دانشمندان مسئول ساختمان استحکامات دفاعی شهر بودند. آنها تجهیزات ویژه‌ای برای جابجا کردن شن و ماسه ابداع نمودند. کارکنان بخش‌درمانی سعی

بقیه در صفحه ۲۱

نوسن انقلاب

را در دشت های زیبای صومای برادوست به جولان درآوریم

دشت حاصلخیز صومای برادوست در شمال شرقی ارومیه با جمعیتی در حدود ۱۵۰/۰۰۰ نفر که به کشاورزی دامداری و قاچاق اشتغال دارند، به صحنه تاخت و تاز ایلخانان و به میدان منازعات طبقاتی خوانین و فئودال های همکار بختیار با دهقانان زحمتکش و رژیم جمهوری اسلامی تبدیل شده است. کشاورزان منطقه صومای برادوست جدا از بیگاری و دادن ۲۰٪ بهره جسی به مالکین برای شخم زمین های خود به وسیله تراکتور که در اختیار روسای طوایف و زمین داران بزرگ است، مجبورند برای هر هکتار ۱۲۰ تومان پرداخت کنند. دامداران منطقه شمیران برای چرانیدن دام های خود در مراتع کوهستانی که در مالکیت خوانین بزرگ می باشد، ناچارند برای هر راس گوسفند ۱۰۰ الی ۲۵۰ ریال پرداخت نمایند. قبل از قیام حدود ۲۰٪ مردم منطقه صومای برادوست از راه قاچاق، حمل گوسفند، گلیم، پشم، پارچه و مواد مخدر بین ایران و ترکیه امرار معاش می کردند. اکنون این رقم به ۴۰٪ رسیده است. اکنون به قاچاق اسلحه، مس، تلویزیون، ادویه، وسایل یدکی، خرما و نفت نیز می پردازند. مالکین و دهقانان مرفه سرمایه خود را در این راه به کار انداخته اند و دهقانان فقیر و خوش نشینان دارای اسب با حمل مواد قاچاق مزدوری می کنند. پس از قیام، قاچاق یکی از ارکان اقتصاد منطقه شده و راه ثروتمند شدن ایلخانان و خوانین و دهقانان مرفه را هموار کرده است.

ادامه حیات بقایای فئودالیسم و روابط فئودال - شیرتی، وجود فئودال های نفوذی نظیر جهانگیر دری خانواده سمیتقوها، مامدی ها و حاجی ساقی و غیره وجود طوایف و ایالات متعدد که با یکدیگر و با رژیم مرکزی در تضادند منطقه را مستعد حرکات ارتشاهی نیروهای فئودالی و امیرالایسی کرده است. در هر طایفه ک...

اساس شکل بندی اجتماعی منطقه را تشکیل می دهد، رئیس یا خانی و از بین روسای طوایف آنکه بیشترین زمین و قدرت بسیج را داراست، بعنوان رئیس عشیره شناخته می شود وجود فرهنگ و روابط عشیرتی که نیرومندتر از مسئله ملی عمل می کند، سبب شده است که تضاد رعایا و فئودال ها به سطحی از تکامل نرسد که نفوذ روسای عشایر را زیر علامت سؤال بکشد. وضعیت مبارزه طبقاتی و رهبری آن در منطقه بدون شناخت پدیده عشایر و روابط عشیرتی ممکن نیست از این رو اشاراتی به این مسئله ضروری است.

ایل شکاک (متشکل از طوایف کاردار و عبدوئی)، عشیره هناره، عشیره دری، عشیره جلالی و کرمانج در سرتاسر منطقه آذربایجان غربی و در نواحی مرزی ترکیه و ایران و در داخل ترکیه پراکنده اند. طوایف کاردار در مناطق صومای برادوست چهریق، شیران و انزل و طوایف عبدوئی در مناطق صومای برادوست، چهریق، ترکیه و عراق، طایفه هناره در برادوست و ترگور، طایفه دری در برادوست و ترکیه، طایفه کرمانج در روستاهای کردستان شمالی و خاک ترکیه طایفه جلالی در ماکو، سی چشمه، بازرگان، شمال شرقی ترکیه و شوروی زندگی می کنند. کاردار خود از طوایف زیادی از جمله فنک، مامدی، دلا، پساخا، مگری و غیره و عبدوئی از مامدی عبدوئی، خاندان سمیتقو، ایدری و شگری و... تشکیل شده اند. طوایف کاردار و عبدوئی در مواقع ضروری باهم متحد شده ولی بر سر رهبری همواره در ستیزند. هناره ها در مواقع خطر با هره کی های ترگور - مرگور یکی می شوند. طوایف عبدوئی در گذشته تحت رهبری سمیتقو، دیگر طوایف را زیر رهبری خود متشکل کرد. اکنون طاهرخان سمیتقو که حزب دمکرات پیشنهاد عضویت مرکزیت حزب را به او داده است در طایفه عبدوئی، آلماتی، ایدری، مرزک، حذری و نیسان دارای نفوذ قابل توجهی می باشد.

کاردارها (ایل شکاک) در حال حاضر اکثرا به حزب دمکرات پیوسته اند. طایفه پساآقا - بیشترین نفوذ را در ایل دارد. قادر و فرزند شریفی که در منطقه به فعالیت مشغول می باشند از طایفه دلای شکاک می باشند. صنار مامدی که عضو مرکزیت حزب دمکرات می باشد، رئیس طایفه مامدی از طوایف کاردار است و اکثر طایفه مامدی همکار بختیار می باشند. طایفه هناره ک... فئودال های، نظیر حاجی سامی، گرم هناره، حقی، حاجی خالد از روسای آن می باشند. این طایفه بومی منطقه و اکثرا وابسته به بختیار و بعث می باشند. طایفه دری بومی بوده و عده ای از آنان عضو حزب دمکرات می باشند و بقیه وابسته به نیروهای ضد انقلابی می باشند. رئیس ساواکی آنان جهانگیر دری با ۱۵۰ مسلح خود اخیرا طی تشریفات ساختگی به حزب دمکرات پیوسته است. طایفه کرمانج که بومی منطقه و زحمتکش ترین افراد منطقه می باشند، تحت نفوذ دیگر طوایف زندگی می کنند. پس از قیام، خوانین مزدور به جان این زحمتکشان افتادند. زمین آنان را غصب کردند. دارائی آنان را غارت نمودند. به ناموس آنان تجاوز می کردند و مردان آنان را اخته می کردند و اکثرا از روستا به پشت کشتارگاه ارومیه فرار کرده اند و در منطقه پشیران تحت رهبری عارف صوفی، خواهر - زاده صنار مامدی که ساواکی است به دامپروری مشغول می باشند. اکنون عارف به همراه صنار مامدی در حزب فعالیت می کنند. این طایفه که هیچگاه متشکل نبوده اند دهقانانی هستند که چون برده با آنان رفتار شده است و نیروهای سیاسی طرفدار انقلاب باید بیشترین توجه را به آنان میدول دارند. بین عشایر بر سر کسب قدرت (بین عبدوئی ها و کار - دارها) و بر سر زمین های تحت مالکیت (بین هناره ها و دری ها) اختلاف وجود دارد. روسای عشایر با وجود اختلاف با یکدیگر نزدیکی و

خویشاوندی دارند. وابستگی سیاسی روسا یکسان نیست. تعدادی حزب دمکراتی، بخشی وابسته به بختیار، عده ای بی طرف و میانه رو هستند. بنابراین شیوه برخورد با آنان و اختلافات درونی آنان باید متفاوت بوده و تابع شرایط و تعادل نیروها در منطقه باشد. بین عشایر منطقه با عشایر خارج ارتباط نزدیک وجود دارد. عبدوئی ها با بارزانی ها و زیباری ها در خاک عراق و با هرتوش ها و حسنی ها در ترکیه روابط نزدیک وجود دارد. دری ها با هرتوشی متحد می باشند. هناره ها با هرکی های ایران به ریاست رشیدیک یا رژیم صدام نزدیکند. فرهنگ شدیداً عقب مانده در منطقه حاکم است. بیسوادی بیداد می کنند. در تمام منطقه تنها ۲۸ روستا مدرسه دارد. ۹۰٪ افراد کمتر از ۱۶ سال، ۹۹٪ از افراد ۳۰ سال به بالا بیسوادند. تنها ۳۰۰ نفر دبیرستانی و ۲۰ نفر در سطح مدرسه عالی وجود دارند. بیسوادی در بین زنان از این هم بیشتر است و در تمام منطقه شپیران صومای برادوست فقط یک درمانگاه وجود دارد. این وضعیت مبارزه ای بی امان را برای نابودی بیسوادی و غلبه بر عقب ماندگی فرهنگی و اجتماعی را طلب می کند و دولت و نیروهای انقلابی به ویژه هواداران در راه ریشه کن کردن بیسوادی مردم باید تا آنجا که می توانند بکوشند. پس از قیام، تضاد بین دهقانان و فئودال ها دائما تشدید شده است. فئودال های نظیر طاهرخان سمیتقو، حقی هناره، جعفر هناره که در تظاهرات خیابانی علیه مردم شرکت کردند و چه فئودال های که شرکت نداشتند پس از قیام به وسیله دولت مسلح شدند. این نیروها با سلاح دولت و مواجهی که از آن می گرفتند، به جان روستائیان افتادند و ستم فئودالی خود را تشدید کردند. اکنون بخشی از اینان نظیر جهانگیر دری و مامدی ها با دولت می جنگند و عده ای نظیر طاهرخان از جنگ سرور در شهرور ۵۸ و

مذاکره با دولت فعلا بیطرفی اتخاذ کرده اند. در حالیکه دهقانان و نیروهای ضد فئودالی در منطقه و پاسداران می کوشند فئودال ها را از سر راه بردارند، فئودال ها و حزب دمکرات که مسئولین آن در منطقه اکثرا فئودال می باشند، می کوشند مسئله ملی را عمده کرده و مانع گسترش مبارزات دهقانان علیه فئودال ها شوند. سیاست بی اعتنائی جمهوری اسلامی به استقرار صلح در منطقه آب به آسیاب اینان می ریزد و زمینه را برای اقدامات ضد انقلابی فئودال ها و خوانین بیش از پیش هموار می سازد. روسای طوایف هناره (حاجی سامی)، دری (جهانگیر دری)، دلا (فرزند شریفی) و طوایف نیسانی، عبدوئی، پساخا با رژیم شاه از نزدیک همکاری داشته اند. حاجی سامی از نزدیکان "صیادان" رئیس ساواک ارومیه و نقش ژاندارم منطقه را ایفاء می کرد. علیرغم درگیری گاهگاهی صنار با رژیم شاه، افرادی نظیر چنگیز مامدی و رفعت مامدی از پساخا و مامدی ها در خدمت ساواک بودند. پس از قیام بیشتر این خانها از جانب چمران و حقگو مسلح شدند و بعنوان سران عشایر مسلمان! مشروعیت یافتند. حکومت پس از آنکه موزه خطاهای اعتماد به این عناصر را چشید، اکنون بسیاری از آنان را تحت تعقیب قرار داده است. نقش سپاه پاسداران ارومیه در مبارزه با فئودال ها و خوانین برجسته می باشد.

ضد انقلاب در منطقه

اکنون جهانگیر دری، چنگیز مامدی و رفعت مامدی مستقیماً با بختیار و بعث ارتباط دارند. صنار مامدی و ایرج نیسان با دریافت پول به آنان پیوسته اند. حاجی سامی و دیگر روسای طوایف در ارتباط نزدیک با جهانگیر دری هستند. همه اینان بر گرد جهانگیر دری در حال سازمان یابی هستند. جهانگیر با ۱۵۰ مزدورش به بقیه در صفحه ۱۵



دوستی استوار با «جبهه پایداری»

پیروزی تازه انقلاب

دیدار هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی از کشورهای عضو جبهه پایداری گامی در جهت تحکیم اتحاد نیروهای ضد امپریالیست و ترقیخواه.

دیدار هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران که حجت الاسلام رفسنجانی در رأس آن قرار دارد، از کشورهای الجزایر، لیبی و سوریه در شرایطی که انقلاب ایران بیش از پیش در خطر تهاجم ضدانقلاب جهانی قرار دارد، دارای اهمیت ویژه‌ای است. انقلاب ایران که از آغاز در مقابل ضرورت ایجاد اتحاد نزدیک با نیروهای مترقی و انقلابی در سطح جهان و بخصوص در منطقه، برای حفظ و گسترش دستاوردهای آن قرار داشته، بخاطر کارشکنی‌ها و توطئه‌های سرمایه‌داران لیبرال و عدم پیشبرد یک سیاست روشن و مشخص به وسیله نیروهای "خط امام"، از این مهم تا اندازه زیادی باز مانده است.

دولت موقت بزرگترین سدها را در برابر این ضرورت ایجاد نمود. سران لیبرال دولت موقت تنها زمانی به الجزایر مسافرت کردند که درصدد ملاقات و مشورت‌هایی چند با برژینسکی مشاور امنیتی کارتر بودند و مسافرت برای سالروز انقلاب الجزایر برای آنها تنها بهانه‌ای بیش نبود چرا که آنها دلشان نه برای انقلاب الجزایر و نزدیک و اتحاد نیروهای ترقیخواه منطقه بلکه برای توصیه‌های برژینسکی می‌تپید قطب‌زاده وزیر خارجه "نه شرقی نه شرقی" نیز از هیچ کوششی برای نزدیکی ایران با دولت ضیاءالحق و سایر مرتجعین منطقه فروگذار نکرد سفرهای پی‌درپی وی به کشورهای خلیج فارس و ملاقات با شیوخ مرتجع تنها با هدف دور کردن انقلاب ایران از متحدین و دوستانش و هل دادن ایران به دام مرتجعین و امپریالیست‌ها انجام شد و بالاخره هنگامی که در سال گذشته عبدالسلام جلود به ایران آمد، مسئله امام موسی صدر علم شد تا به وسیله آن تمام مسائل روابط دو کشور به فراموشی سپرده شود. لیبرال‌ها و اعوان و

انصارشان تمام کوشش‌های خود را به کار بردند تا سیاست خارجی ایران راه نزدیکی با نیروهای انقلابی و مترقی منطقه و جهان را که زینده آن است، نیپود و در عوض به دام توطئه‌های امپریالیست‌ها و نزدیکی با ارتجاع منطقه سقوط کند. آنها کوشش می‌کردند با اعمال خود و منحرف کردن مسیر انقلاب ایران، توجه نیروهای ترقیخواه منطقه را از نزدیکی و اتحاد با انقلاب ایران منحرف ساخته و تصویری نادرست از انقلاب ایران در میان این نیروها بیافرینند.

اما این کوشش‌ها جز شکست چیزی را نصیب عاملین آن نکرد. اکنون که ضربات قاطعی بر خط سازش لیبرال‌ها وارد آمده و آنها را از صحنه سیاسی جامعه به عقب رانده است، ضرورت اتحاد و نزدیکی هرچه بیشتر انقلاب ایران با نیروهای مترقی و انقلابی منطقه و جهان بیش از پیش مشهود گردیده است.

نیروهای مترقی منطقه تنها با ایجاد یک جبهه متحد قادر خواهند بود توطئه‌های صهیونیسم، امپریالیسم و مرتجعین منطقه را خنثی کرده و به رشد و پیروزی جنبش‌های ضد امپریالیستی در منطقه از جمله جنبش مقاومت فلسطین یاری رسانند.

کشورهای عضو جبهه پایداری (لیبی، الجزایر، سوریه، جمهوری دمکراتیک خلق یمن و سازمان آزادیبخش فلسطین) از نزدیک‌ترین دوستان انقلاب ما در سطح منطقه می‌باشند و اتحاد انقلاب ایران با این کشورها گام مهمی در تقویت مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم است. این کشورها علیرغم تمام دشمنی‌ها و تشبثات نیروهای لیبرال و ایادی امپریالیسم در ضربه زدن به روابط نزدیک بین انقلاب ایران با آنها همواره موضع خود را در دفاع از انقلاب ایران و آمادگی خود را برای عقد اتحاد

چه کسانی از

اطلاعیه دادستانی انقلاب آبادان

خشنود شدند؟

بدون شک تشویق کنندگان دادستانی انقلاب آبادان در این مورد، تنها دشمنان انقلاب خواهند بود. این دوستان امپریالیسم هستند که از این اعلامیه استقبال خواهند کرد و آن را به سود اهداف ضدانقلابی خود می‌دانند. در حقیقت آنها مدتهاست کوشش می‌کنند تا جبهه مقاومت خلق را پراکنده سازند تا از این طریق هم بتوانند ضربه‌ای به انقلاب مردم ما وارد سازند.

اطلاعیه دادستانی انقلاب آبادان وقتی کوشش می‌کند در جبهه مقاومت پرشکوهی که در مقابل تجاوز تشکیل شده است، تمایز قائل شود و مبارزه ضد امپریالیستی را در انحصار خود بداند، کاملاً به دنبال خط نفاق افکنانه دوستان امریکا روان است و به آنها خدمت می‌کند. در شرایط حساسی که جنگ تجاوزگرانه هر روز در جبهه‌ها ابعاد نوینی بخود می‌گیرد و لیبرال‌ها به تهاجم نوینی علیه دستاوردهای انقلاب پرداخته‌اند این تنها دوستان امریکا هستند که از چنین سیاست‌هایی استقبال می‌کنند و بدان دامن می‌زنند.

سازمان ما بنا بر مسئولیت خطیری که در حفظ و گسترش صفوف یکپارچه خلق بعهده دارد ضمن محکوم کردن این اطلاعیه نفاق افکنانه، باردیگر توجه مسئولین را به عواقب ناگواری که این سیاست‌ها می‌تواند دنبال داشته باشد، جلب می‌کند. با این حال همچنان که انکار نقش فدائیان خلق در عزم ما نتوانست تفریبی دهدو تنها در آبان‌ماه دهها شهید فدائی در سنگرهای مقاومت و حماسه بخون در غلطیدند، اعلامیه‌های این‌چنانی نیز هیچ خللی در عزم و اراده ما در پیکار علیه تجاوزگران رژیم صدام بوجود نخواهد آورد.

اخیراً از طرف دادستانی انقلاب آبادان اطلاعیه‌ای صادر شده است مبنی بر اینکه انقلابیون کمونیست و از جمله فدائیان خلق، به فوریت سنگرهای مقاومت، جبهه آبادان را ترک گفته از شهر خارج شوند. دادستانی انقلاب در این اطلاعیه برای متخلفینی که مصرانه بخواهند به مبارزه با ارتش متجاوز صدام ادامه دهند، مجازات‌هایی نیز در نظر گرفته است! این اطلاعیه چند ساعت پس از صدور، با شور و شوق خاصی توسط رادیوهای امپریالیستی نظیر رادیو لندن قرائت شد و امیدی تازه به ضد انقلاب جهانی داد.

نیروهای مبارز و مردم زحمتکشی که بیش از دو ماه است در میان آتش و خون از شهر آبادان دفاع می‌کنند با شنیدن این خبر در بهت و حیرت فرو رفتند. آنها نه تنها از این اطلاعیه استقبال نکردند بلکه آشکارا انزجار و مخالفت خود را از این سیاست‌های نفاق افکنانه و مشکوک به طرق مختلف بیان نمودند.

در شرایطی که خلق ما برای پیروزی بر تجاوزگران بیش از پیش نیاز به وحدت و یکپارچگی دارد، در شرایطی که انقلاب ما از همه طرف توسط امپریالیسم جهانخوار مورد تهاجم قرار گرفته است، چه چیز بهتر از این اطلاعیه‌ها می‌تواند به یاری دشمنان انقلاب بشتابد و جبهه مقاومت خلق را در مقابل امپریالیسم، لیبرالیسم و رژیم مرتجع صدام تضعیف کند؟ آیا دادستانی انقلاب آبادان هرگز بدین موضوع اندیشیده است که در شرایط خطیری که انقلاب ما می‌گذراند، ممانعت از مبارزات حماسی فدائیان خلق و دیگر نیروهای انقلابی در جبهه‌های مقاومت تا چه اندازه به وحدت و یکپارچگی و توان مبارزه خلق ما لطمه می‌زند؟

تاخیر در حل مسألت آمیز و عادلانه مسئله کردستان همچنان فاجعه می آفریند

حسینی مجدداً آزاد می گردد. مراد قطاری در جریان قتل عام روستای "قلاتان" نقش فعال داشت و از عوامل اصلی تشدید جنگ و دامن زدن خصومت کرد و ترک در منطقه می باشد.

شب دوشنبه ۲۶ آبان افراد قاسملو مجدداً به روستای ترک نشین سارال حمله می برند و روستای مزبور را به آتش می کشند. یکی از رفقای منطقه در گزارش خود از این واقعه می نویسد: "... ساکنین روستای سارال از ایلات شاهسون هستند و مردمی بسیار ساده و زحمتکش می باشند که در سخت ترین شرایط زندگی می کنند. من با یکی از رفقا به محض اطلاع به سارال رفتیم. روستائیان اطراف نیز به محل حادثه می رفتند. از دور دود آتش پیدا بود. این دود ناشی از سوختن علوفه هائی بود که ایلات برای خوراک زمستانی دام های خود ذخیره کرده بودند. همچنین تپاله هائی که روستائیان برای سوخت

زمستان جمع کرده بودند، در آتش می سوخت. وقتی ما رسیدیم، زنان و مردان و کودکان سارال بدون هدف به این طرف و آن طرف می رفتند و سرگردان بودند. در چهره هایشان سراسر درد و رنج و حرمان مشاهده می شد. صحنه طوری بود که به سختی ممکن است با قلم بتوان آن را بیان کرد. بخوبی می توان حدس زد که این صحنه ها در هنگام آتش زدن روستاهای کرد نشین توسط ملاحسینی و معبودی تکرار می شود. دستها و قلب هائی که باید در پیوند با یکدیگر امپریالیسم جنایتکار آمریکا و رژیم ضد مردمی صدام را نشانه روند، قلب یکدیگر را هدف قرار داده اند. ... همان شب نیروهای ارتشی که در اطراف سارال مستقر شده بودند، روستای کرد نشین "قلات" را با توپ زیر آتش گرفتند. پس از گلوله باران روستا توسط ارتش و دار و دسته ملاحسینی و معبودی، به روستای قلات هجوم برده اموال روستائیان را غارت کرده و منازلشان را به آتش کشیدند. مردم روستای "میمند" که ساکنین آن کرد و ترک می باشند و سالها در کنار یکدیگر با برادری زندگی کرده اند، پس از این وقایع منازل خود را ترک گفته و به طرف مناطق کرد نشین و ترک نشین فرار می کنند. پیرمردی که در روستای سارال توسط افراد قاسملو دستگیر و سپس آزاد شده بود، می گفت که به او گفته اند ما بخاطر زهر چشم از حسنی و انتقام از وی این کار را می کنیم. روستائیان سارال می گفتند ما بدبخت شدیم. در این فصل زمستان گجا داریم برویم جز این خرابه ها. چند بار از کمیته مستقر در روستای محمدیار برای دفاع از جان خود سلاح خواستیم ولی آنها که از روستائیان معبودی می باشند، به ما می گویند شما ضدانقلاب هستید. مسئول کمیته یک روحانی طرفدار شریعتمداری است و سلاحها را به افراد طرفدار خلق مسلمان می دهد.

من با رفیق همراهم به طرف شهر برمی گردیم با دلی آکنده از کینه و نفرت نسبت به عاملین ایر حوادث به ملاحسینی، معبودی، دار و دسته قاسملو، به رژیم جنایتکار صدام و امپریالیسم آمریکا. ...

اوضاع در منطقه هر روز بحرانی تر می شود. تشدید اختلافات از هر دو طرف ادامه دارد در یک طرف معبودی، ملاحسینی، باند بختیار و سایر ضدانقلابیون و در طرف دیگر دار و دسته قاسملو و سایر گروه های منحرف که متحد با ضدانقلاب و رژیم تجاوزگر صدام عمل می کنند. این دو دسته آب به آسیاب یکدیگر می ریزند. امپریالیسم جنایتکار آمریکا بیش از همه از این وضع خشنود است. آذربایجان غربی یکی از مناطقی است که ضدانقلاب نیروهای خود را در آنجا به شدت سازماندهی می نماید.

نیروهای انقلابی و ترقیخواه در منطقه موظفند هشیاری خود را در مقابل دسائس و توطئه های باندهای ضدانقلابی حفظ نموده و با اتحاد عمل خود توطئه های آنها را علیه انقلاب درهم بکنند. هرگونه بی توجهی بدین ضرورت، عواقب سنگین و ناگواری به دنبال خواهد داشت.

بقیه در صفحه ۱۳

ساخته اند. علاوه بر این تکیه بر نیروی نظامی بخاطر حل مشکل کردستان و عدم توجه به حقوق حقه خلق کرد به انواع و اقسام عناصر مرتجع، باندهای ضد انقلابی و گروه های منحرف در کردستان امکان داده است تا هر یک به گونه ای خلق کرد را وجه المصالحه اغراض و نیات خود قرار دهند و برای این خلق ستم کشیده هر روز کشتار، ویرانی و در بدری به ارمغان آورند.

مسئولین جمهوری اسلامی باید درک کنند که نه محاصره اقتصادی و نه ادامه درگیری های نظامی در منطقه هیچکدام نمی تواند مشکل کردستان را حل نماید. اعمال چنین شیوه هائی تاکنون به قیمت خون هزاران تن از مردم ما تمام شده و خلق کرد را به دامن ضدانقلاب و گروه های منحرف رها ساخته و جز وخیم تر نمودن اوضاع ثمره دیگری ببار نیاورده است.

اکنون دیگر زمان آن فرارسیده است که مقامات جمهوری اسلامی بر حقایق تلخ مهر تأیید گذارند و با قطع محاصره اقتصادی و تأیید حقوق حقه خلق کرد، دست ضدانقلاب و سایر گروه های منحرف را از سر خلق کرد کوتاه سازند. بدون اتخاذ چنین سیاستی مطمئن باشیم که هیچ گامی در جهت حل واقعی مسئله برنداشته و به انقلاب و دستاوردهای آن با تضعیف وحدت و یکپارچگی مردم ایران ضربات جبران ناپذیر وارد ساخته ایم. سازمان ما پیشاپیش همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه ایران، از تأمین حقوق عادلانه خلق کرد قاطعانه دفاع نموده و خواستار پایان بخشیدن به محاصرات موجود در کردستان است. بدین لحاظ وظیفه خود می دانیم با تشریح اوضاع موجود در منطقه، نیروهای انقلابی و مسئول را در مقابل سرنوشت توده ها به تعمق هرچه بیشتر پیرامون ضرورت تأمین حقوق خلق کرد و حل و فصل مسئله کردستان از راه صلح برانگیزیم.

شهر جنگ زده پیرانشهر و روستاهای صوفیان و جلدیان غارت کردند. افراد ملاحسینی در روستای صوفیان پس از غارت روستا و به آتش کشیدن آن، دست به کشتار مردم بی دفاع زدند که در نتیجه ۱۲ نفر از مردم به شهادت رسیده و دهها نفر دیگر مجروح شدند. این جنایت از طرف دار و دسته ملاحسینی در شرایطی صورت گرفت که هنوز یک هفته از قتل عام روستای ایند رگاش توسط این دار و دسته نگذشته بود.

آنها همچنین در حمله به یکی از روستاهای کرد نشین اطراف نرده بنام "محمدشاه علیا" پس از غارت دار و ندار روستائیان زحمتکش، آنجا را به آتش کشیدند که چهار روز می سوخت. روز بعد افراد قاسملو روستای "محمدشاه سفلی" را که ترک نشین است مورد حمله قرار داده پس از به شهادت رساندن ۱۳ نفر و مجروح ساختن ۲۵ نفر از روستائیان، روستای مزبور را به آتش می کشند. سپس روستاهای ترک نشین گوران آباد و کوزه گران را نیز غارت می کنند. در همین روزها افراد قاسملو با آ.ری.جی. ۷۰ به سواره روستای محمدیار حمله کرده و درتهاجم به افراد بسیج اطراف پیرانشهر عده ای را کشته و تعدادی را به اسارت می گیرند. در مقابل، در شهر نرده تعدادی از سکنه کردشهر توسط افراد معبودی دستگیر می شوند و یک محصل کرد توسط آنها در نرده از پشت هدف گلوله قرار گرفته و به شهادت می رسد.

پس از کشتار مردم "محمدشاه سفلی" توسط افراد قاسملو، جهاد سازندگی و سپاه پاسداران نرده به کمک مردم شتافتند. آنها ضمن ابراز انزجار از کشتار مردم بی دفاع، عظیم معبودی و مرادقطاری را عامل اصلی این فجایع دانستند. مرادقطاری که از مزدوران رژیم سابق در منطقه بوده و سالها در زاندارمری رژیم شاه به آزار و غارت روستائیان مشغول بوده است، اخیراً توسط فرماندار نرده دستگیر و تحویل دادگاه انقلاب تبریز گشته بود ولی در نتیجه وساطت ملا

در حالیکه جنوب و جنوب غربی میهن صحنه نبردهای حماسه آفرین مردم علیه تجاوزگران صدامی است و هر روز اخبار جدیدی از موفقیت های مردم قهرمان ما علیه تجاوزگران می رسد، کردستان همچنان در آتش جنگ داخلی می سوزد و در هر گوشه ای از آن هر روز صحنه های غم انگیز و تاسف باری از عوارض کثیف و ضد انسانی جنگ تکرار می شود.

جنگ مصائب و مشکلات خاص خود را دارد و امروز که بیش از دو ماه از جنگ تحمیلی رژیم صدام بد ایران می گذرد، تمام مردم ایران عوارض و پیامدهای ناگوار آن را با گوشت و پوست خود احساس می کنند. محاصره اقتصادی، نابودی مراکز تولید، تشدید بیگاری، گرانی و فقر، شهادت هزاران انسان رزمنده ای که می توانستند در خدمت سازندگی میهن انقلابی قرار گیرند و صرف انرژی های بیشمار بخاطر بیرون راندن تجاوزگران و سرانجام بازسازی تمام آنچه که توسط دشمن انقلاب ایران نابود گردیده. ولی علیرغم همه اینها می دانیم که مردم بر تمام مشکلات پیروز خواهند شد و از استقلال و آزادی سرزمین خود در مقابل توطئه های امپریالیسم جهانی پیروزمندانه دفاع خواهند کرد. ولی آنچه امروز در کردستان می گذرد خلاف اوضاع عمومی در سراسر ایران است. علاوه بر مشکلات عمومی ناشی از محاصره اقتصادی و جنگ تحمیلی، بخشهای وسیعی از کردستان ماههاست از جانب رژیم جمهوری اسلامی در محاصره اقتصادی قرار گرفته و میلیونها هموطن زحمتکش کرد ما با آغاز زمستان سخت کردستان، با خطرات جدی ناشی از گرسنگی، فقر و سرما مواجه می باشند و این در شرایطی است که دنباله روهای دار و دسته قاسملو به واسطه در اختیار داشتن مرزها و رابطه نزدیک با رژیم ضد مردمی صدام تمام مایحتاج خود را از طریق عراق تأمین می نمایند. طراحان این سیاست بیشترین زمینه را برای عوام فریبی باندهای ضدانقلابی و گروه های منحرف در منطقه فراهم آورده اند و مردم را بیش از پیش از جمهوری اسلامی در کردستان دور

نقد

اخبار نقده حکایت از وخامت روزافزون اوضاع در این منطقه دارد. هم زمان با آغاز جنگ عراق علیه ایران، گروهی از عناصر ضدانقلابی و مرتجع که در کمیته های نقده تحت سرپرستی عظیم معبودی (ساواکی سابق و خلق مسلمان امروز) مشغول فعالیت می باشند، با استفاده از فرصت، قسمتی از بسیج را تحت کنترل خود در آورده و با حمایت کامل کمیته های مستقر در ارومیه به سرپرستی ملاحسینی، بجای مقابله با تجاوز رژیم صدام و مبارزه با ضدانقلاب، با اعمال ضد مردمی خود همگام با تجاوزگران صدامی و ضد انقلاب منطقه عمل می کنند. آنها تحت پوشش خلق سلاح، به قتل عام و آتش زدن روستاهای کرد نشین منطقه پرداخته اند که نمونه آن را در قتل عام دهقانان زحمتکش روستای ایند رگاش مهاباد شاهد بودیم. جنایات افراد بسیج ارومیه و نقده تحت سرپرستی ملا حسنی و عظیم معبودی به افراد قاسملو نیز فرصت داده است با استفاده از احساسات تحریک شده مردم اعمال مشابه خود را بعنوان دفاع از خلق کرد توجیه نمایند.

قابل ذکر است که در نقده دو ستاد بسیج وجود دارد. یکی تحت مسئولیت سپاه پاسداران و جهاد سازندگی که به امر آموزش داوطلبان پرداخته و دارای اهداف ترقیخواهانه می باشد و دیگری بسیج ملاحسینی - عظیم معبودی است که اکثر گردانندگان آن را بازاریان ثروتمند طرفدار خلق مسلمان و بختیارجی ها تشکیل می دهند و اینها هستند که با اعمال ضد انسانی خود، به جنگ و خونریزی در منطقه دامن بندند.

در روزهای گذشته علاوه بر قتل عام روستای ایندیر ۴۲ نفر به شهادت رسیدند، افراد بسیج را به کمیته های ارومیه و نقده، منازل مردم را در

بکشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را

علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

تاخیر در حل مسألت آمیز

بقیه از صفحه ۱۲ وعادلا نه...

پیرانشهر

در هفته‌های گذشته تلاش متحد افراد قاسملو و نیروهای عراقی جهت تسخیر پادگان‌های پیرانشهر، پسوه، جلدیان با شکست مواجه گردید و ارتش موفق گردید با عقب‌راندن نیروهای عراقی در مرز ترمچیان مستقر شود. افراد قاسملو پیش از آن، جاده مرزی را مین گذاری کرده بودند. آنها امیدوار بودند در نتیجه انفجار، تله‌هایی که در سر راه ارتش گذاشته‌اند مانع استقرار ارتش در نقطه مرزی بسیار حساس ترمچیان شوند. در این رابطه چند تن از مسئولین نظامی از جانب قاسملو مورد توبیخ و بازخواست قرار گرفته‌اند.

افراد قاسملو تبلیغات شدیدی را علیه رفقای ما در منطقه به راه انداخته‌اند و در چند مورد آنها را تهدید به دستگیری و ترور نموده‌اند. همچنین یکی از مسئولین کومله در روستای سوغاتلو از شورای روستا خواسته بود رفقای ما را دستگیر و تحویل آنها بدهند.

پس از ورود ارتش به شهر، افراد بسیج نقده همراه مرادقطاری نیز به شهر آمدند. مرادقطاری در چند مورد افراد بی‌دفاع را اعدام نمود و منازل مردمی را که از ترس جانشان شهر را ترک گفته بودند، غارت کرد. ما محتاج عمومی در منطقه تقریباً نایاب است. جنگ، گرانی و بی‌خانمانی بیش از هر زمان دیگر مردم را در تنگنا قرار داده است.

کوری‌ره‌ش (علی‌قاسمی) مامور سیا که در ماه‌های گذشته ظاهراً از طرف افراد قاسملو دستگیر شده بود، همراه با افراد سرشناس دار و دسته قاسملو در منطقه آزاد می‌گردد و به شکار خرس و ماهی مشغول است. در تاریخ ۲۸ آبان یکی از رفقای هوادار اهل پسوه، به اتفاق چهار نفر از هواداران کنگره چهارم حزب دمکرات توسط افراد قاسملو دستگیر و زندانی می‌شوند. گفته می‌شود آنها را تحت شکنجه قرار داده‌اند.

مواضع تصریح شده از جانب دار و دسته قاسملو در به اصطلاح پلنوم مرکزی در تاریخ ۱۴ آبان و سخنرانی رادیویی عبدالرحمان قاسملو نشان می‌دهد که در روزهای آینده کردستان صحنه درگیری‌های شدیدتری خواهد بود. قاسملو در سخنرانی خود در توضیح مواضع پلنوم گفته است: در صورتی که دولت مرکزی ۶ اصل پیشنهادی حزب را قبول نکند، با تمام قوا به حملات خود می‌افزایم. وی مردم کردستان را به بسیج همگانی دعوت کرد. در مورد رژیم جمهوری اسلامی ادعا شد محاصره اقتصادی و جنگ آن را از پای درخواهد آورد. همچنین با کمال وقاحت مدعی شد که نیروهای مترقی از عراق پشتیبانی می‌کنند. و در صحبت‌هایش ایران را تجاوزکار قلمداد نمود. او به مردم ارومیه هشدار داد که حملات صورت گرفته از جانب وی به شهر تابحال جدی نبوده و آنها باید انتظار حملات بیشتری را داشته باشند و در پایان ضمن حمله به سازمان اعلام نمود که فدائیان (اکثریت) سنگر دفاع از خلق کرد را ترک کرده و در سنگر دشمنان خلق کرد قرار گرفته‌اند.

اکنون مواضع ضدانقلابی دار و دسته قاسملو بیش از پیش آشکار گردیده، آنها دیگر ظاهر سازی را به دور افکنده و در رادیوی خود همانند رادیو بختیار و رادیوی رژیم صدام از حکومت آخوندها، آخوندیسم، حکومت مرتجعین و کهنه‌پرستان و غیره نام می‌برد و نوک حمله خود را متوجه رهبری انقلاب (آیت‌الله خمینی) نموده‌اند.

سردشت

مردم سردشت همچون مردم سایر شهرها و روستاهای کردستان از شرایط ناشی از جنگ، دربدری و کمبود مایحتاج عمومی شدیداً تحت فشار قرار گرفته و روزهای بسیار سختی را می‌گذرانند. به واسطه عدم بنزین و گازوئیل کمتر وسیله نقلیه‌ای در منطقه رفت و آمد می‌کند. به واسطه کمبود شدید مواد غذایی و سوخت، بیماری‌های مزمن مردم را شدیداً تهدید می‌کند. از دکتر و دارو در سردشت اثری نیست و

مدارس کماکان بسته باقی مانده‌اند. بسیاری از مردم شهر را ترک گفته و به مناطق دیگر که امنیت بیشتری وجود دارد، رفته‌اند. افراد قاسملو با تحریکات خود علیه پادگان عامل اصلی آوارگی مردم می‌باشند. ناراضی‌هایی از سیاست‌های دار و دسته قاسملو در بین مردم بطور آشکار دیده می‌شود بسیاری از مردم آنها را عامل دربدری خود می‌شناسند. در تاریخ ۱۲ آبان تعدادی از مردم شهر به افراد قاسملو مراجعه و از آنها می‌خواهند که ماشین‌های حامل خوار و بار را که از مه‌باد عازم سردشت می‌باشند، توقیف ننمایند. در پاسخ به مردم گفته بودند در صورتی این کار را نخواهیم کرد که پادگان سردشت شرایط ما را بپذیرد. در همین تاریخ دو نفر از رفقای ما توسط افراد قاسملو بازداشت شده و آنها را به مقر خود در روستای "بیوران" می‌برند. رفقای ما پس از چند روز اعتصاب غذا آزاد می‌شوند. در روستای "بیوران" رفقا شاهد بوده‌اند که دار و دسته قاسملو به برخی مراجعین برگه اقامت در عراق می‌دهند. آنها اخیراً اقدام به کشیدن جاده‌ای در منطقه پیرانشهر - سردشت نموده‌اند که منطقه را به عراق متصل خواهد ساخت. پس از استقرار ارتش در مرز ترمچیان آنها از جاده تدارکاتی خود محروم شده بودند.

دار و دسته قاسملو که در سراشیب سقوط و وابستگی به رژیم ضد مردمی صدام قرار گرفته‌اند. اینک از سیاست‌های انقلابی و اصولی سازمان در سراسر کردستان به خشم آمده و همراه با سایر گروه‌های ورشکسته به سیاست تهدید و ارعاب علیه رفقای ما متوسل می‌شوند. ما با مردم خود پیمان بسته‌ایم که

در تاریخ ۲۱ آبان، افراد قاسملو تنه‌ماقر "راه‌کارگر" در روستای "عزیزکند" از توابع بوکان را خلع سلاح نمودند. همچنین در همین روز چند نفر از افراد وابسته به تشکیلات به اصطلاح اتحادیه کمونیست‌ها در روستاهای "قاراوا" و "نیکاوا" توسط افراد قاسملو خلع سلاح می‌شوند. ما ضمن اظهار تأسف نسبت به مواضع "راه‌کارگر" در قبال مسئله کردستان، دوستان "راه کارگر" را به تعمق پیرامون اوضاع جاری در کردستان فرامی‌خوانیم.

در مقابل هیچگونه فشاری از جانب نیروهای ضد مردمی سرفرو نیاوریم. ما به پیمان سرخ خود با توده‌ها وفادار باقی خواهیم ماند.

مه‌باد

پس از جنگ اخیر مه‌باد و استقرار پاسداران و ارتش در شهر و مواضع صلح‌جویانه‌ای که پاسداران اتخاذ کرده بودند، اوضاع گمابیش به حالت عادی در آمده و رفت و آمد به شهر از طریق جاده‌های میاندوآب و ارومیه آغاز شده بود. مردمی که شهر را ترک گفته بودند اغلب بازگشتند. در مه‌باد بر خلاف شهرهای سنج، سقز و بانه پس از استقرار پاسداران کمتر موردی از خشونت و بازداشت‌های بی‌مورد مردم مشاهده گردیده بود. اما وقایعی که در روزهای ۱۳ و ۱۴ آبان ماه اتفاق افتاد، اوضاع را دگرگون ساخت. قبل از آن در نتیجه قتل عام روستای ایند رگاش احساسات مردم علیه ارگان‌های حکومتی شدیداً برانگیخته بود. تا جایی که پاسداران مستقر در مه‌باد این عمل را محکوم ساختند.

در تاریخ ۱۳ آبان ماه گروهی از پیشمرگان مسلمان کرد وارد مه‌باد شده و در محل سابق اداره غله مستقر می‌شوند. ورود این افراد که اغلب از عناصر لمپن و مزدور و عناصر وابسته به رژیم سابق می‌باشند موجی از نگرانی در مردم ایجاد می‌کند. با ورود این افراد، مردم انتظار حوادث ناگواری را می‌کشیدند. روز بعد در فضای تحریک شده مه‌باد، افراد وابسته به قاسملو با نارنجک به ماشین حامل پاسداران حمله نموده و چند نفر از آنها را به شهادت می‌رسانند. در روزهای بعد نیز اینگونه عملیات تکرار می‌شود که واکنش سپاه در مقابل این قبیل اعمال، بازداشت نزدیک به ۴۰۰ نفر از مردم شهر می‌باشد. همچنین در تاریخ ۱۷ آبان ماه از جانب سپاه و پادگان شلیک سنگینی بر روی شهر آغاز می‌شود و جسد خصماریه در منازل مردم اصابت می‌کند. این تیراندازی‌ها در پایان آن روز یک شهید و دو مجروح از مردم برجای می‌گذارد. روز بعد نیز این تیراندازی‌ها ادامه یافت و رفت و آمد در جاده‌های منتهی به مه‌باد قطع

گردید

اکنون اوضاع شهر نسبت به روزهای گذشته کاملاً تغییر یافته است. مردم نگران تحمل جنگ دیگری به شهر رنج‌دیده خود می‌باشند که با توجه به محاصره اقتصادی کردستان و سرمای زمستان درد و رنج‌های بی‌شماری به دنبال خواهد داشت.

تعدادی از رفقای هوادار که عموماً دانش آموز پیشگام می‌باشند، توسط پاسداران دستگیر و به ارومیه انتقال یافته‌اند که با توجه به جو حاکم بر دادگاه‌های ارومیه و نفوذ ملاحسنی در آن نسبت به زندگی آنها نگرانی جدی وجود دارد. ما نسبت به عواقب و پی‌آمدهای ناگوار اعمال کسانی چون ملاحسنی به مقامات مسئول جمهوری اسلامی جدا هشدار می‌دهیم.

مسئولین دادگاه‌های ارومیه باید به مردم مبارز ایران پاسخ دهند به چه دلیل و مجوزی دو تن از رفقای ما را (منصور خسروی محصل پیشگام و فخری شیدائی، معلم) به جوخه اعدام سپردند. مسئولین این قبیل جنایات در پیشگاه مردم باید پاسخگوی اعمال خود باشند. دشمنی با فدائیان خلق، دشمنی با انقلاب و دشمنی با تمام مردمی است که امروز جان برکف به دفاع از دستاوردهای انقلاب در مقابل توطئه‌های امپریالیسم امریکا و رژیم تجاوزگر صدام برخاسته‌اند. بر این اساس ما خواستار رسیدگی فوری به وضع دادگاه‌های ارومیه و احکام صادره از جانب آنها می‌باشیم. چنین شیوه‌ای راه‌برای ضدانقلاب در منطقه جهت دست یافتن به نیت پلیدش هموار خواهد ساخت.

بوکان

شهر بوکان همچنان مملو از جمعیت است. علاوه بر جمعیت اصلی شهر تعداد زیادی از مردم آواره دیگر شهرها در بوکان گرد آمده‌اند. گرانی، بیکاری و فقر در اوج خود است. قیمت‌ها سرسام‌آور افزایش یافته یک بشکه ۲۰۰ لیتری نفت، ۲۵۰۰ تومان و گازوئیل بشکه‌ای ۲۰۰۰ تومان به فروش می‌رسد. اجناس مورد نیاز مردم یافت نمی‌شود. شهر از چند ماه قبل در محاصره اقتصادی قرار دارد. کمبود مواد غذایی و دارو عملاً بیمارستان شهر را به تعطیلی کشانده است. کودک بیماری به واسطه کمبود دارو، جان خود را از دست داد. در روزهای گذشته تعداد زیادی زن و بچه برای آوردن نفت روانه میاندوآب شدند. افراد قاسملو مواد سوختی و مایحتاج مورد نیاز خود را از عراق می‌آورند. افراد مرفه از چند ماه قبل مایحتاج خود را تهیه کرده و یا با خانواده‌هایشان از بوکان خارج شده و به سایر نقاط ایران رفته‌اند. توده‌های زحمتکش محروم از هرگونه امکان در آغاز زمستان سرد کردستان در نتیجه بیکاری، گرسنگی، فقر و سرما زندگی‌شان با خطر جدی مواجه خواهد شد. نبود سوخت، بخصوص گازوئیل، کشاورزی بر برکت منطقه را با نابودی کامل مواجه ساخته است. فساد، فحشاء و اعتیاد به مواد مخدر افزایش یافته و تعدادی از جوان‌ها بدین راه کشیده شده‌اند. همه در انتظار پایان یافتن این وضع می‌باشند. در عین حال واقعه ایند رگاش، شدیداً مردم را تحریک و متاثر نموده است.

دار و دسته قاسملو در چند مورد دست به تهدید و محاصره منازل و غارت اموال شخصی رفقای ما زده است. گروه "اقلیت" در روستای "جه‌میان" و چند روستای دیگر منازل هواداران سازمان را مورد بازرسی قرار داده و اموال شخصی آنها را تحت عنوان وسایل سازمان به غارت برده است. بیکاری‌ها نیز در یکی دو مورد مرتکب این قبیل اعمال گشته‌اند. این گروه‌ها با عوام‌فریبی و تبلیغ علیه مواضع سازمان و احکام حرکاتی به شیوه دمکرات‌نماها تلاش دارند جواز اقامت و حضور مسلح در منطقه را از دار و دسته قاسملو به دست آورند.

پس از حمله اوپاش وابسته به قاسملو به دفتر سازمان در بوکان هر یک از این گروه‌ها طی اعلامیه‌هایی سازمان را مورد حمله قرار داده و حضور خود را در این عمل تکذیب نمودند. گروه "اقلیت" به اعلامیه اکثفا نموده و با صدور جزوهای تحت عنوان "اکاذب معرضانه اکثریت کمیته مرکزی" کوشش نموده است رهبری مبارزه با سازمان را در کردستان از آن خود سارد و بیکار در پایان اعلامیه خود مبارزه بخاطر طرد کامل اکثریت از کردستان را مطرح ساختند. اسب، ازکستر کج و کولندای از جریانات ورشکسته، همگی با هم به رهبری عبدالرحمن قاسملو سمفونی مبارزه با اکثریت را در کردستان ساز کرده‌اند.

در جریان حمله به دفتر روزنامه میزان

لیبرال ها باز هم

به مردم دروغ گفتند

گردانندگان لیبرال روزنامه "میزان" پس از حمله عده‌ای نقابدار به دفتر این روزنامه در صبح روز تاسوعا بیشرمانه کوشیدند تا از آب گل‌آلود ماهی بگیرند و با انداختن مسئولیت این اقدام به گردن انقلابیون کمونیست آنها را مسبب اینگونه رفتار هرج و مرج طلبانه و همدست چماقداران اعلام دارند. "بنی‌اسدی" یکی از لیبرال‌های اداره‌کننده این روزنامه طرفدار امریکایی‌هاست که خود را نماینده گروه معرفی می‌کند و فعلا در کمیته مرکزی بسر می‌برد یک تقویم بغلی بدست آمده است که آرم چریکهای فدائی خلق روی صفحه اول تقویم چاپ شده و گزارش سفر به تمام نواحی غرب و قرارهای او با رفقایشان - اعضای پیشگام - و دیگر گروه‌ها در صفحات مختلف تقویم نوشته شده است.

از جیب یکی از جوانان که خود را نماینده گروه معرفی می‌کند و فعلا در کمیته مرکزی بسر می‌برد یک تقویم بغلی بدست آمده است که آرم چریکهای فدائی خلق روی صفحه اول تقویم چاپ شده و گزارش سفر به تمام نواحی غرب و قرارهای او با رفقایشان - اعضای پیشگام - و دیگر گروه‌ها در صفحات مختلف تقویم نوشته شده است.

اینگونه عوام‌فریبی‌ها و دروغ‌پردازی‌های لیبرال‌ها نظیر سخنان آقای بنی‌اسدی علیه فدائیان خلق به این امید واهی صورت می‌گیرد که خشم و کینه انقلابی مردم قهرمان و آزادیخواه ایران نسبت به امپریالیسم امریکا را متوجه نیروهای انقلابی خلق گرداند. لیبرال‌ها که از نفرت مردم نسبت به مسئله "چماقداری" بخوبی آگاهی دارند، کوشیدند با انتساب این عمل به انقلابیون کمونیست افکار عمومی توده‌های مردم را که از اعمال چماقداران به خشم آمده‌اند علیه فداکارترین فرزندان خلق برانگیزاند و آنها را مخالف "آزادی" و موافق سیاست‌های سرکوبگرانه جمهوری اسلا- اسلامی ایران قلمداد کرده و صدالبته خود را نیز مدافع سینه‌چاک "آزادی" جابزنند!

تردید نیست که سازمان ما لیبرال‌ها را دشمن انقلاب و مردم ایران می‌داند و دمی

جوانان زحمتکش آرامنه:

بانتار خون خود در جبهه‌های جنگ

وحدت خلقهای ایران را مستحکم تر سازیم

زحمتکشان ارمنی: محافل وابسته به امپریالیسم و ارتجاع ارمنی نظیر ح-زب دانشناکسیون، شورای خلیفه‌گری و دیگر محافل ارتجاعی ارمنی، تبلیغات زهرآگین خود را با تکیه بر خصوصیات قومی و مذهبی و تضادهای فرعی افزایش داده و عملا از شرکت توده‌های ارمنی در جنگ علیه عراق و در تظاهرات خیابانی جلوگیری می‌کنند.

مدرسه آرامنه درباره ماهیت تجاوزکارانه و امپریالیستی هجوم رژیم فاشیست عراق بحث‌های گروهی می‌کردند. تهدید به اخراج نمودند. ولی ارتجاع و بورژوازی وابسته ارمنی این بار نیز بسان قیام پرشور سال ۵۷ که سعی می‌کردند با تبلیغات زهرآگین و با تکیه بر خصوصیات قومی و مذهبی و تضادهای واهی و ساخته و پرداخته مغز علیل خودشان از شرکت توده‌های ارمنی در تظاهرات پرشور خیابانی جلوگیری کنند، محکوم به شکست و بی‌آبرویی است. چه هم‌اکنون زحمتکشان ارمنی یا نثار خون خود در جبهه‌های جنگ پیوند بین آرامنه و دیگر خلقهای ستمدیده ایران را استحکامی دوباره بخشیده‌اند و در دفاع از میهن انقلابی و در راه استقلال، کار، مسکن، آزادی و حفظ دستاوردهای انقلاب دوش بدوش همه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست ایران با تمامی امکانات و توانائی خود به مبارزه ادامه می‌دهند.

بگذار یکبار دیگر خون پاک کارگران و زحمتکشان عرب، فارس، لر، ترک، کرد ارمنی، بلوچ، ترکمن و دیگر خلقهای قهرمان این پهنه شهیدپرور درهم آمیزد و ستارگان شب‌خیز آسمان انقلاب این سرزمین را فروغی دگرباره بخشد، باشد تا در پرتو تابش سرخ فام ستارگان این آسمان لایتناهی خاک وطنمان را به گورستان فاشیست‌های عراقی و امپریالیسم جهانی این لاشه متعفن سرمایه‌داری انحصاری تبدیل نمائیم.

درود بر همه شهدای خلق مرگ بر رژیم فاشیست عراق پیروز باد مبارزات ضد امپریالیست - دمکراتیک خلقهای قهرمان ایران مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم امریکا

جوانان ارمنی محلات کالج و ویلای تهران ۵۹/۸/۲۰

ضروریات گریزناپذیر است و این ضرورت را خلقهای ایران منجمله زحمتکشان ارمنی چه خوب دریافته‌اند زیرا به‌عینه شاهدند که چگونه هواپیماهای عراقی کارگران و زحمتکشان خرمشهر و آبادان و کرمانشاه و... اعم از عرب و فارس و کرد و ترک و لر را به یکسان نابود می‌کنند و فاشیست‌های عراقی خلق عرب خوزستان را به همانگونه کشتار می‌کنند که زنان و کودکان فارس و کرد و لر را در سوسنگرد و کرمانشاه و قصر شیرین و دیگر مناطق، خلقهای ما با گوشت و پوست و خون خود در می‌یابند که سرمایه‌داری و امپریالیسم، عرب و فارس و کرد و ارمنی و بلوچ نمی‌شناسد و همه را به یکسان استثمار می‌کند و در مواقعی که منافعش در منطقه‌ای از مناطق تحت سلطه جهنمی‌اش به خطر افتد، همه آنها را که علیه‌اش قیام کرده‌اند، بدون هیچ‌گونه استثنائی آماج گلوله‌ها و بمب‌های خود می‌نماید.

با چنین زمینهای از آگاهی، آرامنه زحمتکش تهران بعد از هجوم فاشیست‌های عراقی با کمال حیرت ناظر شادمانی محافل وابسته به امپریالیسم و ارتجاع ارمنی نظیر حزب دانشناکسیون (این عامل و سرسپرده امریکا)، شورای خلیفه‌گری و دیگر محافل ارتجاع ارمنی بوده‌اند. این سرسپردگان علیرغم عوام - فریبی‌های خود نظیر انتشار اعلامیه‌های فرمایشی و ابراز پشتیبانی از ارتش و هم‌دردی به جنگ‌زدگان و غیره، در محلات ارمنی‌نشین و خصوصا در مدارس آرامنه دست به تبلیغات ضدانقلابی زده و حمله وحشیانه عراقی به ایران را جزئی از تلاش کشورهای مترقی دنیا!!! برای نجات اقلیت‌های مذهبی و قومی از زیر فشار تضيیقات جمهوری اسلامی وانمود می‌کنند!! این خائنان به خلق کار را به جایی رسانده‌اند که حتی دانش‌آموزانی را که در چند

از طرف جوانان ارمنی تهران نامه‌ای به دست ما رسیده است که بیانگر شور و شوق زحمتکشان و جوانان ارمنی برای تحکیم وحدت خلقهای سراسر ایران و ایستادگی یکپارچه در برابر تجاوزگران عراقی و نیز تلاش مذبحانسه محافل وابسته به امپریالیسم و ارتجاع ارمنی برای تضعیف وحدت مردم می‌باشد. ما این نامه را که به اندازه کافی گویاست عینا چاپ می‌کنیم:

رفقای فدائی! درود گرم و زلفقانه ما جوانان ارمنی محلات کالج و ویلای تهران، هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) را بپذیرید.

رفقا! اینبار نیز بسان قیام پرشکوه سال ۵۷ جوانان ارمنی در نبرد عادلانه خلقهای رنج‌کشیده میهنمان علیه متجاوزان فاشیست عراقی فعالانه شرکت دارند و برآستی ادامه راه سرخ شهدا و فدائیان نظیر وارطان‌ها و مارتیک‌ها و دیگر شهدای گمنام آرامنه را همچون وظیفه‌ای بر خود واجب دانسته و تمامی توش و توان خود را در راه کمک و همراهی به سایر خلقهای ایران در این جنگ تحمیلی به کار گرفته‌اند. هم‌اکنون تعداد زیادی از رفقای ما چه بعنوان سرباز یا اعزامی بسیج و چه از طریق کمک‌های غذایی و بهداشتی و تدارکاتی پشت جبهه در میدان‌های جنگ مشغول نبردند و تاکنون دهها نفر از آنان شهید و مجروح شده‌اند. بی‌هیچ تردیدی در اوضاع و احوال کنونی ایران، وحدت و همبستگی همه نیروهای ضد امپریالیست و همه خلقهای این مرز و بوم قطع نظر از هرگونه گروه‌بندی‌های مذهبی قومی و ملی برای پیروزی در مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ما از

توسن انقلاب

را در دشت های زیبای صومای برا دوست به جولان ...

حزب دمکرات کردستان ایران پیوسته است. این عنصر کثیف که در کودتا و حمله به ارومیه دست داشت، بتازگی جرات کرده است برای سازمان خط و نشان بکشد و در این اواخر دم از تشکیل حزبی کاملاً فتودالی و متشکل از روسای طوایف که مستقل از حزب دمکرات باشد، می زند و می کوشد طاهرخان را از طریق گرفتن موافقت او با تشکیل این حزب به وابستگی به بختیار و بعث بکشد.

در حالیکه بختیار از طریق جهانگیر می کوشد فتودالها را در یک حزب جدید فتودالی متشکل کند و نیروی متشکل و متحرک ضدانقلابی را در منطقه به وجود آورد، حزب دمکرات می کوشد جهانگیری، طاهرخان و دیگر خانها را در خود متشکل کند. آینده فتودالها و حزب در منطقه بهم جوش می خورد و این آینده هم از حرکات و ارتباطات و هم از صحبت های جهانگیر قابل پیش بینی است. او با افسران ترکیه گفتگو کرده است. سرهنگ انتظامی در شهریور ماه و اکثر امرای جنایتکار ارتش، کودتاچیان و ساواکی ها را از مرز عبور داده است. او اعتراف کرده است که "این رژیم تک تک ما را به جوخه اعدام خواهد سپرد و نزدیکی به این رژیم درواقع نزدیکی میش به گرگ است" و "اگر ما توپ و خمپاره و دیگر وسائل جنگی داشتیم تا آخرین لحظه با این رژیم می جنگیدیم" این اعترافات باید برای نیروهای وابسته به خط امام درس عبرتی باشد و تجربه آزموده را تکرار نکنند. متأسفانه آنها هنوز هم یاد نگرفته اند و تسلیح عشایر کرمانشاه را به وسیله خوانین، آن خطه، کوشش برای راضی کردن ناصر و خسروخان قشقایی و تسلیح عشایر فارس به وسیله خوانین و کدخداهای آنجا به اجازه ژاندارمری نشانه تکرار این خطاست.

سواى چنگیزمادی، صنار مامدی، ایرج نیسانی و دیگر افراد مامدی که با ارتش و کمیته ها همکاری داشتند، با

دریافت ۳۰۰ فبضه سلاح و مقدار زیادی پول از بختیار و بعث آماده حرکت می باشند. این گروه اخیراً به همراه گومله به پاسگاه امام کندی، سیلو و پمپ بنزین شهر حمل کردند و ۸ نفر از اعضاء جهاد سازندگی را به گروگان گرفتند. اگر جنگ در کردستان وسعت گیرد، این گروه فعال تر خواهد شد.

صف جنگ افروزان با آمدن گومله به منطقه تکمیل شده است. گومله این آتش بیار معرکه که حدود یکماه و نیم پیش با اجازه صنار با ۱۰۰ بیشرگه وارد منطقه شده و با جمع کردن عده ای محصل و روشنفکر به جنگ و مسئله ملی دامن می زند. این جریان جنگ افروز با داد و بیدادهای ضد فتودالی، عده ای از دهقانان زحمتکش را به دور خود جمع کرده است و بیشترین انرژی این جریان صرف تبلیغ علیه سازمان، عمده کردن جنگ و مسئله ملی می شود.

نیروهای ضدانقلابی به یاری هم مسلکان خود در درون حزب، از امکانات حزب دمکرات در منطقه بخوبی استفاده می کنند. مقرهای هفتگانه حزب که حدود ۲۰۰ بیشرگه را در خود جا داده است، هرکدام طایفه ای را سازماندهی می کنند. مقرهای صوفیان، و حله گوش تحت رهبری صنار مامدی، نیروی نیسانی ها و فنکها را در خدمت عمده کردن مسئله ملی و عشیرتی و تقویت فتودالها بکار گرفته است. کمکهای مالی که به حزب می شود، از راه دوشیدن دهقانان زحمتکش به دست آمده و به جیب این نیروها می ریزد. در حالیکه سه مقر دیگر حزب موضع مخالف بختیار و بعث را دارد، بقیه مقرها زیر رهبری فتودالها با ضد انقلابیون همکاری کامل دارند.

از آنچه گفته شد چنین برمی آید که اولین گام در مبارزه برای غلبه بر عقب ماندگی تاریخی و آزادی زحمتکشان منطقه، یورش سنجیده و با برنامه بر فتودالیسم و نیروهای

فتودالی منطقه است. با امپریالیسم در منطقه نمی توان مبارزه کرد مگر آنکه این نیروها را از سر راه برداشت. با هرکس و هر جریانی که با این نیروها همکاری کند، باید پیکار کرد با هر نیروئی که با اینان پیکار می کند، باید همکاری نمود و به آن یاری رسانید.

هواداران سازمان موظفند علیه بیسوادی و عقب ماندگی فرهنگی منطقه مبارزه کنند.

علیه ایلخانان بر اساس مواضع متفاوت و تضادهای آنان و سمت گیری مجموعه آنان وسیع افشاکری کنند. چهره واقعی و ماهیت ستمکارانه آنها را برای دهقانان زحمتکش روشن کنند به ویژه باید کوشش خوانین را در عمده کردن مسئله ملی خنثی کند و انرژی عظیم زحمتکشان منطقه را علیه اربابان فتودال و اربابان امپریالیست سازماندهی کند برای جلوگیری از دادن بهره

مالکانه و کمکهای مالی به جنگ افروزان و ناسیوالیستهای تنگ نظر تبلیغ کنند. خشم طبقاتی دهقانان را علیه ضد انقلابیون شعله ور سازند. دهقانان و نیروهای انقلابی را از یورش های ضد انقلابی با هوشیاری حفاظت کنند تا انقلاب را با محور نیروهای ارتجاعی منطقه و نابودی نفوذ امپریالیسم پیروز گردانند.



شورای روستای

"استوه" اراک

برای توزیع

عادلانانه کالا

اداره شرکت

تعاونی را بر عهده گرفت

"استوه" از روستاهای بخش "شاه" اراک است. سال قبل در این روستا شورای ده تشکیل گردید. گرچه شورا از ابتدای کار با مخالفت و کارشکنی ثروتمندان ده روبرو شد، اما به پشتیبانی روستائیان توانست به کار خود ادامه دهد. از جمله اقدامات شورا در زمینه عمرانی ساختن یک درمانگاه است که ساختمان آن بزودی تمام خواهد شد. کار مهم دیگری که شورا توانسته است به انجام آن مبادرت ورزد و با استقبال فراوان مردم هم روبرو گردید کنترل شرکت تعاونی ده است شورا با به دست گرفتن اداره و کنترل شرکت تعاونی توانسته است در زمینه توزیع عادلانه مایحتاج عمومی در بین روستائیان گام های مهمی بردارد. در این میان چند نفر از ثروتمندان ده که قبلاً اداره شرکت تعاونی را برعهده داشتند، در کار

شورا اخلال می کنند. لیکن بر اثر هشیاری و اتحاد روستائیان تاکنون در کار خود ناکام بوده اند. زحمتکشان روستای "استوه" می گویند: "ثروتمندان ده، زمین داران بزرگ و سرمایه داران قبلاً شرکت تعاونی را در اختیار خود گرفته بودند. آنها با سوء استفاده از احتیاج روستائیان اجناس را به هر قیمت که می خواستند به روستائیان می فروختند." یکی از روستائیان می گفت: "قبلاً پولدارها شرکت تعاونی را اداره می کردند. آنها به هزاران بهانه جیب ما را خالی می کردند ولی حالا شرکت تعاونی در دست خودمان است. خودمان جنس را از شهر می آوریم و با قیمت مناسب در اختیار مردم ده قرار می دهیم" اهالی روستای "استوه" از دولت می خواهند که امکانات مالی و فنی به

اندازه کافی در اختیار شورای آنها قرار دهد تا بتوانند دست سرمایه داران و زمین داران بزرگ و واسطه ها را هرچه بیشتر از سر خود کوتاه کنند.

دولت جمهوری اسلامی باید به خواست برحق روستائیان زحمتکش روستای "استوه" که خواست همه کارگران و زحمتکشان میهن است، توجه کند. دولت جمهوری اسلامی باید با ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد و گسترش شرکت های تعاونی تولید و توزیع دست تجار سرمایه دار و واسطه ها و محترکین را برای همیشه از سر زحمتکشان کوتاه کند. این گام اساسی در جهت حل مشکل گرانی و کمبود کالا چه در شهر و چه در روستاست. این گامی است که برای همیشه توزیع عادلانه مایحتاج عمومی را در میهنمان ایران متحقق خواهد نمود.

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد.

خون رفقای ما سرزمین کارگران و زحمتکشان را

گلگون تر

کرده است

رفیق شهید، فدائی خلق

غلام عباس بخرد

رفیق بخرد از جمله کارگران رزمنده‌ای بود که با آگاهی کامل به منافع طبقاتی طبقه کارگر قهرمان ایران، یک دم از آموزش و سازماندهی کارگران و زحمتکشان علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا بازنیستاده. رفیق غلامعباس بخرد با آغاز تهاجم جنایتکارانه امپریالیسم جهانی از کانال رژیم ضدمردمی صدام و حملات وحشیانه به تاسیسات صنعتی پالایشگاه طبق رهنمود سازمانش به منظور اطفای حریق، سنگر کارخانه را برگزید و در روزهای اولیه جنگ تحمیلی در کنار دیگر همکارانش بر اثر اصابت ترکش خمپاره ارتش جنایتکار عراق، به شهادت رسید. در هنگام شهادت رفیق غلامعباس، بیش از چندماه از ازدواجش نمی‌گذشت.

یادش جاودان و
آرامش پیروزباد

رفیق شهید، فدائی خلق

اکبر فخور

رفیق اکبر فخور در سال ۱۳۲۷ در محله حصیرآباد از محلات فقیرنشین اهواز متولد شد. دوران کودکی رفیق همچون دیگر فرزندان زحمتکشان در فقر و رنج و محرومیت طی شد و از این رو در کودکی برای امرار معاش و تامین مخارج خانواده‌اش در

مغازه شیشه‌بری کار می‌کرد او در نوجوانی با علم رهائی کارگران و زحمتکشان، با مارکسیسم - لنینیسم آشنا شد و پس از آن همواره در فکر رهائی خلق و تحقق آرمان والای طبقه کارگر بود و در این راه از هیچ کوششی بقیه‌در صفحه ۱۷

از کانال رژیم ددمنش صدام حسین انقلاب ما را هدف تهاجمات نظامی خود قرار داده، وی را به شهادت رسانید. هنگامی که گلوله توپخانه ارتش جنایتکار عراق به محل سکونت رفیق اصابت نمود و جان او و رفیق همراهش را گرفت دسته‌های اعلامیه و تراکت‌های مختلف شاخه خوزستان سازمان که مردم قهرمان شهر و اعضاء و هواداران سازمان را به پیکار با تجاوزات فاشیستی رژیم ضدمردمی صدام فراخوانده بود، هوا را می‌شکافت

یادش جاودان و آرامش
پیروزباد

★ رفیق شهید، فدائی خلق

سهیلا مستعان زاده

زرنگ آمادگی شرکت در هر گروه کمک‌رسانی و اعزام به هر منطقه سیل‌زده‌ای را داشت. چهره بشاش و سرزنده رفیق در هنگام فعالیت امداد رسانی به سیل‌زدگان خوزستان را هیچکدام از اطرافیان از یاد نخواهند برد. به هنگام آغاز تجاوز نظامی رژیم ضدمردمی صدام سهیلا به پیروی از موضع و رهنمودهای انقلابی سازمان در شهر ماند تا به کمک مردم جنگ‌زده به دفاع از استقلال و آزادی میهن بپردازد. اما توپ‌های دور زن ارتش جنایتکار عراق به رفیق فرصت نداد و در همان روزهای آغازین پیکار علیه امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم آمریکا که اینک

رفیق سهیلا در خانواده‌ای کارگری در شهر مبارزات درخشان ضد امپریالیستی کارگران و زحمتکشان ایران، آبادان، متولد شد. وی تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در همین شهر به پایان رسانید.

در جریان انقلاب شکوهمند خلق کبیرمسان فعالانه شرکت جست و تجربیات بسیار اندوخت. عشق بی‌پایان رفیق به زحمتکشان فقیر و تهیدست میهنمان، وی را بر آن داشت که فعالانه در گروه‌های امداد و کمک رسانی به سیل‌زدگان خوزستان در بهمن ۵۸ همراه با سایر هواداران سازمان شرکت نماید. رفیق سهیلا خستگی را نمی‌شناخت. زبر و

رفیق شهید

علی ابراهیمی

قسمت "حفاظت" شرکت ملی نفت ایران درآمد و تا آخر عمر در این قسمت به کار پرداخت. ابراهیمی در اعتصابات دوره قیام یارویاور "کارگران پیشرو" و دوست صمیمی آنها بود. زبانزد کارگران "حفاظت" آبادان است که در موقع اعتصاب کارگران کارآموز در محل "کارآموزان" علی به بهانه اینکه "مامور حفاظت" درب ورودی محل اعتصاب است، از ورود ارتشیان ضد خلقی که برای درهم شکستن اعتصاب به محل آمده بودند، جلوگیری به عمل می‌آورد. درگیری علی ابراهیمی با سرگردی که مامور درهم شکستن اعتصاب بود، هیچگاه از یاد همکارانش نخواهد رفت.

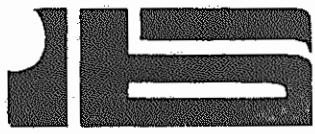
علی در سال ۱۳۹۹ (مقارن با کودتای انگلیسی رضاخان میرپنج) در روستای "واروی" از توابع لارستان متولد شد. پدر و مادرش را در ایام کودکی از دست داد. از این‌روی عمه‌اش سرپرستی او را برعهده گرفت.

در جوانی به آبادان، شهر مبارزات ضد امپریالیستی و انقلابی کارگران و زحمتکشان، آمد و در چرداغ (خرمپاک‌کنی) خرمشهر به کار پرداخت و پس از مدتی در دوره تسلط استعمارگران انگلیسی بر صنعت نفت به استخدام شرکت نفت درآمد. اما طولی نکشید که پس از ۶ ماه اشتغال به واسطه روحیه پیکارجویانه‌ای که داشت، پس از یک‌سری درگیری با رؤسا و مقامات انگلیسی شرکت، از قسمت تصفیه اخراج شد.

ولی پس از طی دوره کوتاهی بیکاری به استخدام

یادش جاودان و آرامش
پیروزباد

پیروزباد آرمان انقلابی رفقای شهید



خون رفقای ما سرزمین ...

بقیه از صفحه ۱۶

در کرانه‌های ...

بقیه از صفحه ۵

رفیق شهید، فدائی خلق اکبر فخور

در ریخ نداشت. بعد از تهاجم وحشیانه مزدوران عراقی و در پی زهنمود سازمان مبنی بر بسیج نیروها و به خدمت گرفتن تمامی امکانات. در امر دفاع از میهن، رفیق بی‌صبرانه به جبهه رزمندگان خونین‌شهر پیوست و بعد از وارد کردن ضرباتی جانانه در ریخ نداشت. بعد از تهاجم وحشیانه مزدوران عراقی و در پی زهنمود سازمان مبنی بر بسیج نیروها و به خدمت گرفتن تمامی امکانات. در امر دفاع از میهن، رفیق بی‌صبرانه به جبهه رزمندگان خونین‌شهر پیوست و بعد از وارد کردن ضرباتی جانانه

مهرماه در اثر اصابت ترکش خمپاره متجاوزین به شدت مجروح شد و یک دست و یک پای رفیق قطع گردید و در پی انتقال به بیمارستان طالقانی آبادان با افتخار زندگی را بدرود گفت. رفیق در آخرین لحظات زندگی غرورآفرین

خود وصیت کرد که مبلغ ۷۵ تومان موجودیش را که به خون سرخس آغشته شده بود به سازمان هدیه کنند. زندگی و مرگ رفیق نمونه بارزی از زندگی و مرگ یک کمونیست بود.

یاد او گرامی و راهش جاودان باد

★ رفیق شهید، فدائی خلق

جواد گنجی

رفیق جواد گنجی در یک خانواده نسبتاً فقیر به دنیا آمد. او از همان کودکی فقر را لمس کرده و با آن عجين شده بود. رفیق با آنکه راننده بیابان بود ولی دمی از مطالعه آثار کمونیستی و دستاوردهای مبارزات دیگر خلقها غافل نبود و آنچه را که می‌آموخت به دیگران منتقل می‌کرد و آن را یک وظیفه انقلابی می‌دانست. رفیق از میان زحمتکشان برخاسته و با آنان پیوندی ناگسستنی داشت. او بعد از تحمل عمری رنج و محرومیت، در بیابان‌های

اطراف ورامین سرپناهی برای خود ساخته بود و در کنار دیگر زحمتکشان، زندگی مشقت‌باری را می‌گذراند و همراه آنان در جریان انقلاب و قیام شکوهمند بهمن‌ماه با تلاش تحسین‌انگیز به نبرد امپریالیسم و رژیم منغور پهلوی برخاست و افسانه آنان را به زباله‌دانی تاریخ سپرد.

بعد از تجاوز اخیر عراق، او اعتقاد داشت که رهنمود سازمان را برآستی باید به درستی عمل کرد و هر کس در هر شرایطی و در خور آن شرایط می‌باید به نبرد خود برخیزد و خود نیز صادقانه در این راه رفت.

او از اولین داوطلبانی بود که به حمل وسایل و محمولات مورد لزوم به جبهه جنگ پرداخت و تا آخرین لحظات زندگی به رزمندگان جبهه یاری رساند و در اواخر مهرماه در حین انجام وظیفه میهنی و کمونیستی خود در جاده اراک تصادف کرد و با شهادت خود برگي دیگر بر تاریخ افتخارات سازمان افزود. ما ضمن درود بیکران به همسر و سه فرزند رفیق، یاد او را گرامی می‌داریم.

رفیق شهید

جمشید پرچی زاده

جمشید پرچی‌زاده در سال ۱۳۲۳ در آبادان به دنیا آمد و پس از گذراندن تحصیلات ابتدائی وارد "آموزشگاه حرفه‌ای" شد. طی سه سال دوره آموزشی از زمره ورزشکاران بنام آموزشگاه بود و پس از اتمام دوره فنی آموزشی وارد پالایشگاه آبادان شد و بعنوان کارگر رسمی به استخدام شرکت نفت درآمد. وی علاوه بر کار طاقت‌فرسا، شبها نیز درس می‌خواند تا اینکه به اخذ دیپلم متوسطه نائل آمد. جمشید در جریان قیام

توده‌ای بهمن همراه سایر رژیم ضد مردمی صدام، همزمانش فعالانه شرکت داشت و درجهت ادامه و گسترش اعتصابات نفتگران لحظه‌ای درنگ نوریذ. حرف جمشید، حرف نفتگران بود و حرف نفتگران حرف او. پس از پیروزی قیام بهمن از طرف کارمندان کارگاه مرکزی بعنوان نماینده شورای مرکزی کارمندان و خدمات آبادان انتخاب گردید و فعالیت مسئولانه خود را به عنوان یک نماینده متعهد دنبال نمود.

نامش خجسته و راهش پیروزباد

هفده سال آزرگار برای ساختن خانه خون جگر کشیدم. تمام زندگی من و خانواده‌ام در همین یک خانه شکل گرفته است. می‌نامم سقف خانه روی سرم خراب بشود ولی تن به مهاجرت نمی‌دهم. و مسافری که پهلوی دستش نشسته بود می‌گفت: تازه آقا! شما حساب بکنید یک عمه با شش هفت سر عائله بیاید ایل و تبار خود را بردارد به کجا بروند این غول زمستان که از خم ملاوی رد شوی نشسته و دندان قروچه می‌رود، مگر به همین مفتی است؟

چهار دقیقه پس از ساعت ۱۲ نیمه شب صدای انفجار وحشتناک توام با لرزش شدید بیمارستان، و شکستن شیشه‌ها همه را از خواب بیراند. تمام بیماران وحشت‌زده از تخت خود به بیرون جهیده و در راهرو می‌دویدند. شهر آبستن مصیبت تلخ دیگری شد. یک حمله موشکی ناجوانمردانه از نوع جدید.

بی‌شک جنبنده‌ای از هجوم موشکی با آن قدرت تخریبی مرگبار جان سالم بدر نبرده بود. خیال مجروحانی که به طرف بیمارستان سرازیر شدند یا آنانی بودند که در اثر شکستن پنجره‌ها قطعات تیز شیشه در بدنشان فرو رفته بود و یا در هوای آزاد در برابر موج انفجاری دچار سوختگی شده بودند.

در اطاق عمل بیمارستان بسیار بودند زنان آبستن، کودکان و پیرمردان کسه شیشه‌های شکسته شکم و گردن آنان را دریده بود.

آن شب تا صبح روی مجروحین کار می‌کردیم. صبح به طرف مناطقی که موره حمله قرار گرفته بود رفتیم.

در میان تلی از خشت و تیر آهن، بولدوزر می‌زد و سر

بریده کودک شیرخواره‌ای را که پستانکی در دهان داشت در می‌آورد و یا دستها و پاهای قطع شده و خاک آلود و بی‌هویت.

یکی از این موشک‌ها پرتاب شده بود درست در یک منطقه پرسکه از جمعیت فقیر با خانه‌های تنگ درهم فشرده و دیوارهای سست که غوغائی بپا کرده بود.

پنج منطقه از شهر را که تحت حمله قرار گرفته بود دیدیم. قدرت تخریب موشک را می‌شد از اصابت یکی از آنها به وسط جدول یخیابان ۴۵ متری که گودالی به عمق چندین متر و مساحت ده در بیست متر ایجاد کرده بود، حدس زد و این موشک شاید با معرفت‌تر از موشک‌های دیگر بود که از فرود آمدن بر فرق پاره‌ترین مردم شهر شرم کرده بود!

از آن پس هاله غم‌باری در فضای شهر نشست. آفتاب که می‌شکست، کابوسی شهر را فرا می‌گرفت و باز مردم از هراس حمله فاجعه‌آمیز چشم به آسمان می‌دوختند.

آنهایی که شادون (زیر زمین) امنی نداشتند، می‌زدند و می‌رفتند به باغات اطراف و شب را در گوشه‌ای از بیسه و یا بیابان بیتوته می‌کردند و صبح از نو به کار و کسب خود باز می‌گشتند اینجا دیگر کسی برای ذخیره نان و تخم مرغ حرص نمی‌زد. در طول راه و بیراهه که از شهر بسوی لرستان یا روستاهای اطراف می‌رفت، دسته دسته مردم با کوله‌های از بار سفر بر پشت، در حال کوچ بودند و کوچ غم‌انگیزی بود.

ولی رزمندگان و تمام آنهایی که توانی در بدن داشتند. می‌ماندند و می‌جنگیدند.

"از یادداشت یک امدادگر فدائی"

یادشیدان
به خون خفته خلق
گرامی باد

جنازه این کارگر مبارز را روز شنبه ۱ آذر ۵۹ به کرج منتقل و همان روز به خاک می‌سپارند. در مراسم تدفین وی عده‌ای از پرسنل شرکت، حضور داشتند و یاد این زنده‌یاد را گرامی داشتند. ناصر زمردیان عضو انجمن اسلامی شرکت پنها بود.

داشت، به همراه ۱۵ نفر دیگر از کارگران مبارز و انقلابی این شرکت برای نبرد با امپریالیسم امریکا و رژیم متجاوز بعث عراق به جبهه‌های جنگ رفته بود که در سوسنگرد هنگام دفاع از انقلاب و میهن انقلابی به شهادت می‌رسد.

پس از بیماران هوایی هواپیماهای عراقی، در تاریخ ۱۵ مهر که باعث شهادت دو نفر از پرسنل انقلابی شرکت پنها شد، این شرکت شهید دیگری بیای انقلاب خونبار توده‌های زحمتکش میهنمان تقدیم داشت. این شهید که "ناصر زمردیان" نام

شهیدی
دیگر از شرکت
پشتیبانی و نوسازی
هلی‌کوپترهای ایران
(پنها)

اخراج کارگران مبارز

اقدامی نفاق افکنانه و ضد انقلابی است

کارگران پیشرو گیلان در رابطه با اخراج برخی از کارگران مبارز کارخانه‌های رشت طی اعلامیه‌های سیاست‌های انحرافی و ضد کارگری ناظر بر اینگونه اقدامات را محکوم کرده و عاملین این اقدامات خیره‌سرانه و غیر مسئولانه را نسبت به نتایج مخرب و وحدت‌شکنانه آن هشدار دادند که ذیلاً قسمت‌هایی از آن را نقل می‌کنیم:

"در شرایطی که برای مبارزه با توطئه‌های امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا و مقابله با تجاوزات رژیم ضد مردمی صدام می‌بایست در جهت تقویت وحدت مردم کوشید و از هر حرکتی در خلاف جهت آن، فقط امپریالیسم و دشمنان انقلاب سود می‌برند مسئولین استانداری گیلان در ادامه سیاست‌های خود، دست به اخراج تعداد دیگری از کارگران و کارکنان انقلابی می‌زنند. هنوز مدت زیادی از اقدامات ضد کارگری هیئت پاکسازی استان گیلان نگذشته است و هنوز کارگران گیلان با خشم و نفرت از آن یاد می‌کنند. تاکنون طی روزهای جنگ از کارخانه فومنات یکی از اعضای مبارز شورا توسط "آرامی" رستاخیزی سابق و معاون فعلی استاندار و "شورا"ی او، اخراج شده و بعلاوه از کارخانجات فیبر رویال، ایرپرسلان، ببا،

دوغ صفا، یارلون و ورزیده‌کار نیز تعدادی از کارگران مبارز با تائید استانداری از کار برکنار شده‌اند. کارگران آگاه و مبارز کارخانجات از خود می‌پرسند مگر مسئولین جمهوری اسلامی نمی‌دانند که امروز بیش از هر زمان دیگر مردم به وحدت و یکپارچگی احتیاج دارد؟ آیا این اقدامات هیچ ثمری بجز تضعیف جبهه انقلاب و خدمت به امپریالیسم دارد؟ کارگران مبارز و آگاه همانطور که از اقدامات انقلابی و مترقی حاکمیت در جهت مبارزه با امپریالیسم و ایادی او حمایت می‌کنند، از اختناق در کارخانجات نفرت داشته و علیه آن مبارزه خواهند نمود. امروز هیچ فرد آگاه و مبارزی نیست که از اخراج "صوفی" مدیر عامل لیبرال-کارخانه "ایران کف" توسط مسئولین استان راضی نبوده و این حرکت را مورد حمایت قرار ندهد. کسی نیست که از دستگیری "ملک فرنود" عضو جبهه ملی و نماینده مجلس شورای ملی احساس خوشحالی ننماید. زیرا ضربه‌زدن به این عناصر یعنی ضربه‌زدن به جبهه سرمایه‌داران و عوامل آنها و طبیعتاً از طرف همه نیروهای مترقی و ضد امپریالیست مورد حمایت قرار خواهد گرفت لکن کارگران مبارز توسط افرادی چون "محسنیان" مدیر عامل کارخانه ایرپرسان که همواره

آشکارا از آمریکا دفاع کرده است، یا "مهرکیش" صاحب کارخانه دوغ صفا که سابقه کلاهبرداری او بر هیچکس پوشیده نیست اخراج می‌شوند. "مهرکیش" بعد از کلاهبرداری‌هایش، کارخانه را به ورشکستگی کشانده و فرار کرده بود ولی بعدها با آوردن دست‌خطی از آقای "کنی" و با همکاری "اعتضادی" رئیس سازمان گسترش و... گیلان به کارخانه بازگشته و تعدادی از نمایندگان شورا را که با تلاش‌های شبانه‌روزی خود توانسته بودند کارخانه را به راه‌انداخته و تولید را تداوم بخشند، از کارخانه اخراج می‌نمایند. وقتی که اعمال ضد کارگری اینگونه عناصر مورد حمایت استانداری و سایر مقامات "مسئول" قرار گیرد، طبیعتاً مورد اعتراض همه کارگران و نیروهای انقلابی قرار خواهد گرفت.

اقدامات ضد کارگری مسئولین جمهوری اسلامی که در خدمت انقلاب و توده‌ها نبوده و نیست هیچگاه نمی‌تواند در اراده آهنین کارگران خلیلی وارد نموده و کارگران مبارز و انقلابی هشیارتر و مصمم‌تر از پیش با همه توطئه‌های امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، مبارزه کرده و ثابت می‌کنند که چه در جبهه‌های جنگ و چه در سنگر کارخانه، پیش‌تاز انقلاب خواهند بود."

۴۰ تعمیرکار شرکت واحد

به جبهه اعزام شدند

روز پنجشنبه ۲۲ آبان ۵۹ در رابطه با احتیاج جبهه جنگ به تعمیرکاران با تجربه ۴۰ تن از کارگران مبارز و انقلابی شرکت واحد که از مدتها قبل آمادگی خود را برای اعزام به جبهه و ترمیم و بازسازی ادوات آسیب‌دیده جنگ اعلام کرده بودند با شوری بی‌شائبه و غرور انگیز به

هم درنگ را جایز ندانستند و داوطلب خدمت در جبهه شدند. هنگام اعزام این کارگران دیگر کارگران تعمیرگاه شماره ۳، دوستان اعزامی‌شان را طی ابراز احساسات شورانگیزی بدرقه کردند.

*

حمایت کارگران پلی اکریل اصفهان

از هم میهنان جنگ زده

غذاخوری کارخانه از طرف کارکنان به مدت یک هفته و اختصاص و ارسال مواد اولیه غذایی این مدت برای جنگ زدگان کشور (که در این مورد قرار شد مسئولین کارخانه مقدار مصرفی ۵ روز رستوران (ناهار و شام) را حساب کرده و به جبهه‌های جنگ و هم میهنان جنگ زده ارسال نمایند و در این مدت نیز غذاخوری کارخانه به کار خود ادامه دهد)

۳- انتخاب ۵ نفر از کارکنان جهت رسیدگی به وضع خانواده‌های جنگ‌زده‌ای که فعلاً در اصفهان ساکن شده‌اند. در این رابطه نمایندگان فوق کمکهای جنسی ارسالی را نیز جمع‌آوری نموده و در خصوص تهیه مسکن و سایر اقدامات ممکن و ضروری هم میهنان جنگ زده را یاری می‌رسانند.

کارگران و کارمندان مبارز شرکت ملی "پلی‌اکریل" اصفهان همانند دیگر کارگران ایران، چه در سنگرهای جنگ و چه در سنگرهای تدارکاتی پشت جبهه، فعالانه شرکت دارند طی هفته‌های اخیر علاوه بر اعزام ۳۷۴ تن از آنان به جبهه‌های نبرد، اقدامات حفاظتی کارخانه و آموزش‌های نظامی و امداد، شاهد ارسال کمک‌های اقتصادی و تدارکاتی همه جانبه‌ای نیز بوده‌ایم که نمونه‌هایی از آن را ذکر می‌کنیم:

۱- پرداخت ۱ تا ۳ روز از حقوق خود به هم میهنان جنگ‌زده و افتتاح یک شماره حساب در بانک تجارت، شعبه کارخانه به منظور تداوم این کمکها.

کارگران داوطلب چاپخانه کیهان:

«در این جنگ تحمیلی باید پوزه

امریکا و عراق را به خاک بمالیم»

روز شنبه دهم آبان ماه به مناسبت اعزام ۱۵ تن از کارگران چاپخانه کیهان به جبهه جنگ، مراسم تودیع و بدرقه پرشکوهی برگزار شد که در آن اکثر کارکنان روزنامه کیهان شرکت داشتند. در این مراسم ابتدا یکی از کارگران اعزامی، طی سخنرانی کوتاهی ضمن تشریح علل تجاوز رژیم صدام گفت:

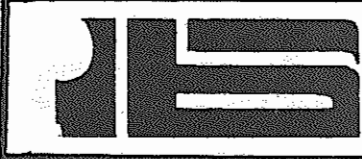
"در این جنگ تحمیلی باید پوزه آمریکا و عراق را به خاک بمالیم"

کارگر دیگری در حالیکه از فرط هیجان چهره‌اش برافروخته شده بود، گفت:

"من درست بلد نیستم صحبت کنم و بگویم چرا می‌روم، اما حرف دلم این است که ما از غارتگری‌های

شاه راحت شدیم و حالا آمریکا به وسیله عراق می‌خواهد ما را خفه کند و من که چیزی بجز جانم ندارم این را می‌دانم که باید بروم و جانم را در این راه بدهم"

سپس چند تن دیگر از کارگران و کارمندان مبارز کیهان طی سخنرانی‌هایشان ضمن محکوم کردن توطئه‌های جنگ‌افروزان امپریالیسم و رژیم ضد مردمی صدام بر وظایف انقلابی خطبری که نیروهای انقلابی و به‌ویژه کارگران ایران بر عهده دارند، بار دیگر تأکید نمودند. این مراسم با بدرقه پرشور کارگران اعزامی به جبهه و در خروش فریادهای پرتنین "مرگ بر آمریکا، مرگ بر صدام" پایان گرفت.



هیئت ۷ نفره واگذاری زمین و محکوم ساختن یکی از فتوادل‌های منطقه تهیه کردند. این فتوادل مدتی قبل به دفتر آیت‌المنظری و آیت‌الخمینی رفته و خود را مسلمان و متعهد و مردم را ضدانقلاب معرفی کرده بود. تلاش‌های آیت‌اله ربانی در دفاع از خوانین مورد مخالفت برخی نهادهای مرفقی جمهوری اسلامی نیز قرار گرفته و آنها همچنان خواهان مبارزه با آنها می‌باشند. فرمانده سپاه پاسداران شیراز پس از پخش اطلاعیه‌ای از جانب خسرو خان و ناصرخان (ظاهرا در حمایت از جمهوری اسلامی و جنگ علیه عراق) گفت:

"خسرو قشقای نامهای به این مضمون برای ما فرستاده که حاضر است تمام نیروهای خود را برای مقابله با بعث عراق به مرز بفرستد. این دروغی بیش نیست و خان می‌خواهد از این طریق به عمل شوم خود و نفوذ در ارگان‌های مملکتی جامعه عمل بپوشاند. به تمام ارگان‌ها نظیر استانداری و غیره می‌گوئیم که به هیچوجه با خسرو قشقای مذاکره نکنند"

هیئت واگذاری زمین فیروز آباد نیز ضمن صدور اطلاعیه‌ای، خان‌های قشقای را عوامل امریکائی معرفی کرده است. در این اطلاعیه تلاش‌هایی که در جهت مصالحه و سازش با خوانین صورت می‌گیرد، محکوم شده است.

عملکرد ۲ ساله خوانین و تماس‌های مداوم رهبران آنان با شبکه‌های ضدانقلابی خارج از کشور نظیر بختیار خائن، بهترین گواه دشمنی کینه توزانه آنها با انقلاب و مردم زحمتکش ایران است. زحمتکشان و عشایر منطقه فارس که سالها زیر ستم و ظلم وحشیانه خوانین رنج کشیده‌اند، هیچ حرکتی را از طرف جمهوری اسلامی به منظور مصالحه با خوانین و سران عشایر نخواهند پذیرفت آنها این عمل را به معنای آزاد گذاردن دست ایمن چپاولگران در ادامه غارتگری‌های خود و تهدید مداوم انقلاب می‌دانند.

زحمتکشان و عشایر منطقه فارس معتقدند مبارزه با خوانین، دستگیری و محاکمه آنان، تقسیم زمین‌هایی که این دشمنان انقلاب از دسترنج مردم ستمدیده به دست آورده‌اند، به معنی ضربه دیگری بر پیکر امپریالیسم امریکا و عوامل داخلی آن می‌باشد.

گزارشی از مبارزات زحمتکشان منطقه فارس علیه خوانین : در سنگر عشایر، نه تسلیم، نه سازش، نبرد با آمریکا، نبرد با خوانین

سخنرانی طاهری را قطع کرده و مسجد را به جلسه بازپرسی و محاکمه طاهری و آیت‌اله ربانی تبدیل کردند. در این جلسه همدستی عناصری از جمهوری اسلامی با خوانین در جریان درگیری‌های بابا منیر، انتخابات مجلس و... فاش شد. در روز ۱۴ آبان حجت‌الاسلام محلاتی نماینده امام در سپاه پاسداران بعد از تماس با آیت‌الرهبانی به فیروزآباد رفته و در هنگ ژاندارمری راجع به مسئله خوانین و رفتن آنها به گرمسیر سخنرانی کرد. او ضمن حمایت از خوانین گفت:

"بالاخره آنها باید به منطقه گرمسیر بروند و امکانات از جمله بنزین و غیره هم برایشان فراهم گردد." اقدامات اخیر خوانین و فعالیت‌های آیت‌اله ربانی با عکس‌العمل‌های جدی زحمتکشان و عشایر منطقه مواجه شده است. در تاریخ ۷ مهر تظاهراتی در "قبر" برگزار شد و مردم علاوه بر محکوم کردن عراق‌شاعرهایی علیه خوانین می‌دادند.

مردم قبر یکصدا فریاد می‌زدند:

ناصرخان قشقای،
جلاد قرن بیستم
اعدام باید گردد
و "خسروخان تواز مردم
جدائی، ضد دین و
خدائی"

در فیروزآباد درست در روز حرکت و جابجائی خوانین، مردم به خیابان‌ها ریخته و تظاهرات نسبتا وسیعی علیه خوانین و احتمال ورود آنها به شهر ترتیب دادند. در شهرها در روز ۶ آبان ماه، مردم منطقه در دشت و عشایر دره‌شوری در میدان طالقانی شهر جمع شده و به دعوت سپاه‌پاسداران به یک تظاهرات مسلحانه دست زدند. آنها شعار می‌دادند:

"رهبران، رهبران ما را
مسلح کنید"
"عشایر، عشایر بیا که
وقت جنگ است، جواب
غارتگران گلوله و تفنگ
است"
"در سنگر عشایر، نه
تسلیم نه سازش، نبرد
با امریکا، نبرد با
خوانین"
مردم سپس ۲ طومار در تائید

این منطقه علیه مردم و انقلاب استفاده کند. به همین جهت است که مصالحه با خوانین و طرفداری از آنها همه‌جا با شادمانی و استقبال لیبرال‌ها، روحانیت طرفدار سرمایه‌داران و زمین‌داران و همه طرفداران خط‌سازش قرار گرفته است.

طرفداری از خوانین به هر بهانه‌ای که صورت گیرد به معنای ادامه فشار و ظلمی است که بر زحمتکشان و عشایر تحت ستم این منطقه می‌رود و به معنی ضدیت و دشمنی با خواست‌ها و مطالبات مردم محروم این منطقه و همه مردم زحمتکش میهنمان می‌باشد. زحمتکشان و عشایر منطقه فارس که سالها فشار و زورگویی خان‌هایی را که زندگی انگل‌وار آنها بار سنگینی بر دوش مردم است، تحمل کرده‌اند. از سیاست‌های جمهوری اسلامی در جهت نزدیکی با خوانین به خشم آمده‌اند. تلاش‌های آیت‌الرهبانی در جهت دفاع از آنها در همه‌جا با مخالفت مردم زحمتکش و عشایر آگاه منطقه روبرو شده است. در اعلامیه‌ای که از طرف "مردم مسلمان فیروز آباد و عشایر حومه" منتشر شده است، ضمن حمله به خوانین بعنوان نوکران امریکا آمده است "متأسفانه نماینده امام جناب ربانی شیرازی توسط خوانین اغفال شده‌اند."

آیت‌الرهبانی ابتدا برای خوشایند خوانین فعالیت هیئت‌های ۷ نفری زمین را تا اطلاع ثانوی موقوف کرده و گفته است که رسیدگی به دعاوی ارضی و اختلاف بر سر بهره مالکانه بعدا صورت خواهد گرفت! پس از آن در روز ۲۷ مهر مهندس طاهری (فرمانده پیشین سپاه پاسداران فارس و نماینده کارزون در مجلس) به نمایندگی از آیت‌الرهبانی به فیروزآباد رفته و طی سخنرانی در مسجدالنبی کوشش می‌کند رضایت مردم را در مورد سازش‌هایی که در پشپ برده با خوانین صورت گرفته جلب کند. او گفته است دشمن اصلی ما صدام حسین و منافقین هستند و مسئله خوانین را نباید عمده کرد! مردم فیروزآباد از ایر سخنان به خشم آمده،

فعالیت علیه جمهوری اسلامی وادارد. این اقدامات درست زمانی صورت می‌گیرد که یک نفر در اردوی خوانین برای تفنگچی‌ها سخنرانی کرده و رسماً گفته است "ما تا سرنگونی این حکومت مبارزه خواهیم کرد" وی از عشایر نبوده و کسی نیز او را نمی‌شناخته است. این شخص بعد از سخنرانی خود مخفی شده است. در اردوی خوانین که اکنون در بلوک خواجه‌ای نزدیک دهکده مرادآباد واقع شده حدود ۳۰۰ الی ۴۰۰ نفر وجود دارند که اکثرا مسلح می‌باشند چندی قبل نیز (۸ مهر) شخصی بنام عباسقلی پور عباس، ۳۰ قبضه سلاح ژ. ۳ و یوزی و کلاشینکف را از شخصی بنام مشهدی سرمست پورعباس تحویل گرفته و به اردوی خوانین برده است. هواداران سازمان ما در فیروزآباد این موضوع را به پاسداران اطلاع داده‌اند ولی سپاه تاکنون هیچگونه اقدامی به عمل نیاورده است.

در برابر این اقدامات ضد انقلابی خوانین و سران عشایر در فارس که هدفی جز سرکوب و نابودی انقلاب را دنبال نمی‌کنند، رژیم جمهوری اسلامی نه تنها اقدامی جدی به عمل نیاورده بلکه عملا دست به مصالحه با خوانین زده است. سپاه پاسداران منطقه نیز که در گذشته مواضع ضد فتوادی داشت، اکنون دارای آن مواضع ضد فتوادی گذشته نیست. تلاش‌های سازشکارانه و سیاست دوستی با خوانین تحت رهبری آیت‌اله ربانی نماینده امام در منطقه به پیش برده می‌شود.

تردید نیست که هرگونه دوستی با خوانین و یا طرفداری از آنها که دشمنی‌شان با انقلاب مردم میهن ما به اثبات رسیده، متضمن خطرات جدی برای انقلاب ضد امپریالیستی توده‌های مردم خواهد بود اینگونه سیاست‌های جمهوری اسلامی به امپریالیسم امریکا امکان می‌دهد تا مناطق عشایری را همچنان بعنوان کانون‌های توطئه‌گرانه خود حفظ کرده و در مواقع لزوم از نیروی ضدانقلابی خوانین

بدنبال آغاز جنگ میان ایران و عراق، خوانین ضد انقلابی فارس فعالیت‌های ضدانقلابی خود را تشدید کرده‌اند. آنها می‌کوشند با استفاده از موقعیت پیش آمده و بروز جنگ امتیازات بیشتری از رژیم جمهوری اسلامی در جهت آزادی عمل فعالیت‌های مخرب خود در منطقه کسب کنند. اخبار موجود نشان می‌دهد که خوانین قصد دارند کوچ سالیانه خود به گرمسیر را به نمایش گذاردن قدرت خود برگزار کنند. بطوریکه یک نفر را به گرمسیر فرستاده و از خوانین دیگر از جمله داریوش نجفی و حمید موصولو خواسته‌اند که با تفنگچی‌های خود به فیروزآباد بیایند. این دو تن به طرف کوه "پی‌دنا" فیروزآباد حرکت کرده‌اند. از سوی دیگر جلال و تیمور گورگانی دوتن از سران عشایر که در غرب فیروزآباد مستقر بوده‌اند و داریوش بهادری که در شمال غربی فیروزآباد اسکان دارد به طرف اردوی خسرو و ناصر قشقای حرکت کرده‌اند. در تاریخ ۲۱ مهر خوانین قشقای همراه با کلانتران، کدخدایان و ساواکی‌ها از طریق جاده فیروزآباد به "جوگان" به منطقه "خیار سوخته" رفته و در پنج کیلومتری روستای حاجی‌آباد چادر زده‌اند. آنها تعداد ۷۵ اتوموبیل، چند دستگاه کمپرسی و بنز خاور و احتمالاً یک تانکر بنزین در اختیار داشته‌اند. سپاه پاسداران چندین منطقه حساس تنگاب فیروزآباد و دو راه "بند خفرک" از طرف جاده اصلی و همچنین گردنه محمودآباد را بسته اما تاکنون دست به اقدامی علیه خوانین زده است.

اینگونه "خط و نشان کشیدن" که به منظور ارباب مردم زحمتکش منطقه و قدرت نمائی در برابر جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد در ارتباط تنگاتنگ با فعالیت‌های توطئه‌گرانه محافل ضدانقلابی داخل و خارج کشور قرار دارد. اخیرا شخصی بنام هوشنگ بختیاری است، از طرف این مزدور امپریالیسم امریکا ماموریت یافته که با خوانین و سران عشایر تماس حاصل کرده و مقادیر زیادی اسلحه و مهمات تهیه کند و سپس به هر یک از اهالی تحت نفوذ خوانین یک قبضه اسلحه و ۳۰ هزار تومان پول نقد داده و آنها را به

تأمین خواست های برحق رانندگان تاکسی به سود انقلاب است

اصرار در اخراج معلمان آگاه و مبارز خدمت به ضد انقلاب است

هموطنان مبارز!
مردم آگاه و شرافتمند مازندران!

اکنون چند ماه است که از شروع "پاکسازی" در آموزش و پرورش می‌گذرد. امر پاکسازی گرچه در آغاز، عمدتاً متوجه عناصر وابسته به رژیم سابق بود، اما بتدریج متوجه معلمان انقلابی و زحمتکش گردید. بگونه‌ای که در اوائل مهرماه صدها تن از اینگونه معلمان بنام "پاکسازی" از خدمت به هموطنان خود در آموزش و پرورش محروم شدند. این معلمان اخراجی از جمله کسانی بودند که در طول خدمتشان همواره به عنوان دلسوزترین و زحمتکشترین معلمان مدارس، مورد احترام دانش‌آموزان و اولیاء آنها بوده‌اند و برخی از آنها در سخت‌ترین شرایط، در سیاهچال‌های رژیم گذشته شکنجه دیده و رنج سالها اسارت را مردانه تحمل کردند.

بدنبال این عمل غلط و بی‌منطق مسئولین دولتی، موج اعتراضات مردم و شکایات معلمان مبارز اخراجی چنان بالا گرفت که دولت در بخشنامه‌ای که در تاریخ ۱۶ مهر صادر کرد، اعلام نمود "تصمیمات هیئت‌های پاکسازی بعد از تاریخ ۶ شهریور ۵۹ مطلقاً جنبه قانونی ندارد. و چنانچه کسی در این مورد اقدام نماید، تحت تعقیب قانونی قرار خواهد گرفت."

اما علیرغم این بخشنامه صریح و روشن، مسئولین دولتی در مازندران هر یک به بهانه‌ای از بازگشت معلمان مبارز اخراجی به مدارس جلوگیری کرده و از اجرای بخشنامه خودداری نمودند. بعنوان مثال دادستان انقلاب اسلامی مازندران که مسئولیتش نظارت بر اجرای دزست قوانین است خود در قانون شکنی پیشقدم شده، طی نامه‌ای به هیئت پاکسازی می‌نویسد که "فعلاً... حکم آماده به خدمت صادر بنمائید!"

اکنون برای مردم آگاه مازندران این سؤال مطرح شده است که آیا بخشنامه دولت برای ظاهرسازی صادر شده است و یا مسئولین دولتی استان مازندران، دولت آقای رجائی و مجلس شورای اسلامی را به رسمیت نمی‌شناسند و خود در اینجا حکومتی مستقل و قوانین مخصوص به خود دارند؟

ما اعتقاد داریم که مقامات مسئول دولت و مجلس و به ویژه مقامات مسئول در مازندران باید به این سؤال مردم صراحتاً پاسخ دهند تا پرده‌ها به کنار رفته و مردم چهره نفاق‌افکنان و وحدت‌شکنان را بهتر بشناسند و بدانند که چه کسانی در این شرایط حساس که میهن انقلابی ما از هر طرف مورد هجوم وحشیانه امپریالیسم امریکا و رژیم ضد مردمی صدام قرار گرفته و ضرورت وحدت و اتحاد عمل نیروهای مترقی و ضدامپریالیست بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود، با اعمال تفرقه‌افکنانه خود به مبارزات خونین مردم آسیب می‌رسانند.

ما همانگونه که بارها اعلام کرده‌ایم، همواره به پاکسازی در کلیه ادارات دولتی به‌ویژه آموزش و پرورش معتقد بوده‌ایم. لیکن اعتقاد داشته و داریم که امر پاکسازی فقط باید شامل حال کسانی شود که پرونده آنان سرشار از دزدی، اختلاس، ترویج فساد، همکاری با ساواک و حزب کثیف رستاخیز و... بوده است. اکنون نیز یکبار دیگر بر مواضع خود پای فشرده اعلام می‌داریم که دولت باید بدون درنگ معلمان مبارز و انقلابی اخراجی را چه آنها که قبل از ۶ شهریور "پاکسازی" شده‌اند و چه آنها که بعد از این تاریخ از کار برکنار شده‌اند، بر سر کار بازگرداند و از آنان اعاده حیثیت نماید و به همراه آن پاکسازی آموزش و پرورش از عناصر فاسد را قاطعانه به انجام رساند.

گسترده باد همکاری و همگامی همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند
مرگ بر امپریالیسم جهانی بسز کردگی امپریالیسم امریکا

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)
شاخه مازندران

۱۵ آبان ماه ۱۳۵۹

تعاونی) رانندگان با ارائه یک برگ کوپن به پمپ بنزین (بدون پرداخت وجه) سهمیه بنزین خود را دریافت کنند و به این ترتیب از اتلاف وقت و سوء استفاده‌های احتمالی نیز جلوگیری شود و باعث تشدت و تفرقه در میان صفوف زحمتکشان نشود.

یکی از تاکسیرانان آگاه و مبارز می‌گفت:
"چرا آقای نخست‌وزیر به نحو صریح و روشن، حقیقت را با زحمتکشان و تاکسیرانان در میان نمی‌گذارد؟ آقای رجائی در تلویزیون اعلام می‌کند که بانکها هزار تومان بعنوان علی‌الحساب به رانندگان تاکسی پرداخت کنند ولی با مراجعه ما به بانکها، مسئولین بانکی می‌گویند هیچ دستورالعمل کتبی‌ای که حاکی از پرداخت این پول باشد، به ما نداده‌اند. آیا دولت با اینگونه رفع تکلیف کردنها و دنبال نخود سیاه فرستادن‌ها باز هم حق دارد انقلابیون بنالد؟"

یکی دیگر از رانندگان زحمتکش استدلال می‌کرد که:
"اگر دولت به این مابه‌التفاوت بنزین تاکسی‌ها احتیاج دارد چرا این را صراحتاً اعلام نمی‌کند و اگر غیر از این است پس مسامحه‌ای که در پرداخت طلب ما صورت می‌گیرد، چه دلیلی دارد؟"

آری! تاکسیرانان زحمتکش حق دارند این چنین استدلال کنند زیرا روشن است که کسری بودجه دولت را قبل از آنکه بتوان از این طریق (یعنی افزایش فشار بر زحمتکشان) تأمین کرد، با مصادره و ملی کردن سرمایه‌های بزرگ و خلع ید از سرمایه‌داران و تجار محنکر قابل تأمین است با وجود این چنانچه انقلاب ایران در روزهای دشوار آتی‌اش، به پایمردی و ایثار انقلابی بیشتری از جانب زحمتکشان نیاز داشته باشد (که بطور قطع دارد) تنها کارگران و زحمتکشان هستند که ضرورت‌های خطیر روزهای بسیار سخت‌تر از این را نیز با شایستگی پاسخگو خواهند بود.

بپذیرد که حمایت از منافع تاکسیرانان زحمتکش جزئی از مصالح انقلاب است و نه چیز دیگر. دولت باید قبول کند که تحکیم انقلاب، تقویت بنیه مالی دولت، ترمیم تراز پرداخت‌ها و... به

افزودن بر سنگینی بار زحمتکشان جامعه بلکه اساساً با مصادره و ملی کردن سرمایه‌های بزرگ و وابسته و بویژه ملی کردن تجارت خارجی بطور کامل و خلع ید تجار و سرمایه‌داران بزرگ از هستی و منافع زحمتکشان تحقق پذیر است. هم‌اکنون به عینه می‌بینیم که تاکسیرانان زحمتکش با پرداخت ۲ تومان اضافه قیمت بنزین، متحمل فشار بیشتری شده‌اند. ذکر این نکته ضروری است که در بسیاری موارد بر روی یک تاکسی بیش از یک نفر کار می‌کند و در واقع حداقل دو خانواده از این وسیله امرار معاش می‌کنند. با توجه به اینکه کمبود و گرانی لوازم یدکی و روغن موتور خاموشی شبانه و... نیز در کاهش درآمد این صنف زحمتکش تأثیر مستقیم گذاشته است، لذا تاکسیرانان انتظار دارند که دولت به صدور دستورالعملی شفاهی بسنده نکرده بلکه پرداخت مابه‌التفاوت افزایش قیمت را که از نظر اداری نیز به سهولت امکان‌پذیر است عملی سازد. پیشنهاد مشخص تاکسیرانان این است که:

"احتیاجی به پرداخت این پول به این شکل که تا بحال دولت معین کرده، نیست. درست آنست که رانندگان با ارائه همین کوپن‌ها که با رنگ مجزائی چاپ شده است، قیمت سابق را پرداخت کنند."

تاکسیرانان پیشرو مشهد در این رابطه پیشنهاد زیر را ارائه داده‌اند:
"برای مصرف بنزین روزانه تاکسی، آن مقدار کوپن که ارزش ۳۰ لیتر بنزین را در مجموع دارند، در نظر گرفته شود و این کوپن‌ها از طرف شرکت تعاونی تاکسیرانی بین رانندگان توزیع گردد و بهای آن نیز از قرار لیتری ۱۰ ریال از رانندگان دریافت شود (توسط شرکت

افزایش قیمت بنزین که در رابطه با بحران اقتصادی و نیازهای مالی دولت اعلام شد، تأثیری بلاواسطه بر وضع معیشتی دهها هزار تاکسیران زحمتکش سراسر ایران برجای گذاشت. پس از اعلام افزایش قیمت بنزین، از آنجا که رانندگان تاکسی قریب ده ماهه - التفاوت افزایش قیمت پیشین (از ۶ ریال به ۱۰ ریال) را از دولت طلبکار بودند به وعده‌های اولیه و شفاهی مسئولین مملکتی اعتمادی نشان ندادند و موج اعتراضات سراسری تاکسیرانان به اشکال مختلف از اعتصاب چندصد نفره و کوتاه مدت در تهران، اصفهان و مشهد گرفته تا شکایت و کم‌کاری و گله‌مندی‌های شفاهی نمایان شد. در اجتماع اعتراض آمیز ۲۰۰۰ تن از تاکسیرانان تهران در مقابل شرکت تعاونی تاکسیرانی، مسئولین دولتی بجای حضور در میان تاکسیرانان معترض و پاسخگوئی اصولی و منطقی به خواسته‌هایشان، افراد مسلح کمیته‌ها را به محل گسیل داشتند که برخورد غیر مسئولانه و نادرست سرگروه افراد اعزامی وزارت کشور و دادستانی با تاکسیرانان، نه تنها به حل مسئله کمکی نکرد بلکه متقابلاً با دامن زدن به تحریکات و کشاکش‌های انحرافی، جو را متشنج‌تر کرد.

تجمع اعتراضی تاکسیرانان پس از چند ساعت مذاکره نمایندگان تاکسیرانان با مسئولین دولتی و بدنبال وعده حل مشکل تاکسی‌رانان توسط مسئولین پایان یافت. با توجه به فشار تورمی قیمت‌ها و گرانی ارزاق که چیزی جز فشار همه‌جانبه سرمایه‌داران و تجار بزرگ بر کارگران و زحمتکشان مانع است و از آنجا که دفاع از انقلاب چیزی جز حمایت همه‌جانبه از منافع کارگران و زحمتکشان در برابر تهاجمات گسترده اقتصادی، نظامی و سیاسی ضدانقلاب یعنی سرمایه‌داران زمین‌داران و تجار بزرگ نیست و بطور خلاصه دفاع از انقلاب، دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان است، از این رو دولت منطقاً باید

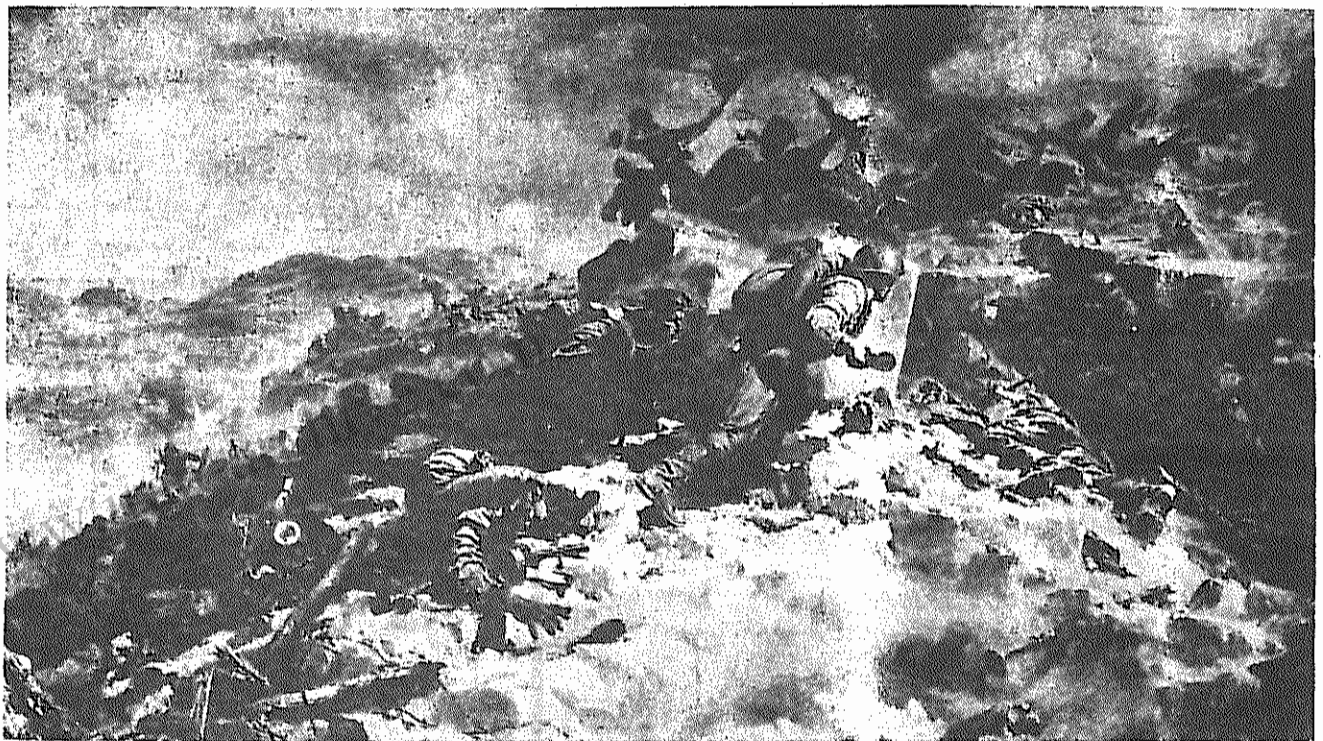
بقیه از صفحه ۹

حماسه مقاومت ...

نمودند تا راه چاره اختلال در رشد بدنی و سایر امراضی را که ساکنین شهر در اثر عواقب جنگ به آنها مبتلا می‌شوند، پیدا کنند. کارکنان فرهنگی برای نجات گنجینه‌های هنری شهر حداکثر کوشش خود را به کار بردند.

و بالاخره در صحبت از سازماندهی دفاع سراسری در جنگ کبیر میهنی، باید از نیروهای پارتیزانی مخفی که در پشت جبهه عمل می‌نمودند، یاد کرد. این نیروها که شکل فعالیتشان اجازه گسترش بیش از اندازه به آنها نمی‌داد، علیرغم تعداد کم‌شان و بخاطر اینکه از انضباط آهنین و تحرک بسیار برخوردار بودند و مهم‌تر اینکه تحت رهبری واحد حزبی و دولتی عمل می‌نمودند و از امکانات اطلاعاتی سراسری و حمایت مردم برخوردار بودند دشمن را در

می‌کردند و آنها را در وحشت همیشگی نگاه می‌داشتند. این سازمان چهار ایستگاه رادیویی موج‌کوتاه در اختیار داشت که از آنها برای مردم ناحیه برنامه پخش می‌کرد. این سازمان همچنین یک نشریه مخفی مقادیری اسلحه و مواد منفجره در اختیار داشت. لین سازمان در مدت اشغال منطقه توسط نیروهای فاشیست ۵۰۰۰ نسخه اعلامیه تحت ۳۰ عنوان منتشر و توزیع نمود. گاردهای جوان برای تقویت روحیه انقلابی مردم و زنده نگهداشتن سنت‌های انقلابی آنها، به کار تبلیغی در بین مردم پرداختند از جمله در بیست و پنجمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، آنها هشت بیرق سرخ شوروی در نقاط حساس شهر به اهتزاز درآوردند. این امر وحشت نیروهای اشغالگر را هرچه بیشتر دامن زد و آنها را به همه چیز بدبین و ظنین ساخت و آسایش را بطور کامل از آنها ربود. افراد سازمان "گارد جوان" در وسایل موتوری دشمن که برای حمل و نقل افراد، مهمات



د. اوگورتسف و و. سابوتین پس از تحمل شکنجه‌های طاقت‌فرسا در نزدیکی شهر دوونکی اعدام شدند. چهار نفر دیگر در نقطه دیگری اعدام شدند. یک نفر ناپدید شد و یازده نفر از گاردهای جوان موفق به فرار شدند.

هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی مطابق قرار ویژه‌ای در سپتامبر ۱۹۴۳. فرماندهان گارد جوان را که در راه میهن سوسیالیستی جان باخته بودند، به عنوان قهرمان اتحاد شوروی مفتخر ساخت. همچنین سه تن از اعضای این سازمان نشان پرچم سرخ، ۳۵ تن نشان درجه یک جنگ میهنی، شش نفر نشان ستاره سرخ و بالاخره ۶۶ نفر مدال درجه یک پارتیزان جنگ میهنی دریافت داشتند. بعدها یک شهر نوساز به یاد رزمندگان این سازمان بنام "گارد جوان" خوانده شد و گلخوزها، سو خوزها، کارخانجات، مناطق مسکونی و کشتی‌های متعددی نام‌های قهرمانان "گارد جوان" را برای خود انتخاب کردند. الکساندر فادیف در کتاب دوجلدی خود بنام "گارد جوان" زندگی افتخارآمیز و حماسی گاردهای جوان و مردم منطقه کراسنودون را به نحو هنرمندانه‌ای ثبت نمود تا الهام‌بخش جان‌های آزاد تمام ملت‌های جهان باشد.

* * *
دلاوری‌ها و از خودگذشتگی‌های خلقهای شوروی در مبارزه علیه فاشیسم و بخاطر نجات میهن سوسیالیستی در آثار هنرمندان رشته‌های مختلف از جمله رمان‌های چویکوف، فادیف، آیتامف، شولوخف، کازاکویچ، دوموبایزه و... اشعار اینبر، برگولتر، روز دستونیسکی، تواردفسکی و... بوستر و نقاشی‌های ایوانف، تویدز، سینارو و... مجسمه‌ها و کنده‌کاری‌های ژوکوف آنیکوشکین، کامنسکی و... آثار آهنگسازان و فیلمسازان بازآفریده شده و می‌شود و گنجینه‌های فرهنگی تمام بشریت را غنا می‌بخشد. توصیف زندگی آفرینندگان این دلاوری‌ها از خودگذشتگی‌ها را در وجود نسل‌های آینده تداوم می‌بخشد و متوجه تربیت انسان‌های نوینی است که دست در کار بنای جامعه‌ای عاری از هرگونه ستم و استثمار، جامعه‌ای واقعا انسانی هستند.

تاخیر در حل

سفر بقیه از صفحه ۱۳

پس از حمله افراد قاسملو در عید قربان بجز یک مورد، حمله دیگری به شهر صورت نگرفته است. در هر گوشه‌ای از شهر، صف‌های طولی برای گرفتن مایحتاج عمومی که به صورت کوپن درآمده دیده می‌شود. در جریان حمله در روز عید قربان به شهر، تعدادی از مردم و هواداران نیروهای سیاسی توسط سپاه پاسداران دستگیر شدند که همچنان در بازداشت بسر می‌برند و تعدادی از آنها تحویل دادگاه‌های سنج شده‌اند. همچنین تعدادی از معلمین و محصلین از آموزشگاه‌ها اخراج شده‌اند. ارتش در سفر در تشدید تشنج و ایجاد درگیری و رفتار ناهنجار با مردم بیشترین نقش را داشته است. رقابت پادگان با سپاه بر سر اداره امور شهر چشم‌گیر است. اخیرا سرهنگ آزادطلب فرمانده پادگان که از افسران طرفدار رژیم سابق می‌باشد از سفر منتقل شده و جای وی را فرد دیگری گرفته است. سپاه پاسداران به کار تبلیغ در شهر مشغول است. در مقایسه با ارتش و ژاندارمری رفتار بهتری با مردم دارند. ولی دستگیری‌های بی‌مورد اخیر از جانب سپاه تاثیر سوئی بر مردم داشته است. در روز ۱۳ آبان به دعوت سپاه نزدیک به ۲۰۰۰ نفر از مردم شهر در راهپیمایی شرکت جستند. راهپیمایان شعارهایی علیه رژیم تجاوزگر صدام و امپریالیسم امریکا می‌دادند. مردم همچنان نگران آغاز مجدد جنگ در شهر و آوارگی و از دست دادن عزیزان خود می‌باشند و بارها از افراد مسلح خواسته‌اند که به شهر حمله ننمایند.

و سوخت مورد استفاده قرار می‌گرفتند، خرابکاری می‌نمودند و آنها را از کار می‌انداختند. در ۱۵ نوامبر ۱۹۴۲ نیروهای "گارد سرخ" ۷۰ زندانی شوروی را از یک اردوگاه اجباری و ۲۰ زندانی محبوس در یک بیمارستان را آزاد نمودند. این نیروها در ۶ دسامبر ۱۹۴۲ اداره کاریابی فاشیست‌ها را در منطقه آتش زدند و بدین ترتیب با از بین بردن لیست ۲۰۰۰ نفر از اهالی منطقه که برای اعزام به آلمان و بیگاری کشیدن از آنها در اردوگاه‌های کار در آلمان انتخاب شده بودند تمام رشته‌های فاشیست‌ها را پنبه کردند.

سازمان مخفی حزبی و "گارد جوان" تا بدانجا پیش رفتند که یک قیام مسلحانه را تدارک دیدند تا محبس فاشیستی را درهم بشکنند و با پیوستن به نیروهای شوروی دوباره به آغوش میهن سوسیالیستی بازگردند اما خیانت یک جاسوس این عملیات را متوقف ساخت. اعضای سازمان "گارد جوان" وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها را تحمل نمودند و با غنای روحی و معنوی خود، پستی و دناوت دشمن را به رخ کشیدند. آنها حتی تا مدتی از داخل زندان بر کارهای رفقایانشان در خارج از زندان آگاهی و نظارت داشتند. در ۱۵، ۱۶ و ۳۱ ژانویه ۱۹۴۳ فاشیست‌ها ۷۱ تن از گاردهای جوان را که بعضی از آنها هنوز زنده بودند و بقیه اعدام شده بودند، در دودکش ۵۳ متری معدن شماره پنج ذغال‌سنگ انداختند. آنها در حالیکه با تمام نیروی ناچیز خود نوای انترناسیونال را سر داده بودند، با زندگی وداع کردند. "اولق کوشه‌وی"، کمیسر سیاسی سازمان،

مناطق اشغالی تا حد زیادی فلج می‌کردند و بدین ترتیب زمینه را برای رهاساختن مناطق اشغالی توسط نیروهای خودی فراهم می‌ساختند. از نمونه‌های برجسته این نیروهای پارتیزانی می‌توان سازمان "گارد جوان" را نام برد.

سازمان "گارد جوان" یک سازمان مخفی کامسامولی بود که در سال‌های جنگ کبیر میهنی در منطقه کراسنودون (ناحیه ورشیلوگراد) فعالیت می‌نمود. این سازمان تحت رهبری سازمان مخفی حزب کمونیست به رهبری ف. پ. لیتوتیکف به وجود آمد. پس از اشغال کراسنودون در سال ۱۹۴۲ گروه‌های ضد فاشیستی از طرف جوانان کمونیست منطقه تشکیل شد. اولین کنگره سازمانی "گارد جوان" و رهبران گروه‌های ناحیه در آن شرکت نمودند. جوانان ورشیلوگراد قبل از اشغال ناحیه توسط نازی‌ها، با پیش‌بینی این امر و تحت رهبری کمیته حزبی ناحیه، مقدمات سازماندهی نیروهای پارتیزانی را معین کرده بود. افراد اصلی و رهبری‌کننده این نیروها قبل از اشغال شهر معین شده بودند، کارهای مختلف تقسیم بندی شده بود، رابطین اصلی معین شده بودند و محل‌های امن شناسایی شده بودند. بطوریکه پس از اشغال شهر تنها کار لازم، اجرای مشخص طرحی بود که خطوط کلی آن از قبل معین شده بود.

سازمان "گارد جوان" در مجموع ۹۱ عضو داشت که از ۲۶ کارگر، ۴۴ دانشجو و ۱۴ کارمند تشکیل می‌شد. گاردهای جوان علیرغم نیروهای کم‌شان در تمام برنامه‌های نیروهای اشغالگر خرابکاری

سوختگی در جنگ

و درمان اولیه آن

کمک های اولیه به هنگام بروز سوختگی در میدان جنگ

گرفتگی امکان ایست قلب وجود دارد.

۵- در صورت امکان، زخم های ناشی از سوختگی تمیز و باز نگاهداشته شود. اگر محیط آلوده است زخم را با پارچه ای تمیز بپوشانید اگر هوا سرد است بیمار را باید پوشاند.

۶- راه تنفسی بیمار باز نگاهداشته شود (بیمار را یک پهلو باید خواباند، سر بیمار بایستی طوری نگاهداشته شود که بزاق دهان به داخل ریه نرود).

۷- اگر امکان رسیدن کمک تا چند ساعت اول وجود دارد، چیزی از راه دهان به مصدوم ندهید اما اگر چنانچه احتمال رسیدن کمک کم است مصرف مایعات از راه دهان شروع گردد. چنانچه مصدوم هوشیار باشد احساس تشنگی شدید می کند بهترین مایع در این شرایط "مایع هالدن" می باشد که امکان تهیه اش مشکل نیست (یک قاشق چایخوری نمک، نیم قاشق چایخوری بی کربنات سدیم (جوش شیرین) در نیم لیتر آب همراه با چند قطره آبلیمو). در مواقعی که مایع فوق در دسترس نیست از هر نوع مایعی می توان استفاده کرد. باید توجه داشت که بیمار دچار استفراغ نگردد و در صورت استفراغ او را یک پهلو خوابانده تا مواد مستفرغه وارد ریه و در نتیجه سبب خفگی مصدوم نشود.

۸- اگر خونریزی در بیمار وجود ندارد باز نگاهداشتن راه تنفسی و دادن مایعات مهم ترین مسئله است. در صورت وجود خونریزی نخست باید جلوی خونریزی را گرفت به جراحات داخلی و شکستگی ها نیز باید توجه داشت.

۹- در موارد سوختگی وسیع و عمیق به بیمار آرامش و دلداری دهید. بیمار اغلب به اهمیت سوختگی واقف نیست زیرا در سوختگی های عمیق مصدوم احساس درد نمی کند.

۱۰- در حوادث بزرگ سوختگی باید به بیمارانی توجه نمود که قابل رهایی هستند. نوشتن جزئیات حادثه توسط اطرافیان نیز حائز اهمیت است.

۱۱- تذکر: در پشت جبهه جنگ

آتش سوزی های ناشی از بمباران های هوایی (بویژه به هنگام استفاده از بمب های آتشزا) و آتش توپخانه ها (در جنگ های زرهی)، میزان درصد سوختگی در جبهه جنگ و پشت جبهه را افزایش داده است. در چنین شرایطی و به هنگام بروز این نوع سوختگی ها بایستی اصول زیر رعایت شود:

۱- رزمنده و یا فردی که دچار سوختگی ناشی از آتش سوزی شده است بایستی از دویدن امتناع ورزد زیرا جریان هوا به هنگام دویدن باعث گسترش آتش می شود.

۲- رزمنده یا فرد سوخته اگر چنانچه تنها است، بایستی روی زمین بغلطد و اگر افراد دیگری در محل حادثه هستند وظیفه دارند هرچه سریع تر به کمک پوشش های ضخیم (مثل پتو، پیراهن و...) آتش را خاموش نمایند و یا شخص مورد نظر را روی زمین خوابانده و در مناطق شعله ور خاک بریزند و یا او را وادارند که روی زمین بغلطد (از وسائل پلاستیکی برای خاموش کردن آتش باید خودداری نمود). چنانچه در محل آب وجود دارد، می توان برای خاموش کردن آتش از آب استفاده کرد.

۳- عامل سوزاننده باید از بدن جدا شود.

۴- در سوختگی های الکتریکی (برق گرفتگی ها) که در جریان بمباران های هوایی و ویران شدن اماکن مسکونی دیده می شود بایستی هرچه سریع تر جریان برق را به وسیله جسمی که جریان برق را از خود عبور نمی دهد (چوب خشک، وسایل لاستیکی و حتی پوتین) از بدن دور ساخت. گاه تنفس مصنوعی و ماساژ قلب ضرورت می یابد چرا که در بر

زخم تگشان" بیزار از جنگ اما استوار و شکست ناپذیر در برابر جنگ های تحمیلی که سرمایه داران و سرسپردگان شان در راه نابودی صلح، استقلال و آزادی برپا می دارند، خواهند ایستاد. زخم تگشان جهان به تجربه خود دریافته اند که ره آورد نظام سرمایه داری برای آنان و خانواده شان چیزی جز فقر، بیماری و جنگ نیست. جنگ تجاوزکارانه ای که رژیم بعث عراق به زخم تگشان میهنمان تحمیل کرده است ماهیت ضد مردمی رهروان راه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا را بار دیگر عریان تر از همیشه به نمایش گذاشته است. زخم تگشان میهنمان گرگ صفتی امپریالیسم را به هنگام ویران نمودن خانه و کاشانه شان بر سر زنان و کودکان رنج کشیده شان با پوست و استخوان خود حس کرده اند.

نگاهی به آمار مصدومین جنگی که در اثر سوختگی ناشی از بمباران های هوایی و آتش توپخانه های رژیم بعث عراق در بیمارستان سوانح سوختگی تهران بستری گردیده اند و تاکنون بیش از ده درصد آنان شهید شده اند گوشه ای از جنایات امپریالیسم آمریکا و رژیم بعث عراق را به قضاوت می گذارد.

از ۸۷ نفر مصدوم سوخته ای که در ایستگاه بیمارستان بستری شده اند ۱۲ زن، ۵ کودک کمتر از ۷ سال، ۴ نوجوان کمتر از ۱۵ سال و ۸ مرد بیش از ۴۰ سال وجود دارند.

آری! امپریالیست ها حتی به زنان و کودکان زخم تگشان نیز رحم نمی کنند. خلق رزمنده ایران همچنان که قهرمانانه در سنگرهای خونین جنوب و غرب کشور حماسه مقاومت می آفرینند می بایست آموزش های لازم کمک های اولیه و نیز طرق پیشگیری از سوختگی در میدان جنگ را بیاموزد.

ما به گونه ای خلاصه شده با امید به تقویت و پیروزی جبهه زخم تگشان، کمک های اولیه پزشکی به هنگام بروز سوختگی در میدان جنگ را شرح می دهیم.

سرمایه داران جنایتکار در تلاش احتکار

جنگ مردم انقلابی ایران با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و عمال تجاوزکار آن در منطقه نارسائی هایی در اقتصاد کشورمان و مشکلاتی در زندگی روزمره زخم تگشان به بار آورده است.

سرمایه داران جنایتکار و دوستان و جاسوسان داخلی امپریالیسم با استفاده از شیوه های ضد مردمی احتکار مایحتاج زخم تگشان، شایعه پراکنی و تلاش در جهت تضعیف روحیه مبارزاتی مردم، به ایفای نقش توطئه گرانه و ضدانقلابی خود مشغولند.

در این شرایط حساس احتکار کالاهای ضروری و مایحتاج مردم فشار سنگینی را بر زندگی کارگران و زخم تگشان میهنمان تحمیل می کند.

دولت موظف است با کنترل کامل و پیگیرانه توزیع کالاهای اساسی و مایحتاج مردم، با تامین نظارت شوراهای محلی بر نحوه توزیع صحیح مایحتاج مردم و کنترل قیمت اجناس، با ملی کردن بازرگانی خارجی دست واسطه ها و دلالان و سرمایه داران محتکر را از زندگی مردم کوتاه سازد.

مردم مبارز آذربایجان! با شناسائی و افشای محتکرین از زاق عمومی و محل انبارهای آنان در بین مردم به مبارزه با این مزدوران امپریالیسم برخیزیم و آنها را بیش از پیش رسوا سازیم.

اطلاعات خود را در این مورد در اختیار سپاه پاسداران، بسیج مستضعفین و کمیته های انقلابی قرار دهید.

در مصرف کمتر بکشیم و از ذخیره کردن غیر لازم ارزاق عمومی خودداری کنیم.

سازمان چریک های فدائی خلق ایران (اکثریت)
شاخه آذربایجان
۲۴ آبان ماه ۱۳۵۹

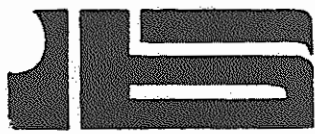
همه باید بدانند:

ذخیره سازی مایحتاج عمومی خلاف مصالح انقلاب است!

سازمان چریک های فدائی خلق ایران (اکثریت)

خاموشی و گاه بی احتیاطی های گوناگون سبب آتش سوزی های مهیب و بروز سوختگی خواهد شد. بسیاری از مراجعین به مراکز سوختگی قربانیان بی احتیاطی های خود به هنگام خاموشی و یا احتکار مواد سوختی می باشند.

بایستی به شهروندان هشدار داد که مواد سوختی را ذخیره نکنند باید مردم را به مصرف هرچه کمتر مواد سوختی تشویق کرد. جمع آوری مواد سوختی در خانه، آمو بسیار خطرناکی است. علاوه بر خطر آتش سوزی های گسترده در اثر بمباران های این مناطق،



کمکهای مالی دریافت شده

توالف	ح	س	۵۲۴۹	۲۲۳۱	ن
۲۰۷۷	۱۰۵۵۵	۶۶۱۶	۱۵۰۲	۱۸۷۵	۲۰۰۳۰۲
۵۹۷۸	۲۱۱۱	۲۰۲۲۲	۱۰۷۶	۱۳۵۹	۶۸۷
۳۸۹۲	۵۲۲۲	۳۶۱۲۹	۲۲۱۸	۲۵۲۵	۱۱۲۳۲
۷۲۰۰	۱۰۰۰	۲۳۵۵	۶۱۰۰	۵۱۹۰	۲۵۷۵
۲۴۴۴	۲۱۱۱		۸۲۱	۵۱۹۰	۶۶۰۰
۵۰۱۹۲	۱۰۷۸۰		۳۰۱۲	۱۰۲۷۶	۳۵۲۳۸
۱۰۲۲۲	۲۱۱۱			۵۰۷۹	۱۴۸۱
۲۰۱۱	۵۰۰۵	۶۶۱۶	ک	۵۲۹۰	۱۶۱۱
۱۵۰۵	۵۱۱۱	۳۰۲۵۶	۲۲۲۵۲	۱۲۰۹	۱۵۲۲۵
۲۲۰۰	۵۱۰۲	۲۲۲۲	۵۳۱۶	۶۲۷۶	
۲۰۰۳	۵۱۵۲	۱۰۵۵۵	۵۳۲۵	۱۰۲۷۶	و
۱۹۹۹	۳۹۲۳	۱۰۱۱۱	۲۲۲۲	۲۱۰۸	۲۵۵۰
۶۰۰۰		۲۶۵	۳۰۱۹	۲۲۶۷	
۳۴۲		۱۰۱۷۰	۳۰۳۰	۲۰۲۰	ه
۱۰۸۱۳	۱۱۲۵	۷۲۲۲	ل	۷۶۹	
۷۰۵۰	۱۰۰۱۲	۵۳۲۲	۱۳۰۰۱	۵۳۳۲	۳۲۰۰
۲۱۲۱	۱۵۱۵۲	۲۰۰۰	۷۲۰۰	۸۲۲۲	۱۰۸۹۸
۲۱۲۱			۲۱۰۰	۱۵۰۵	۱۰۰۳۰
۱۰۳۰				۵۱۲۳	۵۱۱۲
۲۵۵۵				۵۰۱۲۶	۵۵۵۵
۵۴۴۵				۱۰۰۱۱	۱۱۲۳
۱۰۰۰				۷۶۰۰	۵۱۰۶
				۲۴۶۰	
				۵۶۱	ی
				۵۳۳۲	
				۲۷۱۰۰	
				۲۲۱۲۳	
				۲۳۱۱	
				۲۳۱۵	
				۶۰۰	
				۵۱۱۸	
				۵۷۳۷	
				۲۶۱۵	
				۲۰۲۲۲	
					بدون حرف اول تمام
					۲۰۳۳۳
					۱۰۵۰
					۲۸۱۲
					۱۰۰۰۵
					۳۲۲
					۳۳۷۹
					۱۸۵۰۰
					۱۲-۸-۱۰۰۰۰ ریال
					زیتون ۳۰۰۰ ریال
					بهار ۱۰۰۰۰
					۷۸۹-۷ تعدادی از سرپازان:
					۵۵۰۰
					هدیه از گرگان ۴۰۰۰ ریال
					هدیه یک خانواده روستائی ۵۵۰ ریال
					پلهوائی قائم شهر ۷۰۰ ریال
					قرص ۲۲۶ ریال
					آش ۱۶۵
					عارف ۲۰۰
					۶۰۰۰
					مادرالف هدیه شما از ارومیه رسید
					رفیق کوچولویم ۴۰۰۰ ریال
					گروهی از دانشآموزان پیشگام
					دبیرستان یادآوران ۸۴۰۰ ریال
					رفیق مادر س هدیه شما رسید
					تیبوا ۳۱۱۱
					رفیق گیتی هدیه تان رسید

سازمان توسط یکی از رفقایم که مرا سواد خواندن و نوشتن یاد داد، آشنا شدم و فهمیدم که این سازمان بیانگر درد زحمتکشانشان است و این پول را که از دستمزد ناچیزم به دست آوردم و در اوقات بی کاری ام این هدیه را درست کرده و به شما رفقا تقدیم می دارم که امیدوارم مورد پسندتان قرار گیرد.

با امید به پیروزی خلقهای تحت ستم جهان

مرگ بر امپریالیسم جهانی
بسرکردگی امپریالیسم آمریکا

فریاده - ۱۳ ساله

* رفیق فریده، آدم گلدوزی شده که با دستهای کوچک و توانای تو درست شده بود، به همراه مبلغ اهدائیت رسید.

ما دانش آموزان پیشگام که سه ماه تابستان را برای تهیه مخارج تحصیلی مان در شرکت کار می کردیم، در آخر تابستان پس از اینکه تمام پول مخارجی مان را برداشتیم توانستیم ۴۰ تومان را برای سازمان بفرستیم.

امیدواریم که سازمان این پول ما را که در جهت ایجاد جامعه بدون استثمار حرکت می کند، قبول کند.

★ **با درود به شهدای بخون خفته خلق**

سلام به رفقای سازمان چریکهای فدائی خلق (اکثریت)

من یک گازگر گلدوز اطراف قائم شهر هستم که با این

ملل متحد جنگ را محکوم ساخت و برای پیگیری اقدامات صلح طلبانه، نماینده های به منطقه اعزام داشت.

اینک جهان به شکلی خود را در پایان یافتن جنگ ایران و عراق علاقمند نشان می دهد و در این میان همه نیروهای ضدامپریالیست و ترقیخواه میهن خواهان آنند که امر صلح به گونه ای مورد توجه قرار گیرد که نه تنها ماهیت جنگ تجاوزکارانه رژیم صدام و هدفهای امپریالیسم آمریکا و دولت های دست نشانده آن افشاء گردد بلکه انقلاب مردم ما را به پیش برده و در خدمت تحکیم موقعیت نیروهای ضدامپریالیست و ترقیخواه عراق و منطقه قرار گیرد.

آنچه در این میان اهمیت دارد آنست که خواست و اراده مردم ما و تنها مصالح انقلاب آنان تعیین کننده استقرار صلح است. این سخن به معنی آنست که ما پیکار بی امان و تزلزل ناپذیر با تجاوزگران را با هر تلاش صلح جویانه ای که استقلال و تمامیت ارضی ما را محترم شمارد، توأم سازیم و از آن استقبال کنیم و قاطعانه و بی تزلزل اعلام داریم که تا بیرون ریختن آخرین متجاوز از خاک میهن خود، هیچگونه قرارداد صلح و آتش بسی را نخواهیم پذیرفت. ما با قاطعیت باید اعلام داریم که پیکار علیه تجاوزگران را جزئی از روند انقلاب مردم ایران می شناسیم و تحت هیچ شرایطی از چنین پیکار عادلانه ای دست نخواهیم شست و بر ایمان بی چون و چرای خود به پیروزی خلق استوار خواهیم ایستاد.

خوشبختانه دولت رجائی و مجلس شورای اسلامی ایران بر این موضع قرار دارد. سخنان رئیس مجلس شورای اسلامی که در آخرین مصاحبه های خود در الجزایر و لیبی اعلام داشت از هر نظر مورد حمایت ما و همه نیروهای ضدامپریالیست و میهن پرست است. او گفت: "از نظر ما در حالیکه دشمن در سرزمین ما مست آتش بس بی معناست و ما اکنون موضع دفاعی داریم و اگر دشمن خواستار آتش بس است باید نیروهای خود را به مواضع اصلی بازگرداند و ما پس از این همچنانکه همه می دانند به آنها حمله نخواهیم نمود. زیرا که هیچگونه آرزوی توسعه طلبانه نداریم."

صلح پس از دفع تجاوز

ما از صلحی که انقلاب مردم ما را به پیش راند و به تحکیم موقعیت نیروهای ضدامپریالیست و ترقیخواه عراق و منطقه منجر شود، قاطعانه حمایت می کنیم.

برای قطع درگیری ها آغاز کردند. در این میان نیروهای ترقیخواه جهان از همان آغاز جنگ با هدف تضعیف امپریالیسم آمریکا در منطقه و جهان و ایجاد شرایط مساعد برای رشد و گسترش انقلاب مردم ما و تحکیم وحدت خلقهای منطقه علیه امپریالیسم و رژیم های دست نشانده و ارتجاعی به محکوم ساختن جنگ پرداختند و با حمایت قاطع از مردم ما، تلاش های صلح طلبانه ای را سازمان دادند.

از جمله وزیر خارجه جمهوری سوسیالیستی کوبا، برنامه ۵ ماده ای تنظیم کرد که در آن جنگ تجاوزکارانه رژیم صدام محکوم گردیده بود و از رژیم صدام می خواست که نیروهای خود را از خاک میهن ما به داخل خاک عراق فراخواند و نیز از دولت های ایران و عراق برای حل مسالمت آمیز اختلافات فی مابین دعوت به مذاکره می نمود.

شوروی، کوبا، لیبی، سوریه، الجزایر و دیگر نیروهای ترقیخواه جهان معتقدند تجاوز رژیم صدام به جمهوری اسلامی ایران به سود امپریالیسم آمریکا و به زیان مردم منطقه است. این اعتقاد ناظر بر این حقیقت است که تجاوز جنایتکارانه رژیم صدام به جنوب و جنوب غربی میهن ما نتیجه گسترش و تعمیق انقلاب مردم میهنمان و واکنش در مقابل آن است. از آن رو این تجاوز نه تنها در خدمت تأمین منافع از دست رفته امپریالیسم آمریکا در ایران بلکه متوجه تحکیم منافع امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا در منطقه و مالا درصدد تقویت هرچه بیشتر دولت های ارتجاعی منطقه است.

در مباحثات و درگیری های اجلاس شورای امنیت سازمان ملل پیرامون جنگ ایران و عراق، همه مردم جهان شاهد مبارزه این نیروها بودند، در نتیجه کشمکش هایی که در سازمان ملل متحد جریان داشت و درحقیقت مبارزه نیروهای ترقیخواه و ارتجاعی در یک نهاد جهانی بود، سازمان

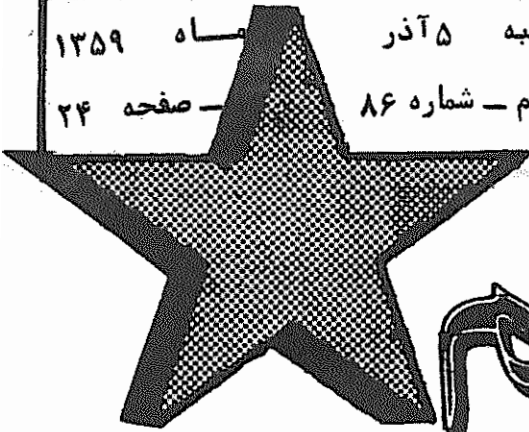
شورای امنیت سازمان ملل سوئد و عضو بین الملل سوسیالیست هاراما مورومیانجی صلح بین جمهوری اسلامی ایران و رژیم جنایتکار صدام کرده و به ایران گسیل داشته است.

از آغاز جنگ تاکنون محافل مختلف تلاشهایی برای جلوگیری از گسترش جنگ در منطقه و استقرار صلح بین ایران و عراق به عمل آورده اند که هدفها و مضامین فعالیت آنها متفاوت و حتی متضاد بوده است.

محافل امپریالیستی و دست نشانده به ویژه با کمک ضیاء الحق دیکتاتور پاکستان و حبیب شطی سیاستمدار کهنه کار تونس می کوشند در شرایطی که رژیم صدام بخشهایی از میهن ما را در اشغال دارد، نوعی آتش بس و صلح پایدار را به جمهوری اسلامی ایران تحمیل کنند تا به مثابه یک عامل فشار سیاسی جمهوری اسلامی ایران را منزوی ساخته و با مانورهای نظامی و سیاسی فرسایشی مردم ما را از مواضع ضدامپریالیستی خود به عقب برانند و در عین حال شرایط مطلوبی برای رژیم صدام در داخل عراق فراهم آورند.

این محافل تلاشهای خود را به ویژه پس از ناکامی هایی که رژیم صدام در طول جنگ با آن روبرو شد افزایش دادند. تا آنجا که نماینده امپریالیسم آمریکا در سازمان ملل متحد عوام - فریبانه دست به مانور زد و تجاوز صدام به ایران را به اصطلاح محکوم کرد و خواهان آن شد که دو دولت ایران و عراق با آتش بس در جنبه های جنگ موافقت نمایند.

در کنار محافل وابسته به انحصارات نظامی - نفتی و مالی که خواهان گسترش جنگ هستند، محافل مربوط به دیگر بخشهای بورژوازی امپریالیست ناراضیتی خود را از طولانی شدن جنگ ایران و عراق و گسترش آن گاه و بیگاه ابراز می داشتند و با هدف عقب راندن جمهوری اسلامی از مواضع ضدامپریالیستی و بطور کلی به شکست کشاندن انقلاب ایران مانورهای را



می مانیم و در خون پیکار می کنیم

در دفاع از انقلاب، در دفاع از استقلال میهن و در راه آرمان پرافتخار طبقه کارگر، فدائیان خلق در سنگرهای سرخ مقاومت، در عرصه‌ای از پیکار تاریخساز خلق بزرگ ما، هر روز جان‌های عزیز را در راه انقلاب نثار می‌کنند. خون پاک رفقا، دشت‌ها و دره‌های میهن را گلگون می‌سازد و بشارت می‌دهد لاله‌زاران سرخی را که ایران مستقل، آباد و دمکراتیک فردای پیروزی زحمتکشان بر آن بنا می‌شود.

فدائیان خلق، رفقای شهید سنگرهای پیکار با تجاوزگران

- ☆ شهریار باقرزاده ☆ عبدالحسین شاه میر ☆ رحمت‌اله (امیر) اسفندیارپور
- ☆ سعید کوشش ☆ علی حاتم زاده ☆ اکبر بدلی (کارگری‌شو)
- ☆ مرتضی دارابی ☆ البرز یوسفی ☆ حبیب‌الله فرحبخش
- ☆ علی معاف ☆ عبدالله مرادی ☆ محمدرضا آذریان
- ☆ محمد اسداله نژاد رودبند ☆ محمد مهدی نیک اندام
- ☆ کاظم عبدی ☆ رحیم مقیطی ☆ محمد ناسم فتاح بیگی
- ☆ وحید نیک‌سیب ☆ امیر آقائی ☆ جمشید پرچی زاده
- ☆ اکبر فخور ☆ علی ابراهیمی ☆ سهیلا مستغان زاده
- ☆ جواد گنجی ☆ غلام عباس بخرد

پیروزی باد آرمان انقلابی رفقای شهید

صدور حکم تعقیب کادر مرکزی سازمان مجاهدین خلق را محکوم می‌کنیم

پس از محاکمه محمد رضا امپریالیسم امریکا و رژیم ضد سعادتی و صدور حکم محکومیت او به اتهامات واهی و بی‌اساس، دادگاه انقلاب اسلامی با صدور حکم تعقیب کادر مرکزی سازمان مجاهدین خلق ایران گام دیگری در جهت دشوارتر کردن امر وحدت نیروهای ترقیخواه و تضعیف امپریالیست. تکیه بر یکه‌پارچی مردم و ایجاد جو نفاق ملی برداشت و این‌همه در زمانی اتفاق می‌افتد که ضرورت تفاهم میان نیروهای مردمی برای تحکیم صفوف مقاومت در برابر تهاجم

دوستی استوار با «جبهه پایداری» پیروزی تازه انقلاب

دیدار هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی از کشورهای عضو جبهه پایداری گامی در جهت تحکیم اتحاد نیروهای ضد امپریالیست و ترقیخواه.

در صفحه ۱۱

در کرانه‌های خونین کارون حماسه‌آمیزترین

مقاومت‌ها جاری است

در صفحه ۴

توسن انقلاب را
در دشت‌های زیبای
صومالی برادوست
به جولان درآوریم

در صفحه ۱۰

تأمین خواست‌های پر حق
رانندگان تاکسی
به سود انقلاب است

در صفحه ۲۰



با اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی بازرگانی خارجی را ملی کنید و با احتکار و گرانی قاطعانه مبارزه نمائیم

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) آبان ماه ۱۳۵۹

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر